اخلاقیات کتاب‌مقدس

نوشتهٔ جان و سارا مایلز

ترجمهٔ افشین لطیف‌زاده

انتشارات ایلام– انگلستان ۲۰۰۸

شابک: ۰-۹۵-۹۰۴۹۹۲-۱-۹۷۸

این کتاب ترجمه‌ای است از کتاب

Bible Ethics

John and Sara Miles

Translated into Persian by
Afshin Latifzadeh

GLOBAL UNIVERSITY
1211 South Glenstone Ave.
Springfield, MO 65804
U.S.A

Published by:
ELAM PUBLICATIONS
P.O. BOX 75
GODALMING GU8 6YP
ENGLAND

ISBN 978-1-904992-95-0

کلیهٔ آیات نقل شده از عهدجدید، ترجمهٔ «مژده برای عصر جدید» (انجیل شریف) است.

فهرست مطالب

سخنی با خوانندگان

اغلب اوقات به‌عنوان یک مسیحی به موضوعاتی فکر می‌کنیم که قادر به انجام دادنش نیستیم. اما مقصود از یک زندگی درست آن چیزی است که عیسی گفت: «مقدس باشید زیرا که من قدوس هستم» (اول پطرس ۱۶:۱).

به‌عنوان یک مسیحی، زندگی زمانی مثبت خواهد بود که اعمال ما نشأت گرفته از تعالیم و زندگی مسیح باشد. وعده‌ها و فرامین مثبت او تنها یک سری قواعد خشک نبوده بلکه به زندگی ما حیات و شادی می‌بخشند.

عیسی الگوی زندگی ماست و ما شخصاً مسئول هستیم که با همکاری و عشق به او، زندگی مثبت و باهدفی داشته باشیم.

این کتاب به شما کمک خواهد کرد تا زندگی مقدسی داشته باشید، چنانکه او مقدس است. با اجرای این قوانین، باعث برکت زندگی خودتان خواهید شد. خدا شما را آن طور که هستید دوست دارد، نه آنچه که به‌عنوان یک مسیحی قادر به انجامش نیستید.

چگونگی مطالعه این کتاب

کتاب حاضر به شیوه‌ای ویژه نگارش یافته است به‌طوری که مطالعه و درک مطالب آن بسیار آسان است. شما در هر کجا که باشید، و هر اندازه وقت داشته باشید، می‌توانید این کتاب را

بخوانید. در این کتاب از روش خودآموز استفاده شده است تا فراگیری مطالب بهتر صورت گیرد.

ابتدا قسمت مقدمه هر درس را مطالعه نمایید تا از نظر ذهنی آمادگی بیشتری پیدا کنید. سپس درس را قسمت به قسمت مطالعه نمایید و به سؤالات مطرح شده پاسخ دهید. برای جواب دادن به سؤالات می‌توانید از محلی که در کتاب تعیین شده، یا از کاغذی جداگانه استفاده کنید (در صورتی که کتاب را در یک گروه مطالعه می‌نمایید، به راهنمایی‌های رهبر گروه توجه کنید). این سؤالات در لابلای دروس گنجانده شده‌اند. سؤالات و جواب‌ها از چند نظر مفید خواهند بود:

- کمک می‌کنند تا افکارتان پراکنده نشوند.
- کمک می‌کنند تا درک خود را از مطالب درس بیازمایید.
- کمک می‌کنند تا نکات عمده هر درس را به‌خاطر بسپارید.

پاسخ‌های صحیح سؤالات را در آخر هر درس خواهید یافت. جواب‌های خود را با آنها مقایسه کنید. برای کمک به خودتان، بهتر است تا زمانی که خودتان به سؤالات پاسخ نداده‌اید، به پاسخ‌ها نگاه نکنید.

گاه کتاب از شما می‌خواهد تمرین‌هایی به‌غیر از جواب دادن به سؤالات انجام دهید. این تمرینات به شما کمک می‌کنند تا مطالب را عمیق‌تر فراگیرید. پس همه آنها را انجام دهید.

دورهٔ درسیِ «زندگی مسیحی» می‌تواند کمک و برکتی بزرگ برایتان باشد. هزاران شاگرد از این کتاب استفاده کرده‌اند. ولی آنچه از آن می‌آموزید، فقط موقعی نتیجه خواهد داشت که آن را عملاً انجام دهید. پس هر آنچه را که می‌آموزید، فوراً بکار ببندید.

روش پاسخ دادن به سؤالات

در این کتاب انواع مختلفی از سؤالات مطرح شده است. ذیلاً نمونه‌ای از انواع سؤالات مختلف و روش پاسخ دادن به آنها بیان گردیده است.

سؤالات چند جوابی

در این نوع از سؤالات، برای هر سؤال چند پاسخ در نظر گرفته شده است که شما باید صحیح‌ترین و یا مناسب‌ترین آنها را انتخاب نمایید. به مثال زیر توجه فرمایید:

کتاب‌مقدس شامل چند کتاب می‌باشد؟

a) ۱۰۰ کتاب

b) ۶۶ کتاب

c) ۲۷ کتاب

پاسخ صحیح مورد b می‌باشد. در نتیجه شما باید پاسخ «b» را علامت بزنید.

سؤالات صحیح و غلط

در این نوع سؤال، شما باید درست یا نادرست بودن هر عبارت را مشخص نمایید. معمولاً عبارات درست را با حرف a و عبارات نادرست را با حرف b باید مشخص نمایید.

آزمون نهایی

در پایان کتاب، سؤالات مربوط به آزمون نهایی را خواهید یافت. پس از جواب دادن به سؤالات پاسخنامه را برای ما ارسال دارید تا آن را اصلاح کرده، به شما عودت دهیم.

پس از به‌پایان رساندنِ هجده کتاب دورهٔ «زندگی مسیحی» گواهینامه‌ای دریافت خواهید داشت.

سخنی در مورد مؤلفین

جان و سارا مایلز با توجه به تجربیات غنی و سابقه درخشان در خدمات‌شان، این کتاب را با همکاری یکدیگر نوشتند. جان مایلز دارای دکترای زبان فرانسه بوده و هم اکنون مسئول بخش فرانسه در کالج ویتون در ایلینویز آمریکا است. همسر ایشان، سارا مایلز فوق‌لیسانس الهیات و زیست‌شناسی بوده، و به‌عنوان مشاور و مدرس زیست‌شناسی در کالج ویتون مشغول به کار می‌باشد. ایشان بین سال‌های ۱۹۶۵–۱۹۶۸ در آفریقا به‌عنوان مبشرین دستگذاری شده، خدمت کرده‌اند.

حال شما آماده هستید تا مطالعهٔ درس اول را شروع کنید.
خدا این درس‌ها را باعث برکت بگرداند.

درس اول

خدا شما را آن طور که هستید آفریده است

مهم است بدانید که شما شخص مهمی هستید. این مطلب به شما کمک می‌کند تا احساس خوبی داشته باشید و همچنین فعال باشید. کتاب‌مقدس در ارتباط با شخصی به‌نام جدعون با ما صحبت می‌کند که خودش فکر می‌کرد شخص مهمی نیست. او خود را از دشمنانی که به کشورش حمله کرده بودند مخفی می‌کرد. وقتی جدعون همهٔ امید خود را برای مردمش از دست داد، خداوند فرشته‌ای برای تقویت او فرستاد. پیام فرشته این بود: «ای مرد زورآور، یهوه با توست.»

خدا نظر جدعون را برآنچه انجام داده بود، جلب نکرد بلکه توجه او را به آنچه می‌توانست با کمک خدا انجام دهد، جلب نمود. خدا به جدعون کمک کرد تا مردمش را رهبری کند (داوران باب‌های ۶–۸ را بخوانید).

به جدعون فکر کنید و تقویت شوید. خودتان ممکن است احساس کنید که شخص مهمی نیستید. اما شما از دید خدا شخص مهمی می‌باشید. او می‌خواهد ما این را بفهمیم و بر طبق آن عمل کنیم. مردم خیلی زود متوجه شدند که خدا با جدعون

است. او رفتاری متفاوت داشت. این آن چیزی است که خدا از شما نیز می‌خواهد. او می‌خواهد رفتاری متفاوت داشته باشید زیرا او با شماست و شما فرد مهمی هستید.

آنچه شما در این درس مطالعه خواهید کرد:

– شما شخص مهمی هستید: فرزند خدا
خدا در شما کاری انجام داده است
هدفی که برای شما به‌عنوان فرزند او در نظر گرفته شده است
– شما شخص مهمی هستید: عضوی از بدن مسیح
خدا شما را در یک خانواده قرار داده است
هدفی که او برای شما در آن خانواده دارد
– شما شخص مهمی هستید: سفیر ملکوت خدا
خدا شما را در جهان قرار داده است
هدف از بودن شما در جهان

این درس به شما کمک خواهد کرد تا:

● در یک یا دو جمله توضیح دهید که به‌عنوان فرزند خدا، چقدر مهم هستید و این مطلب در زندگی شما چه تأثیری دارد.

● مسئولیت خود را در زندگی به‌عنوان فرزند خدا، بر طبق کلامش توصیف کنید.

شما شخص مهمی هستید: فرزند خدا

وقتی مسیحی شدید، چه اتفاقی برای شما افتاد؟ خیلی چیزها! کلام خدا دربارهٔ جنبه‌های مختلف آن صحبت می‌کند. شما از گناهان‌تان توبه کردید و خدا شما را بخشید. شما نجات یافتید چون از عیسی مسیح خواستید که نجات‌دهنده شما باشد. همچنین عیسی مسیح را به‌عنوان خداوند زندگی‌تان پذیرفتید. او را به‌عنوان فرزند خدا قبول کردید و او را در قلب خود جا دادید تا بر زندگی شما سلطنت کند.

خدا در شما کاری انجام داده است

انجیل یوحنا برای ما شرح می‌دهد که چه اتفاق عجیبی برای اشخاصی که عیسی مسیح را به‌عنوان خداوند و نجات‌دهندهٔ خود می‌پذیرند، می‌افتد. این آیات را به‌دقت بخوانید: «اما به همهٔ کسانی که او را قبول کردند و به او ایمان آوردند، این امتیاز را داد که فرزندان خدا شوند که نه مانند تولدهای معمولی و نه در اثر تمایلات نفسانیِ یک پدر جسمانی، بلکه از خدا تولد یافتند» (یوحنا ۱:‏۱۲–۱۳ مژده برای عصر جدید).

خدا به‌وسیله یک طریق خاص به شما زندگی بخشیده است، اما نه یک زندگی تازه فیزیکی. هیچکس نمی‌تواند دوباره کودک شود. در واقع خدا به شما حیات روحانی جدیدی داده

است. او پدر همهٔ اشخاصی است که این حیات را از او دریافت می‌کنند (تولد تازه) و ما فرزندان او می‌باشیم.

بنابراین، اگر شما ایمانداری مسیحی هستید، فرزند خدایید. آیا می‌توانید تصور کنید چقدر مهم هستید؟ شما واقعاً فرد مهمی هستید، یعنی فرزند خدای متعال، خالق تمام کائنات.

۱- دو قدمی که در یوحنا ۱۲:۱ برای فرزند خدا شدن لازم است، چیست؟

a) بخشیدن و فراموش کردن گناه دیگران

b) پذیرش و ایمان آوردن به عیسی

c) کودک شدن و از نو رشد کردن

۲- وقتی که شما مسیحی می‌شوید، چه کاری را خدا در شما انجام می‌دهد؟

a) او شما را فرزند خود می‌کند و به شما کمک می‌کند که بخواهید بهتر زندگی کنید

b) او کمک می‌کند فکر کنید از دیگران مهم‌تر هستید

هدفی که برای شما به‌عنوان فرزند او در نظر گرفته است

وقتی شما می‌خوانید که خدا پدر آسمانی است، شاید به یاد پدر خودتان بیفتید. پدر شما در هنگام کودکی‌تان چگونه پدری بود؟

مسلماً او مثل خدا کامل نیست. یک پدر خوب فرزندانش را دوست دارد، بهترین‌ها را برای آنها آماده می‌کند؛ او می‌خواهد فرزندانش زندگی کامل و شادی داشته باشند و به بهترین درجه رشد برسند. خدا، پدر آسمانی ما همین اهداف را برای ما دارد. او بهترین را برای ما می‌خواهد. او قصد و هدفی برای زندگی تازهٔ ما به‌عنوان یک شخص مسیحی دارد و می‌خواهد وقتی هدف او را در زندگی‌مان دنبال می‌کنیم، شاد باشیم.

در کتاب افسسیان باب دوم، می‌آموزیم که خدا چه کارهای عظیمی برای ما کرده است. ما نیز مثل دیگران از لحاظ روحانی مرده بودیم و امیال خود را پیروی می‌کردیم. اما خدا ما را توسط عیسی مسیح زنده کرد و زندگی تازه‌ای را که هدیه اوست، به‌وسیلهٔ ایمان به عیسی مسیح، به ما بخشید. از طریق این آیات درک می‌کنیم که معنای فرزند خدا بودن چیست: «زیرا ما مصنوع دست او هستیم و خدا ما را در مسیح عیسی از نو آفریده است تا آن کارهای نیکویی را که او قبلاً برای ما مقدر فرمود که انجام دهیم، بجا آوریم» (افسسیان ۲:‏۱۰ مژده برای عصر جدید).

قصد خدا برای فرزندانش «زندگی با کارهای نیکو» می‌باشد. کارهای نیکو یعنی انجام دادن آنچه خوب و درست است. در همهٔ موارد، باید از تمام استعدادها و وقت‌مان بدرستی استفاده کنیم تا بهترینی باشیم که می‌توانیم باشیم. این آن چیزی است که پدر آسمانی ما را شاد می‌کند. انجام کارهای نیکو برای پدر آسمانی‌مان آن چیزی است که ما را شاد می‌کند و زندگی‌مان را

کامل می‌سازد! به‌یاد داشته باشید که کارهای نیکو شخص را مسیحی نمی‌کند. در کتاب افسسیان ۲:۸-۹ می‌خوانیم که نجات را نمی‌توان خرید بلکه نجات هدیهٔ خداست. اما زمانی که شخص فرزند خدا می‌شود، بر طبق اعتقاداتش زندگی خواهد کرد. یک فرزند خدا با اشخاصی که به خدا ایمان ندارند، فرق می‌کند و رفتاری متفاوت دارد. او ایمان خود را در زندگی تازه‌اش با انجام اعمال جدید برای خدا نشان می‌دهد و این پیغامی است که ما در رساله یعقوب ۱:۲۲-۲۶ پیدا می‌کنیم، ایمان خودش را از طریق عمل نشان می‌دهد.

۳- قصد خدا برای زندگی شما به‌عنوان یک ایماندار این است که:

a) نجات پیدا کنید

b) در همهٔ موارد خوب و درست عمل کنید

۴- یعقوب ۱:۲۲-۲۶ به ما می‌گوید نه فقط باید به کلام او گوش دهیم بلکه ....

a) اغلب آن را بخوانیم

b) از خود بپرسیم که معنی آنها چیست

c) آن را اجرا کنیم

ما درباره قصد خدا برای یک مسیحی در ارتباط با کارهای نیکو صحبت کردیم. برای شما مهم است که بدانید کارهای شما نشانه‌ای است از خصوصیات شما. شما فرزند خدایید. اما فرزند

خدا چه خصوصیاتی دارد؟ او باید چگونه باشد؟ در افسسیان ۴:۱ چنین می‌خوانیم: «و ما را قبل از آفرینش دنیا در مسیح برگزید تا در پیشگاه او مقدس و بی‌عیب باشیم.»

خدا از فرزندانش می‌خواهد که مقدس و بی‌عیب باشند. می‌دانید که ایماندار یک خلقت تازه است، او دوباره متولد شده است. از طریق کلام خدا و تجربه می‌توانید درک کنید که یک ایماندار، در یک لحظه کامل نخواهد شد. حتی شاگردان مسیح نیز بی‌عیب نبودند. اما خدا می‌خواهد که همه فرزندانش مقدس و بی‌عیب شوند و این امر نیاز به زمان دارد، مثل رشد یک بچه. در حقیقت رشد ما تا هنگامی که به آسمان نرسیم، کامل نخواهد شد. می‌توانیم بگوییم که «فرزند خدا یک مخلوق جدید است، اما در یک لحظه در کمال نمی‌رسد بلکه باید بسوی کمال پیش رود.»

ممکن است یک نجار بخواهد پسرش نجاری ماهر شود، و یک خواننده بخواهد دخترش موسیقیدان شود. اما آیا صرفاً فرزند یک نجار یا یک خواننده بودن، لزوماً مهارت‌های پدر را هم به همراه دارد؟ خیر، این امر زمان می‌خواهد. تعلیم لازم است تا توانایی کودک افزایش پیدا کند. او همچنین باید سعی کند تا آنچه را که پدرش به او یاد می‌دهد، فرا گیرد و انجام دهد.

هر ایمانداری بر طبق خواست خدا تولد تازه می‌یابد، قلب او عوض می‌شود و زندگی تازه‌ای پیدا می‌کند. این هدف خدا برای ایماندار است. پس خدا از او می‌خواهد که زندگی توأم با کارهای نیکو داشته باشد. تنها راهی که برای این کار وجود دارد این است

که ایماندار به خدا اجازه دهد که طرز فکر او را عوض کند. طرز فکر و برخورد ما با مسائل، بیانگر شخصیت ماست، همانطور که صورت ما گاهی نشان‌دهندهٔ درون ماست. بنابراین خداوند به ما زندگی تازه، طرز فکر تازه و در نتیجه اعمال تازه‌ای می‌بخشد.

ابتدا خدا ما را نجات می‌دهد و قلب ما را عوض می‌کند. سپس این زندگی تازه، دیدگاه تازه‌ای به ما می‌بخشد، دیدگاهی بسوی تقدس و بی‌عیبی. این طرز فکر تازه، ما را به اعمال تازه‌ای ترغیب می‌کند. آیا می‌توانید درک کنید که زندگی تازه، احساسات تازه، و کارهای خوب همه قصد و هدف خدا برای ماست؟ این یک تعریف از اخلاق و اخلاقیات کتاب‌مقدسی است. زندگی تازهٔ خود را با عمل نشان دهید، زندگی تازه‌ای که در طرز فکر شما و اعمالتان خود را نشان می‌دهد.

زندگی تازه – طرز فکر تازه – اعمال تازه. آیا توجه دارید که در هر سه مورد، ایماندار باید شخصاً مایل باشد که از خدا کمک دریافت کند؟

۵– فهرستی از احساسات و اعمال خود را بنویسد که خدا عوض کرده است. آیا از آنچه او در زندگی‌تان انجام داده، دلگرم هستید؟

۶- دو ستون را با یکدیگر تطبیق دهید. ستون سمت راست قصد خدا برای شما و ستون سمت چپ، سه جنبهٔ زندگی شما می‌باشد.

۱) نجات یافتن	a) اعمال
۲) مقدس و بی‌عیب بودن	b) زندگی تازه
۳) نیکوکاری	c) طرز فکر

شما شخص مهمی هستید: عضوی از بدن مسیح

ممکن است این جمله را شنیده باشید که اگر شما تنها گناهکار روی زمین بودید، عیسی باز برای شما می‌مرد. اما شما تنها گناهکار روی زمین نیستید، این طور نیست؟ نقشهٔ خدا این بوده که بسیاری نجات یابند و شما نیز جز آنان هستید. رنج‌های مسیح برای آن بوده که «فرزندان بسیاری را به جلال برساند» (عبرانیان ۱۰:۲). خدا قصد کرد که فرزندش عیسی، نخستین برادر در میان برادران بسیار باشد (رومیان ۲۹:۸).

آیا فکر می‌کنید کلمات فرزندان و برادران، زنان را شامل نمی‌شود؟ شما نیز اگر زن هستید، حقی مساوی دارید که فرزند خدا خوانده شوید. به‌یاد داشته باشید: آنهایی که او را قبول کردند و پذیرفتند، این امتیاز را دارند که فرزندان خدا باشند.

خدا شما را در یک خانواده قرار داده است

خدا پسران و دختران بسیاری دارد. مسیحیان خانوادهٔ خدا را تشکیل می‌دهند. پدر ما می‌خواهد خانواده‌اش یک گروه واحد باشند. کتاب‌مقدس، خانوادهٔ خدا را بدن مسیح معرفی می‌کند. یک بدن، واحدی است که از قسمت‌های مختلف و همه یک هدف دارند. ولی می‌دانیم چقدر این قسمت‌ها با یکدیگر تفاوت دارند و چقدر هر کدام به یکدیگر احتیاج دارند. بدن مسیح اینگونه است. این بدن از مسیحیانی تشکیل می‌شود که در کشورهای مختلف و از سنین متفاوت هستند. اما آنان متحد هستند و همه با هم یک خانواده را تشکیل می‌دهند. به این آیه توجه کنید: «پس شما غیریهودیان دیگر غریب و بیگانه نیستید، بلکه با مقدسین خدا هموطن و اعضاء خانواده خدا هستید» (افسسیان ۲:۱۹).

بسیار خوب است که بفهمیم با ما دیگر ایمانداران تشکیل یک بدن داده‌ایم و این یگانگی عجیب است. اما خدا مسیحیان را یک نکرده تا فقط یک گروه داشته باشد. یک مربی فوتبال بازیکنانش را انتخاب نمی‌کند تا فقط یک تیم داشته باشد. او آنها را در یک تیم متشکل می‌کند تا برای مسابقه آماده شوند. خدا نیز برای بدن مسیح قصدی دارد و شما در آن نقشی دارید که باید آن را ایفا کنید.

هدفی که او برای شما در آن خانواده دارد

چرا خدا مقرر کرده که مردم به‌صورت خانواده درآیند؟ به یک شخص یتیم یا بیوه فکر کنید. خیلی راحت است که بفهمیم مردم به یکدیگر احتیاج دارند. خانواده طریقی است که خدا قرار داده برای رفع احتیاجات، چه فیزیکی و چه روانی. خانواده می‌تواند این احتیاجات را با کمک اعضای خود رفع کند. با یکدیگر می‌توان نیاز به محبت و احترام را برآورده ساخت. خدا هر یکی از فرزندانش را در خانواده‌اش به همین دلیل قرار داده، چون ما به یکدیگر احتیاج داریم. شاید شما احتیاج ندارید که مسیحیان دیگر نیازهای شما را از هر نظر رفع کنند. شاید شما در خانواده‌ای بزرگ شده‌اید که نیازهای شما در آن رفع گردیده، اما برادران شما ممکن است در مسیح، به کمک شما احتیاج داشته باشند. بدون شک شما نقش مهمی در خدمت به این خانواده دارید. آنچه واضح است این است که ما همه به حیات روحانی موجود در این خانواده احتیاج داریم. نویسنده رساله به عبرانیان احتیاجات فیزیکی، روحانی و روانی را در نظر می‌گیرد. به این آیات توجه کنید: «برای پیشی جستن در محبت و اعمال نیکو یکدیگر را تشویق کنیم. از جمع شدن با برادران در مجالس کلیسایی غفلت نکنیم، چنانکه بعضی‌ها به این عادت کرده‌اند، بلکه باید یکدیگر را بیشتر تشویق کنیم، مخصوصاً در این ایام که روز خداوند نزدیک می‌شود» (عبرانیان ۱۰:۲۴–۲۵).

با جمع شدن با برادران مسیحی، شما می‌توانید احتیاجی را رفع کنید یا نیازی از شما رفع گردد. کلیسا مکانی است که در آن اخلاق مطرح می‌شود. شما می‌توانید این زندگی تازه را با کمک کردن به خانوادهٔ خدا، در عمل پیاده کنید. پولس طرز فکر و کارهای خود را چنین توضیح می‌دهد: «حتماً خبر دارید که خدا فیض خود را به من عنایت کرده و از من خواسته است که آن را برای شما بکار ببرم» (افسسیان ۲:۳) .

خدا از ما می‌خواهد برای خوبی کردن به دیگران در بدن مسیح زندگی کنیم.

۷- عبارات صحیح را مشخص کنید

a) خدا از فرزندانش می‌خواهد که یکدیگر را خدمت کنند

b) همه فرزند خدا هستند

c) ما نباید مسیحیان دیگر را تحقیر کنیم زیرا خدا آنها را برادران ما قرار داده است

d) در بدن مسیح احتیاجات اشخاص رفع می‌شود

۸- اکنون کمی در مورد برادران مسیحی خود فکر کنید. آیا از احتیاجات آنها با خبر هستید؟ آیا خود را جهت رفع آن احتیاجات، سهیم می‌دانید؟

شما شخص مهمی هستید: سفیر ملکوت خدا

چه اتفاقی برای یک خانواده خواهد افتاد اگر رشد نکند؟ یک خانواده باید از لحاظ کمیت زیاد شود، این طور نیست؟ هنگامی که خدا آدم و حوا را آفرید، به آنها فرمود: «بارور و کثیر شوید» (پیدایش ۲۸:۱). خدا از آدم و حوا خواست تا فرزندان داشته باشند. خدا از خانواده خودش نیز چنین انتظاری دارد. او می‌خواهد مردم بیشتر و بیشتر تولد تازه پیدا کنند و به خانوادهٔ او بپیوندند. آیا کلمات عیسی را در این مورد به‌یاد دارید؟ «بروید و همهٔ ملت‌ها را شاگرد من بسازید» (متی ۱۹:۲۸).

بدن مسیح که از ایمانداران تشکیل شده، باید رشد کند و هر عضوی در این عمل سهمی دارد. به شما دستور داده شده که با تمام توانایی خود ایمانداران بیشتری را به خانوادهٔ خدا هدایت کنید.

خدا شما را در جهان قرار داده است

این درس با این سؤال شروع شد: «چه اتفاقی برای شما افتاد هنگامی که مسیحی شدید؟» ولی در این میان، یک چیز اتفاق نیفتاد. شما وقتی مسیحی شدید این جهان را سریعاً ترک نکردید و به آسمان نرفتید. پولس رسول می‌گوید: «اشتیاق دارم که این زندگی را ترک کنم و با مسیح باشم که خیلی بهتر است» (فیلیپیان ۲۳:۱).

خدا می‌توانست همان موقع شما را با خود به آسمان ببرد. اما آن کار را نکرد. احتمالاً یک موضوع دیگر نیز، وقتی که شما فرزند خدا شدید، اتفاق نیفتاد. همهٔ مشکلات مالی و کاری شما نیز ناگهان ناپدید نشد؛ همسایگان وهمکاران شما ناگهان بیشتر با شما دوست نشدند و یا یاور شما نشدند. چرا؟ شما هنوز در دنیا هستید و مسائل همیشه آسان نیست. مشکلات با شادی‌ها ادغام شده‌اند. ممکن است اکنون در مقایسه با زندگی قبلی و غیر مسیحی خود تصمیم‌گیری‌های سخت‌تری در پیش رو داشته باشید. ممکن است مسائل به‌خاطر مسیحی شدن شما سخت‌تر شده باشند.

اولاً امکان دارد خانوادهٔ شما و دوستان‌تان شما را درک نکنند و ثانیاً شیطان (که فرشتهٔ سقوط کرده‌ای است و علیه همهٔ کارهای خوب خدا کار می‌کند) حالا بر علیه شماست. اما به دعای عیسی برای شاگردانش توجه کنید: «به درگاه تو دعا می‌کنم نه برای اینکه آنها را از جهان ببری بلکه تا آنان را از شرارت و شیطان محافظت فرمایی. همانطور که من متعلق به این جهان نیستم، ایشان هم نیستند. همانطور که تو مرا به جهان فرستادی من نیز آنان را به جهان فرستادم» (انجیل یوحنا ۱۵:۱۷–۱۶ و ۱۸).

اگر خدا می‌خواهد فرزندانش در جهان باشند، می‌توانید مطمئن باشید که برای آن دلیل خوبی دارد.

جای خالی را با جواب درست پر کنید:

۹- به‌عنوان یک ایماندار، ما مسئولیم که دربارهٔ .... (آدم و حوا/ خانوادهٔ خدا) به همه کس و در هر جا .... (صحبت کنیم/ بحث کنیم)

هدف از بودن شما در جهان

بعضی از مسیحیان دوست دارند خود را از سایر مردم جدا سازند. آنها خانه، خانواده و سرزمین خود را ترک می‌کنند تا دور از دنیا زندگی کنند. این آن چیزی نیست که خدا قصد کرده است. نقشه خدا برای شما و برای همهٔ فرزندانش آن است که کار او را در جهان دنبال کنید. عیسی به شاگردانش گفت: «همانطور که پدر مرا فرستاد من نیز شما را می‌فرستم» (انجیل یوحنا ۲۱:۲۰). شما به جهان فرستاده می‌شوید همانطور که پطرس، یعقوب و یوحنا، شاگردان مسیح فرستاده شدند.

شما نمایندهٔ خدا برای اشخاصی هستید که با آنها در ارتباطید. حال به آنچه پولس در ارتباط با زندگی مسیحیان به‌عنوان نمایندگان خدا می‌گوید، دقت کنید: «هر کاری را بدون شکایت و همهمه انجام دهید تا در زمانی که همه منحرف و سرکش هستند، شما بدون تقصیر و گناه، فرزندان بی‌عیب خدا باشید و مانند ستارگان در جهان تاریک بدرخشید. پیام حیات را همیشه در اختیار مردم بگذارید» (فیلیپیان ۱۴:۲-۱۶).

می‌بینید که کار شما دربرگیرندهٔ سه جنبه می‌باشد. بودن و احساس کردن و عمل کردن.

شما باید مثل یک فرزند خدا باشید، بی‌گناه و پاک. شما باید احساسی درخور یک فرزند خدا داشته باشید، شاد و مطیع و نه شکایت کننده. شما باید عملی در خور یک فرزند خدا داشته باشید و تمام تلاش خود را برای خوبی کردن و رساندن پیغام مسیح انجام دهید. شخصی که نماینده کشورش در یک کشور بیگانه است، سفیر نامیده می‌شود. او شخص مهمی است. دیگران به آنچه او هست و به جایی که او از آنجا آمده، توجهی خاص دارند. آن سفیر وقتی پای منافع کشورش مطرح می‌شود، با اقتدار صحبت می‌کند.

شما سفیر هستید، نماینده پادشاهی خدا در این جهان. پولس این مطلب را در دوم قرنتیان ۵:۲۰ بیان می‌کند: «پس ما سفیرانی از جانب مسیح هستیم و گویی خدا به‌وسیله ما شما را می‌خواند. پس ما به‌عنوان سفیران مسیح از شما التماس می‌کنیم با خدا مصالحه کنید.»

قصد خدا از بودن شما در جهان این است که دربارهٔ مسیح صحبت کنید. شما نمایندهٔ او و پادشاهی آسمانی او هستید. خدا شما را می‌فرستد که به مردم بگویید و نشان دهید که خدا آنها را دوست دارد و می‌خواهد به آنها زندگی تازه‌ای بدهد. چه امتیاز دیگری از این بالاتر وجود دارد؟ چه مسئولیت دیگری بالاتر از

آن وجود دارد؟ چه فعالیت دیگری مهم‌تر از این است که نجات‌تان را در عمل، از طریق طرز فکر تازه، به‌عمل آورید؟

هدف خدا برای شما هدف والایی است. هیچ انسانی با قدرت خود قادر به اجرای آن نیست. اما شما توسط روح خدا دوباره متولد شده‌اید و او در شما زندگی می‌کند تا شما را کمک کند که خواست خدا را بجا آورید یعنی چیزی که خود قادر به انجامش نیستید. روح خدا به شما کمک می‌کند که طبیعت تازهٔ خود را به‌صورت طرز فکری تازه و نتیجتاً اعمالی در خور فرزند خدا نشان دهید. اما باید به او اجازه این کار را دهید و از آنچه او می‌گوید اطاعت کنید. شما مسئول آن چیزی هستید که خدا به شما سپرده است. تشویق پولس برای تیموتائوس یادآوری خوبی است برای شما تا کوشش کنید «تا مانند کارگری که از کار خود خجل نیست و پیام حقیقت را بدرستی تعلیم می‌دهد در نظر خدا کاملاً مورد پسند باشی» (۲ تیموتائوس ۱۵:۲).

خدا مشتاق است که به شما کمک کند تا فرزندی شوید که منتهای تلاش خود را می‌کند، تا رشد کند و احساس و عملی مثل خدا داشته باشد. او می‌خواهد شما یاد بگیرید که زندگی بر پایهٔ کلام خدا چیست واخلاق مسیحی چه مفهومی دارد؟

۱۰- فیلیپیان ۱۴:۲-۱۶ را نوشته، زیر کلماتی که به شما کمک می‌کند که زندگی بهتری داشته باشید خط بکشید.

۱۱- به‌عنوان سفیر مسیح، شما نمایندهٔ چه کسی هستید؟

۱۲- عبارت صحیح را مشخص کنید:

a) به‌عنوان یک ایماندار، شما باید از اشخاصی که زندگی درستی ندارند، شکایت کنید.

b) قصد خدا برای شما در جهان این است که نور او باشید و دربارهٔ او صحبت کنید

c) شما مسئول زندگی تازهٔ خود به‌عنوان فرزند خدا هستید

پاسخ صحیح تمرین‌ها

جواب سؤال‌ها به ترتیب داده نشده است. بلکه به‌صورتی آورده شده است که شما قادر نخواهید بود جواب سؤال بعدی را بلافاصله مشاهده کنید. سعی کنید به جواب‌های بعدی نگاه نکنید.

۷- a) درست
b) غلط
c) درست
d) درست
۶- a) ۳- نیکوکاری
b) ۱- نجات یافتن
c) ۲- مقدس و بی‌عیب بودن
۱- b) دریافت و پذیرش عیسی
۸- جواب خودتان
۹- صحبت کردن، خانوادهٔ خدا
۲- a
۳- b
۱۰- جواب خودتان
۴- c
۱۱- مسیح روی زمین

۱۲- a) غلط

b) درست

c) درست

۵- جواب خودتان

درس دوم

خدا الگوی زندگی ماست

در بسیاری از کشورها این مثل رایج است که می‌گوید: «چنین پسری از چنین پدری!» مسئله جالب در یک خانواده، شباهت‌هایی است که بین اعضای آن وجود دارد. برای مثال ما دو بچه داریم، یک دختر و یک پسر. هر دو آنها چشمان بزرگ و قهوه‌ای دارند، مثل پدرشان. پسرمان موهای پیچ‌خورده‌ای مثل پدرش دارد و دخترمان موهای صافی مثل مادرش. مردم می‌گویند آنها مثل هم هستند دقیقاً شبیه پدرشان. البته این شباهت خانوادگی می‌تواند در طرز فکر و اعمال ما به‌عنوان خانوادهٔ خدا نیز دیده شود. امروز صبح پسرمان بجای اینکه لباسش را بپوشد، داشت کتاب می‌خواند و من به‌یاد دوران کودکی خودم افتادم که چند بار والدینم به‌خاطر همین کار از دست من عصبانی شدند. من و پسرم هر دو کتاب دوست داریم و هر دو، برای خواندن زمان مناسبی را در نظر نمی‌گیریم.

به همین شکل یک شباهت روحانی در خانواده خدا وجود دارد. عیسی به فریسیانی که فکر می‌کردند اشخاص خوبی هستند، ولی نبودند، گفت: شما فرزندان پدر خود ابلیس هستید و آرزوهای پدر خود را به‌عمل می‌آورید (یوحنا ۴۴:۸).

اگر مسیحیان براستی فرزندان خدا هستند، باید شباهت خانوادگی را در باطن، طرز فکر و اعمال نشان دهند، درست مثل یک بچه که اعمال پدر خود را دیده و عیناً تکرار می‌کند. باید از آنچه پدر آسمانی ما انجام می‌دهد، آگاه باشیم، تا با انجام آن مثل او شویم.

آنچه در این درس مطالعه خواهید کرد:

– خدا شخصیت دارد
  معنای شخصیت
  نشان دادن شخصیت خدا
– خدا محبت است
– خدا عادل است

این درس به شما کمک خواهد کرد تا:

● شخصیت خدا را توصیف کنید.
● اهمیت شناخت شخصیت خدا را درک کرده و بدانید که چگونه به زندگی شما مربوط می‌شود.

خدا شخصیت دارد

چگونه می‌توانید درک کنید که فردی که ملاقات کردید، چه نوع شخصیتی دارد؟ آیا از چهره‌اش، یا راه رفتنش؟ درک شما از شخصیت یک فرد بستگی به چهره، صدا و یا حرکت او ندارد،

بلکه فهم و آگاهی و احساساتی که بروز می‌دهد نشان‌دهندهٔ شخصیت اوست. فرد چون عقاید و مقاصدی دارد، دست به کارهایی می‌زند. با وجود این، همهٔ اشخاص یک شکل نیستند. هر فرد، شخصیت خاص خود را دارد؛ عکس‌العمل متفاوتی که او نشان می‌دهد، نشانه‌ای است از آنچه او هست.

معنای شخصیت

خدا شخص است. او شکل انسانی ندارد، چون او انسان نیست. گرچه با قدرت او جهان خلق شده است ولی او تنها، یک قدرت نیست. خداوند بالاتر از یک نیروی صرف است. او فکر و اراده دارد. درک و عواطف دارد. واکنش نشان می‌دهد. در همهٔ این موارد، او از انسانی که به شباهت خود آفریده، بسیار برتر است. به‌نظر، بیان این مطلب که خدا شخصیت دارد و یا او شخص است، توهین‌آمیز به‌نظر می‌رسد. ولی این بهترین چیزی است که می‌توان گفت. همهٔ آن خصوصیت‌هایی که به او هویت می‌دهد، شخصیت او نامیده می‌شود. خداوند عجیب است. شخصیت او فراتر از درک ماست، اما او خود خواسته تا آن را به ما نشان دهد، تا اینکه ما بتوانیم مثل او شده، از او تقلید کنیم. جهانی که او خلق کرده، قدرت بی‌نهایت و درک او را نشان می‌دهد. پولس می‌گوید: «از زمان آفرینش دنیا صفات نادیدنی او یعنی قدرت ازلی و الوهیت او در چیزهایی که آفریده است به روشنی مشاهده می‌شود» (رومیان ۱:۲۰).

اما انسان‌ها حقیقت خدا را به دروغ تبدیل کردند و آفریده‌های خدا را به‌عوض خود آفریدگار پرستیدند (رومیان ۱:۲۱–۲۵). خیلی از مذاهب می‌گویند خالقی وجود دارد به‌نام خدا، اما آنها درکی واقعی از شخصیت خدا ندارند. خدا می‌بایست خودش این را در طرق مخصوص آشکار می‌کرد.

اولاً خدا خود را در تاریخ به اشخاصی که خود انتخاب کرده بود آشکار ساخت. اشخاصی مثل ابراهیم، موسی، سموئیل، اشعیاء، درک واقعی از شخصیت و ذات خدا داشتند. قوم اسرائیل انتخاب شدند تا شخصیت و راه‌های خدا را به اقوام دیگر نشان دهند. عهدعتیق بیانگر آشکار شدن وجود و ذات او به جهان از طریق قوم اسرائیل است. ولی با وجود این شواهد، بیشتر انسان‌ها هنوز در جهل و نادانی نسبت به او باقی مانده‌اند. ولی خدا شخصیت خود را با فرستادن پسرش، عیسی مسیح، بین انسان‌ها به بهترین شکل آشکار کرد.

«خدا در ایام قدیم، در اوقات بسیار و به راه‌های مختلف به‌وسیلهٔ پیامبران با پدران ما تکلم نمود ولی در این روزهای آخر به‌وسیلهٔ پسر خود با ما سخن گفته است، آن پسر فروغ جلال خدا و مظهر کامل وجود اوست» (عبرانیان ۱:۱–۳).

۱- کدامیک از خصوصیات زیر شخصیت خدا را نشان می‌دهد؟

a) خدا صرفاً نیرویی در طبیعت است

b) خداوند دانا و حکیم است

c) خداوند ظالم است

d) خداوند منبع همهٔ قدرت‌هاست

۲- با ذکر سه دلیل نشان دهید که خدا شخصیت دارد.

نشان دادن شخصیت خدا

آشکار شدن شخصیت خدا در عیسی مسیح، در اناجیل عهدجدید ذکر شده است و به هیچ وجه تناقضی با مکاشفهٔ خدا در عهدعتیق ندارد. عیسی ذات و عواطف و اعمال او را بر ما آشکار کرد زیرا با انسان شدن به بهترین شکل ممکن خدا را به ما نشان داد. انجیل یوحنا عیسی را «کلمه» یا مکاشفه می‌خواند. «پس کلمه انسان شد و در میان ما ساکن گردید. ما شکوه و جلالش را دیدیم، شکوه و جلالی شایسته فرزند یگانه پدر» (انجیل یوحنا ۱۴:۱).

چون عیسی پسر خداست، می‌تواند خدای واقعی را معرفی کند. چون ذات او مثل خداست می‌تواند طرز فکر و اعمال خدا را نشان دهد. «کسی هرگز خدا را ندیده است اما آن فرزند یگانه‌ای که در ذات پدر و از همه به او نزدیکتر است او را شناسانیده است» (یوحنا ۱۸:۱).

عیسی به بهترین شکل و کامل‌ترین حالتِ ممکن، شخصیت خدا را آشکار کرد به‌صورتی که حتی انبیا نیز قادر به درک آن نبودند. او خدا را برای همه قابل شناخت کرد. بیشتر از آن، با مرگ و قیامش این امکان را به انسان‌ها بخشید تا فرزندان خدا گردند. او توسط قدرت روحش، فرزندان خدا را قادر می‌گرداند تا شبیه پدر آسمانی‌شان خدا شوند. به آنچه پولس می‌گوید توجه کنید. او اشاره به فرآیندی می‌کند، فرآیند شباهت فرزند به پدر: «و همهٔ ما در حالیکه با صورت‌های بی‌نقاب مانند آینه‌ای جلال خداوند را منعکس می‌کنیم، به تدریج در جلالی روزافزون به شکل او مبدل می‌شویم و این کار، کار خداوند یعنی روح‌القدس است» (دوم قرنتیان ۱۸:۳).

جلال، در کتاب‌مقدس کلمه‌ای است که توصیف‌کننده حضور عجیب خداست. عیسی، پسر خدا، جلال او را منعکس کرد (یوحنا ۱۴:۱ را بخوانید). او خدا را در این جهان تاریک نشان داد تا شما هر چه بیشتر و بیشتر شبیه خدا گردید و جلال او را آشکار کنید. جلال دربرگیرندهٔ همهٔ خصوصیات خداست، آن خصوصیاتی که در انجیل یوحنا از خدا توسط عیسی آشکار گردید، فیض و راستی خدا بود. فیض نشان‌دهندهٔ نیکویی و محبت خداست. راستی نیز نیکویی خدا را بیان می‌کند به این معنا که او خدایی قدوس و عادل است. این دو صفت مهم در شخصیت خدا، تأثیری مستقیم بر موضوع اخلاق دارد. طرز فکر و اعمال خدا از محبت و عدالتش سرچشمه می‌گیرد.

۳- دوم قرنتیان ۱۸:۳ را حفظ کنید. آیا مفهوم آن باعث تشویق شما نمی‌شود؟

۴- دعا کنید تا روح‌القدس به شما نشان دهد که در چه قسمت‌هایی احتیاج دارید خدا شما را عوض کند. از خود سؤال کنید در چه قسمت‌هایی من شخصیت خدا را منعکس نمی‌کنم و جلال او را آشکار نمی‌سازم؟

خدا محبت است

یکی از مشکل‌ترین مسائلی که ما قادر به درک آن نیستیم، این است که چگونه خدای محبت می‌تواند اجازه دهد فرزندش در راه ما بمیرد. محبت او قابل مقایسه با محبت ما نیست. آن نوع محبتی که بین انسان‌ها در جهان وجود دارد، اول نفع خود را در نظر می‌گیرد. اگر منافع من در وهلهٔ اول تأمین شد، آنگاه به دیگران فکر می‌کنم؛ اگر غذای کافی برای من وجود داشت، مابقی را به دیگران می‌دهم. ولی محبت خدا عاری از هر گونه خودخواهی است. او همیشه بهترین را برای ما می‌خواهد. او حتی هنگامی که ما دوستش نداریم، ما را بی‌نهایت دوست دارد. او جهان را دوست دارد، حتی هنگامی که جهان او را رد می‌کند. این نوع محبت، فعال است و خود را در طرز فکر و عمل نشان می‌دهد همانطور که در اول قرنتیان ۴:۱۳-۷ می‌خوانیم، طرز فکر سرشار از محبت خدا، فیض و رحمت نامیده می‌شود.

فیض، آن نوع محبتی است که بهترین را برای شخص دیگر می‌خواهد. فیض صبر نمی‌کند تا شخص مقابل به اندازهٔ کافی خوب شود تا شایستهٔ محبت باشد یا قادر به جبران آن باشد. فیض دیدگاهی فداکارانه از شفقت و رحمت است. خداوند به گفتهٔ پطرس «بخشندهٔ تمام برکات روحانی است و شما را در مسیح دعوت کرده است که در جلال جاودانی او شریک شوید» (اول پطرس ۵:۱۰).

فیض خدا را از این می‌بینیم که او بزرگترین فداکاری را در حق انسان انجام داد. محبت او باید در عمل پیاده می‌شد تا ما را از گناهان‌مان نجات دهد.

یک شخص زمانی رحمت نشان می‌دهد که برای فردی که شایسته نیست، کار خوبی انجام دهد. آیا شما داستان سامری نیکو را بیاد دارید؟ انجیل لوقا ۱۰:۳۰–۳۷، داستان مسافری است که شخص مجروحی را می‌بیند که اتفاقاً با او دشمن است (سال‌ها بین یهودیان و سامری‌ها دشمنی عمیقی حاکم بود). ولی سامری به او محبت و کمک می‌کند.

خدا فیض و رحمت خود را به ما نشان داده است. او مثل والدینی نیست که در ازای کاری به فرزندشان جایزه‌ای می‌دهند. خداوند بدون شرط محبت می‌کند، او بهترین را برای ما می‌خواهد و راه نجاتی برای ما مهیا ساخت که ما شایستگی آن را نداشتیم.

«زیرا در آن هنگام که ما هنوز درمانده بودیم مسیح در زمانی که خدا معین کرده بود در راه بی‌دینان جان سپرد». به‌ندرت می‌توان کسی را یافت که حاضر باشد حتی برای یک شخص نیکو از جان خود بگذرد، اگر چه ممکن است گاهی کسی به‌خاطر یک دوست خیرخواه جرأت قبول مرگ را داشته باشد. اما خدا محبت خود را نسبت به ما کاملاً ثابت کرده است، زیرا در آن هنگام که ما هنوز گناهکار بودیم مسیح به‌خاطر ما مرد» (رومیان ۵:۶–۸).

محبت خدا محبتی خودخواهانه نیست بلکه کاملاً آزادانه است و بسیار متفاوت از محبت انسان‌هاست. عمل او نیز کاملاً متفاوت است. اما خدا می‌خواهد فرزندانش مثل او شوند. او از ما می‌خواهد جلال و نیکویی او را منعکس کنیم یعنی مثل او محبت کنیم و فیض و رحمت را در روابط‌مان نشان دهیم.

۵– انجیل لوقا ۶:۲۷–۳۶ را بخوانید و در ارتباط با هر آیهٔ آن، به زندگی خود فکر کنید.

آیه ۲۷– دشمنان خود را محبت کنید، به آنانی که از شما متنفرند نیکی کنید.

آیه ۳۶– پس همانطور که پدر شما رحیم است رحیم باشید.

خداوند عادل است

در کشور فرانسه، مقیاسی از یک فلز مخصوص وجود دارد که دقیقاً یک متر طول دارد. بیشتر کشورها یک کپی از آن را دارند. این مقیاس کاملاً صحیح و درست است. و استاندارد کاملی است که توسط آن بقیهٔ اندازه‌گیری‌ها سنجیده می‌شوند. خداوند مثل آن ترازوست. ذات او عدالت و نیکی مطلق است. در هر کار و عملی، او استاندارد عدالت و درستکاری است. هر چه او می‌گوید و یا انجام می‌دهد، راست است. این است معنای این جمله که خدا عدالت است. او عوض نمی‌شود و نمی‌تواند کاری برخلاف عدالتش انجام دهد زیرا آن اعمال برخلاف ذات خودش می‌باشد. خدا از آنانی که می‌خواهند مانند او باشند، انتظار دارد که آنان در راستی مطلق گام بردارند. چون او عادل و راست است، خلقت خود را باید داوری کند. هنگامی که خدا خلقت را به پایان رساند، دید که هر چه ساخته بود، بسیار نیکو بود (پیدایش ۳۱:۱). اما می‌دانید که همه گناه کرده‌اند. انسان‌ها در بجا آوردن خوبی و حقیقت شکست خورده‌اند و مثل یک خط‌کشِ کوتاه، نمی‌توانند به استاندارد خدا برسند پولس می‌فرماید: «همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا محرومند» (رومیان ۲۳:۳).

خدا چه کاری می‌تواند انجام دهد؟ او نمی‌تواند به انسان‌ها اجازه دهد کمتر عادل باشند. آیا می‌تواند؟ تصور کنید شما

می‌خواهید یک میز بسازید. چهار نفر از دوستانتان برای پایه‌های میز چوب می‌آورند؛ شما اندازهٔ پایه‌ها را دقیق به آنها داده‌اید ولی وقتی آنها می‌آیند شما با خط‌کش پایه‌ها را اندازه می‌گیرید و متوجه می‌شوید که همهٔ آنها کوتاه هستند. یکی ده سانتیمتر، دیگری پنج و دیگری سه و دیگری دو. از کدام پایه می‌توانید استفاده کنید؟ اگر می‌خواهید میزی بسازید که خراب نشود، از هیچکدام نمی‌توانید استفاده کنید. خداوند قصورات انسان‌ها را می‌بیند، نه به آن علت که انسان‌ها کارهای بد کرده‌اند بلکه چون آنها محبت و رحمت را مانند خدا، بجا نمی‌آورند.

داستانی وجود دارد از یک قاضی عادل که همیشه در قضاوتش راست بود و احکام را با عدالت اجرا می‌کرد. یک روز پسرش را به‌علت جنایت پیش او آوردند. پسرش پذیرفت که مقصر است. پدر با اشک حکم محکومیت پسرش را صادر کرد. او باید به‌خاطر جنایتی که مرتکب شده بود، تنبیه شود. ولی پدر از پشت میز قضاوت بلند شد، لباس قضاوت را از تن بیرون کرد و به محافظین پسرش گفت: «من بجای فرزندم تنبیه خواهم شد.»

به‌عنوان فرزند خدا، شما همچون انسان‌های بی‌خدا داوری نخواهید شد. عیسی یک بار بجای شما مجازات شد. حال، عدالت خدا در حق شما اجرا شده است. به همین علت، شما باید با قوت روح‌القدس راست و عادل باشید.

وقتی درک می‌کنیم که محبت خدا و عدالت او، جزئی از ذات او می‌باشند، می‌توانیم بهتر طرز فکر و عمل او را بفهمیم و

همچنین بفهمیم انتظار او از ما چیست و چگونه باید فکر کنیم، احساس کنیم و عمل کنیم تا بیشتر شبیه او شویم.

«ای مرد از آنچه نیکوست تو را اخبار نموده است. و خداوند از تو چه چیز می‌طلبد؟ غیر از اینکه انصاف را بجا آوری و رحمت را دوست بداری و در حضور خدای خویش با فروتنی سلوک نمایی» (میکا ۸:۶).

۶- میکا ۸:۶ را نوشته و حفظ کنید.

۷- افسسیان ۸:۵-۱۰ را خوانده بنویسید. انتظار خدا از شما در زندگی‌تان مطابق این آیات چیست؟

۸- وقتی می‌گوییم خدا عادل است یعنی:

a) او را می‌توان سنجید

b) او نمی‌تواند کار بد انجام دهد

c) او آنقدر خوب و پاک است که نمی‌تواند دعای ما را بشنود

۹- چگونه عدالت خدا می‌تواند در طرز فکر و اعمال شما تأثیر بگذارد؟

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۵- جواب خودتان

۱- b) خداوند دانا و حکیم است

d) خداوند منبع همهٔ قدرتهاست

۶- جواب خودتان

۲- a) خداوند را از طریق خلقتش می‌توان شناخت

b) خداوند را از طریق اشخاصی که در عهدعتیق با آنها صحبت کرد می‌توان شناخت

c) خداوند را از طریق عیسی مسیح می‌توان شناخت

۷- جواب خودتان

۳- جواب خودتان

۸- b) او نمی‌تواند کار اشتباه انجام دهد

۴- جواب خودتان

۹- او می‌تواند به شما کمک کند تا کار بد انجام ندهید، طرز فکری بهتر داشته باشید، محبتی ثابت و بادوام داشته باشید و در ارتباط با او فروتن باشید.

PDF.tarikhema.org

درس سوم

آنچه خدا از شخصیت و اعمال شما انتظار دارد

آیا شما یاد گرفته‌اید که چگونه دوچرخه‌سواری کنید؟ اگر اینطور است، به‌خاطر می‌آورید که برای یادگیری رعایت نکاتی الزامی است، باید درست حرکت کنید، فرمان را درست بگیرید، مسیر خوبی را انتخاب کنید، تعادل خود را حفظ کنید و ... اینها نکاتی است که یک دوچرخه‌سوار مجرب بدون فکر کردن، به‌طور خودکار انجام می‌دهد ولی برای یک مبتدی اینطور نیست. یک شخص مبتدی احتیاج به یک دوچرخه‌سوار مجرب دارد تا برای او نحوهٔ راندن را توضیح دهد و بگوید که چگونه باید مواظب موانع باشد و آنها را رد کند. گاه رانندهٔ خبره، سوار دوچرخه می‌شود تا به شما نشان دهد چه باید بکنید. در ابتدا شما به زمین می‌افتید. گاهی اوقات، هنگامی که سوار دوچرخه هستید، دوچرخه را می‌گیرد تا تعادل خود را حفظ کنید.

آموختن زندگی صحیح مطابق خواست خدا، به همین شکل است. آرزوی خدا این است که مثل او شویم. شما می‌دانید که او نیک، پر محبت و عادل است. اما از همان لحظه‌ای که مسیحی شدیم، نمی‌توانیم آن طور که او می‌خواهد، زندگی

کنیم. این درس به شما نشان خواهد داد که خدا به عنوان راننده‌ای مجرب، چگونه می‌تواند به شما کمک کند که بیشتر و بیشتر شبیه او گردید.

آنچه در این درس مطالعه خواهید کرد

– وجدانی که به شما کمک می‌کند
– کتاب‌مقدس راهنمای شماست
– نجات‌دهنده‌ای که راه را به شما نشان می‌دهد
– روح‌القدس شما را هدایت می‌کند

این درس به شما کمک خواهد کرد تا:

- راه‌هایی را بیاموزید که خدا آنها را بکار می‌برد تا به شما نشان دهد چگونه زندگی کنید
- از برکات او بهتر استفاده کنید و مسئولیت بیشتری حس کنید
- چهار طریق را نام ببرید که توسط آنها در مراحل مختلف زندگی، می‌توانید راه درست را انتخاب کنید

وجدانی که به شما کمک می‌کند

همهٔ انسان‌ها وجدان دارند. وجدان یک آگاهی درونی در مورد نیک و بد می‌باشد. حتی قبل از آنکه شما مسیحی شوید، وجدان‌تان در بعضی موارد درست و غلط را به شما گوشزد

می‌کرد. در آن لحظات یک احساس درونی به شما یادآور می‌شد که عمل مشخصی را بهتر است آنجام داد یا انجام نداد؛ و اگر به ندای وجدان توجه می‌کردید اعمال گناه‌آلود بسیاری را انجام نمی‌دادید. پولس رسول در رسالهٔ رومیان دربارهٔ غیریهودیان می‌گوید آنها با وجود اینکه فرامین خدا را نمی‌شناسند ولی به‌علت اینکه از ندای وجدان اطاعت می‌کنند، کارهای خوب انجام می‌دهند: «رفتارشان نشان می‌دهد که مقررات شریعت در قلب‌هایشان نوشته شده و وجدان‌های ایشان نیز درستی این را تأیید می‌کند زیرا افکارشان یا آنها را متهم می‌کند و یا از آنها دفاع می‌نماید» (رومیان ۱۵:۲).

وجدان وسیله خوبی است. وجدان هدیهٔ خدا برای کمک کردن به ماست. می‌توانیم بگوییم درست مثل تعادل یک دوچرخه‌سوار، وجدان نشان‌دهندهٔ تعادل روحانی ماست. اما باید دانست که وجدان نیز محدود است و کامل نیست. درست مثل یک بندباز که با بکارگیری بهترین مهارت‌ها و تکنیک‌ها باز می‌افتد، بهترین انسان‌ها نیز گاه در گناه می‌افتند زیرا وجدان آنها نیز قادر به یادآوری آنها نبوده است. بعضی اشخاص همیشه از توجه به ندای وجدان سر باز زده‌اند، مثل اشخاصی که آگاهانه مسیر بدی را برای حرکت انتخاب کرده‌اند؛ آنها آنقدر پیش رفته‌اند که دیگر قادر به استفاده از وجدانشان نیز نیستند. کتاب‌مقدس دربارهٔ این اشخاص چنین می‌گوید: «و وجدانشان

طوری بی‌حس خواهد گردید که گویی با آهنی سوخته شده است» (اول تیموتائوس ۲:۴).

مسیحیان اینگونه نیستند؛ وقتی تولد دوباره را کسب می‌کنند، وجدانشان نیز تازه می‌شود. نویسندهٔ رسالهٔ عبرانیان می‌گوید مرگ مسیح، وجدان ما را پاک می‌کند: «خون او وجدان ما را از اعمال بیهوده پاک خواهد کرد تا ما بتوانیم خدای زنده را عبادت و خدمت کنیم» (عبرانیان ۱۴:۹).

چون عیسی مسیح ما را پاک کرد و بخشید، دیگر وجدانمان در ارتباط با زندگی گذشته احساس تقصیر نمی‌کند. در عوض وجدان وسیله‌ای در دست روح‌القدس می‌گردد که ما را مطمئن کند که درست عمل کردیم. نویسنده عبرانیان اضافه می‌کند: «برای ما دعا کنید. ما یقین داریم که برخلاف وجدان خود عمل نکرده‌ایم بلکه همیشه آنچه را که درست است بجا می‌آوریم» (عبرانیان ۱۸:۱۳).

وجدانتان به شما کمک خواهد کرد تا کارهای خوب انجام دهید. و وقتی می‌خواهید کاری نادرست انجام دهید به شما هشدار خواهد داد، همانطور که وقتی کار خوبی انجام می‌دهید، احساس آرامش می‌کنید. وجدان کامل، وجدان پاک است (اول پطرس ۱۶:۳).

نصیحت پولس به تیموتائوس، تشویقی است بزرگ و هشداری است قوی: «و ایمان و وجدان پاک را نگه دار؛ کشتی

ایمان بعضی‌ها به علت گوش ندادن به ندای وجدان در هم شکسته است» (اول تیموتائوس ۱۹:۱).

عبارات صحیح را در ارتباط با وجدان مشخص کنید:

۱– a) تنها غیرمسیحیان وجدان دارند

b) مسیح وجدان مسیحیان را احیاء می‌کند

c) یک وجدان تازه وسیله‌ای در دست روح‌القدس است

d) یک مسیحی باید وجدانش را پاک نگه دارد

۲– اعمال ۱۶:۲۴ را حفظ کنید، در دفتر یادداشت‌تان بنویسید وقتی می‌خواهید کاری را بکنید کدام انتخاب به شما کمک خواهد کرد تا وجدان پاکی داشته باشید

کتاب‌مقدس راهنمای شماست

در درس گذشته یاد گرفتید که کتاب‌مقدس وسیله‌ای است که خدا توسط آن خود را آشکار کرده است. همچنین بیاد دارید که در عهدعتیق خدا با اشخاص خاصی صحبت کرد و بخصوص شخصیت و اعمال خود را از طریق قوم اسرائیل نشان داد. در عهدجدید خدا به بهترین شکل ممکن خود را در عیسی مسیح به ما نشان می‌دهد.

اناجیل داستان زندگی و تعالیم عیسی مسیح را بیان می‌کنند؛ کتاب اعمال، گسترش مسیحیت و رسالات، تعالیم رسولان را

توضیح می‌دهند و کتاب مکاشفه پیروزی خدا را در آینده نشان می‌دهد. ما مسیحیان لازم است مطالب این منبع کامل و مهم را به‌خوبی بدانیم. با وجود این، خیلی از مسیحیان هنوز درک نکرده‌اند که خدا چرا کلامش را در اختیار آنها قرار داده است. کتاب‌مقدس خود بهترین جواب را می‌دهد: «تمام کتاب‌مقدس از الهام خداست و برای تعلیم حقیقت، سرزنش خطا، اصلاح معایب و پرورش ما در نیکی مطلق مفید است» (دوم تیموتائوس ۳:۱۶).

کتاب‌مقدس را خدا به ما داده است، بنابراین برای ما مفید است. فایدهٔ آن برای ما این است که به ما حقیقت را تعلیم می‌دهد، و حقایقی را در ارتباط با خدای واقعی و زندگی ما در مسیح ارائه می‌کند تا نادان نباشیم. ما می‌توانیم از او بخواهیم اشتباهاتمان را اصلاح کند. تعلیم صحیح کلام خدا به ما طریق درست زندگی کردن را می‌آموزد.

تمامی دانش ما از کتاب‌مقدس، بی‌فایده خواهد بود اگر اجازه ندهیم طرز فکر و اعمال ما را مثل خدا سازد. و از طرف دیگر اشتیاق ما برای به شبیه شدن به خدا هم کافی نیست، اگر کلام خدا را نفهمیم. نویسندهٔ مزمور احترام فوق‌العاده‌ای برای کلام خدا قائل است. او گفت: «کلام تو برای پای‌های من چراغ و برای راه‌های من نور است، قسم خوردم و آن را وفا خواهم نمود» (مزمور ۱۱۹:۱۰۵-۱۰۶).

کتاب‌مقدس کامل‌ترین راهنمای ما در زندگی مسیحی است. به همین دلیل باید دائماً آن را بخوانیم و وجود، احساسات و اعمال‌مان را با آن وفق دهیم. کتاب‌مقدس شامل تعالیم و دستورالعمل‌های مشخصی است که باید از آنها اطاعت کرد. همچنین شامل الگوهای رفتاری نیز هست. این الگوها بدون اینکه دقیقاً به ما بگویند چه باید بکنیم، ما را جهت اخذ تصمیم درست در مورد رفتارمان کمک می‌کنند. و بالاخره، در کتاب‌مقدس نمونه‌هایی هست از مردمان واقعی که یا از خدا اطاعت کردند یا علیه او طغیان کردند. شکی نیست که خدا کدامیک را از ما انتظار دارد. نمونه‌های خوب ما را به انجام کارهای پسندیده خدا تشویق می‌کنند و نمونه‌های بد، به ما در مورد افکار و اعمالی که خلاف خواستهٔ خداست هشدار می‌دهد.

کلام خدا را در زندگی خود می‌توانید اجرا کنید زیرا کلامی واقعی است. اگر بخواهیم خواست خدا را در زندگی‌مان عملی سازیم، باید کلام او را دانسته و از آن اطاعت کنیم. درک صحیح کلام خدا نیاز به انضباط و شاگردی کلام او دارد که سبب شادی و برکت واقعی در زندگی‌مان می‌گردد.

«در طریق شهادات تو شادمانم، چنانکه در هر قسم توانگری، در وصایای تو تفکر می‌کنم و به طریق‌های تو نگران خواهم بود. از فرایض تو لذت می‌برم پس کلام تو را فراموش نخواهم کرد» (مزمور ۱۱۹:۱۴–۱۶).

عبارات صحیح را مشخص کنید:

۳- a) کلام خدا، کلام الهامی خدا برای برکت زندگی شماست

b) کلام خدا تعلیم‌دهندهٔ حقیقت است

c) کلام خدا مسیحیان را کمک می‌کند که چگونه زندگی کنند

d) کلام خدا فهرست کارهایی است که شما نباید انجام دهید

e) کلام خدا پر از تعالیم و الگوهای زندگی است

۴- یکی از آیات کتاب‌مقدس، نوشته شده در این درس را حفظ کنید، به شکلی که از طریق آن بتوانید توضیح دهید چرا کتاب‌مقدس برای یک مسیحی اینقدر اهمیت دارد.

نجات‌دهنده‌ای که راه را به شما نشان می‌دهد

مهم‌ترین و باارزش‌ترین شخصیتی که کتاب‌مقدس معرفی می‌کند، خداوند ما عیسی مسیح است. شاید شما به دیگران گفته‌اید که عیسی نجات‌دهندهٔ شماست و احتمالاً او را کاملاً خداوند خود می‌دانید. تمام این مطالب خوب و درست هستند. چگونه می‌توانستید زندگی تازه را تجربه کنید، اگر نجات نداشتید؟ و چگونه می‌توانید زندگی کنید اگر او کنترل زندگی‌تان را در دست نداشته باشد؟ تنها عیسی است که

می‌تواند نجات دهد و حفظ کند. او مسیح است و ما مسیحی، این به آن معناست که ما پیروان او هستیم، یکی از شاگردان او. شاگرد شخصی است که یاد می‌گیرد که مانند استادش فکر و عمل کند. آیا تا به‌حال بازی دنبال کردن رهبر را انجام داده‌اید؟ رهبر یک گروه حرکات متفاوتی را انجام می‌دهد، می‌پرد، خم می‌شود، راه می‌رود و دیگران باید دقیقاً همان حرکات را انجام دهند. اگر شخصی قادر به تکرار نباشد، یا خیلی کند حرکات را تکرار کند، بازی را می‌بازد زیرا اساس بازی، تقلید است. کتاب‌مقدس می‌گوید ما باید از خداوندمان تقلید کنیم: «از من پیروی کنید همانطور که من از مسیح پیروی می‌کنم» (اول قرنتیان ۱:۱۱).

طرز فکر شما دربارهٔ زندگی باید مانند طرز فکر مسیح عیسی باشد، چون او به شکل انسان در میان ما ظاهر گشت. خود را پست ساخت و از روی اطاعت حاضر شد مرگ، حتی مرگ بر روی صلیب را بپذیرد (فیلیپیان ۵:۲ و ۸).

عیسی شخصیت خود را از طریق اعمالش نشان داد، اعمالی که تماماً ثمرهٔ اطاعتش از خداوند بود. پطرس چنین جمع‌بندی می‌کند: «عیسی به همه جا می‌رفت و اعمال نیک انجام می‌داد و همهٔ کسانی را که در اسارت شیطان بسر می‌بردند، رهایی می‌بخشید زیرا خدا با او بود» (اعمال ۳۸:۱۰).

پطرس عیسی را می‌شناخت زیرا با او زندگی کرده بود. «وقتی آنان جسارت پطرس و یوحنا را مشاهده کردند و پی

بردند که افرادِ درس نخوانده و معمولی هستند متعجب شدند و دانستند که از یاران عیسی هستند» (اعمال ۱۳:۴).

حال، درک کردید معنای مطالعه کلام خدا چیست؟ ما کتاب‌مقدس را نمی‌خوانیم تا فقط داستان‌هایی در مورد عیسی بیاموزیم، بلکه تا بفهمیم چگونه می‌توانیم با قدرت روح‌القدس در زندگی‌مان از او تقلید کنیم. ولی این کار ساده نخواهد بود زیرا خود عیسی، زندگی راحتی نداشت در حقیقت او به‌خاطر نجات ما زجر بسیار کشید. پطرس این حقیقت را می‌دانست: «مگر خدا شما را برای همین برنگزیده است؟ خود مسیح با رنج‌هایی که به خاطر شما کشید برای شما نمونه شد تا به همان راهی که او رفت شما نیز بروید» (اول پطرس ۲۱:۲).

حال شما می‌دانید که عیسی الگوی ماست. او شخصیتی عجیب دارد. آیا می‌توانید این امید را داشته باشید که شما هم مانند او شوید؟ مطمئن باشید خداوند این را می‌خواهد که هر روز بیشتر شبیه او شوید. اما مانند پولس می‌دانیم هنوز به استاندارد او نرسیده‌ایم (فیلیپیان ۱۲:۳). اما می‌خواهیم که برسیم. وعدهٔ باشکوهی که به فرزندان خدا داده شده، چنین است: «ای دوستان عزیز اکنون ما فرزندان خدا هستیم، اما معلوم نیست که در آینده چه خواهیم شد. ولی همین قدر می‌دانیم که وقتی مسیح ظهور کند، ما مثل او خواهیم بود زیرا او را آنچنان که هست خواهیم دید. هر که در مسیح چنین امیدی دارد، خود را پاک می‌سازد همانطور که مسیح پاک است» (اول یوحنا ۲:۳-۳).

۵) عباراتی را مشخص کنید که نشان می‌دهد چگونه می‌توانیم از عیسی در زندگی‌مان تقلید کنیم:

a) باید خدا را با تمام قلب‌مان دوست داشته باشیم
b) باید بشارت را به فقرا برسانیم
c) باید به کسانی که در مشکل هستند کمک کنیم
d) باید به روح خدا اجازه دهیم در ما کار کند
e) همه باید مثل مسیح، نجار شویم

۶) اول قرنتیان ۱:۱۱ را دوباره بخوانید و از روح خدا بخواهید به شما نشان دهد در چه قسمت‌هایی مثل مسیح عمل می‌کنید و در چه قسمت‌هایی از زندگی‌تان از او پیروی نکردید. از خدا بخواهید برای آن نافرمانی‌ها شما را ببخشد. آنها را در دفترتان بنویسید و هر روز برای آنها دعا کنید، تا بتوانید بیشتر شبیه عیسی شوید. وقتی توانستید آنها را در زندگی‌تان تغییر دهید، بنویسید روح خدا چگونه به شما کمک کرد و شما از او چه یاد گرفتید.

روح‌القدس شما را هدایت می‌کند

مردم زیادی در جهان هستند که خیلی مطالب راجع به عیسی می‌دانند. حتی آن مطالب را از کتاب‌مقدس حفظ کرده‌اند، اما قادر نیستند در زندگی‌شان مثل عیسی باشند چونکه از او نخواسته‌اند که نجات‌دهندهٔ آنها باشد. این مطلب درست

مثل شخصی است که می‌خواهد دوچرخه‌سواری کند، بدون اینکه سوار دوچرخه شود. ولی باید دانست هیچ راهی برای یادگیری مؤثر وجود ندارد، مگر آنکه سوار دوچرخه شویم. به همین شکل برای شبیه عیسی شدن، اول باید فرزند خدا بود. بسیاری از فرزندان خدا در فرآیند شبیه مسیح شدن هرگز پیشرفتی نداشته‌اند و همیشه در همان گناهان و عادت‌های کهنه خود بسر می‌برند. آنها صادقانه توبه می‌کنند اما باز شکست می‌خورند، مثل دوچرخه‌سواری که همیشه می‌افتد. چرا؟ چونکه بدون کمک قادر نیست تعادلش را حفظ کند، یعنی بدون کمک معلم مجرب. اما باید خدا را شکر کنیم که او معلم مجربی به ما بخشیده است. اگر ما فرزند خداییم، معلم ما در درون ماست. این معلم روح‌القدس است. روح خدا دوست وفادار و مشوق ماست. با وجود این معلم، چگونه دوباره می‌توان شکست خورد؟ اگر به او اجازه ندهیم که به ما کمک کند. ما هر روز احتیاج داریم که از او بخواهیم که مثل یک معلم مجرب، دوچرخه ما را بگیرد تا نیفتیم. تنها ازاین طریق می‌توان با اطمینان بسوی شبیه شدن به مسیح قدم برداشت. شاگردان مسیح سه سال با او بودند و از او درس‌ها آموختند. عیسی مطالب زیادی را برای آنها توضیح داد، ولی خود می‌دانست که وقتی از جهان برود، آنها به کمک احتیاج دارند. برای همین، او وعده‌ای داد: «اما وقتی پشتیبان شما که او را از جانب پدر نزد

شما می‌فرستم بیاید، یعنی روح راستی که از پدر صادر می‌گردد، او دربارهٔ من شهادت خواهد داد» (انجیل یوحنا ۲۶:۱۵).

پشتیبان ما در قلب ماست تا خدای پدر و خدای پسر را بیشتر آشکار کند. او به ما تعلیم می‌دهد و کلام خدا را برای ما واقعی‌تر می‌سازد. عیسی دربارهٔ او گفت: «اما پشتیبان شما یعنی روح‌القدس که پدر به نام من خواهد فرستاد همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آنچه را به شما گفته‌ام به یاد شما خواهد آورد» (انجیل یوحنا ۲۶:۱۴).

روح‌القدس نه تنها تعلیم می‌دهد، بلکه یادآوری‌کنندهٔ آن مطالبی است ک ما آموخته‌ایم. در لحظاتی که به کلام خدا احتیاج داریم، او کلام را به ذهن ما می‌آورد. در لحظات سخت، او به ما می‌گوید چه باید بگوییم (مرقس ۱۱:۱۳)، و ما را به جمیع راستی هدایت می‌کند (یوحنا ۱۳:۱۶). این شامل راه زندگی نیز می‌گردد. وقتی به روح خدا اجازه عمل دهیم، او طبیعت خدا را در ما قرار می‌دهد و ما می‌توانیم با قدرت او، بر امیال و آرزوهای گناه‌آلود غلبه کنیم. اما این امر تنها زمانی تحقق می‌یابد که از او اطاعت کنیم. به آنچه پولس می‌گوید به‌دقت توجه کنید: «اما ثمراتی که روح‌القدس به بار می‌آورد محبت، خوشی، آرامش، بردباری، مهربانی، خیرخواهی، وفاداری، فروتنی و خویشتنداری است که هیچ قانونی که برخلاف چنین کارها باشد وجود ندارد. اگر روح خدا منشأ زندگی ماست او هم باید هادی زندگی ما باشد» (غلاطیان ۲۲:۵-۲۳و۲۵).

روح‌القدس باید زندگی ما را کنترل کند. آیا این به آن معناست که دیگر ما نباید هیچ تلاشی بکنیم؟ خیر، بلکه به آن معناست که نباید بکوشیم که راه خدا را ترک کنیم. ما باید دربارهٔ طرز فکر و اعمال‌مان فکر کنیم و از روح خدا بخواهیم تا آنها را شبیه طرز فکر و عمل مسیح بکند. این به معنی هدایت به جمیع راستی و تمام حقیقت است. آیا این مطلب به نظر شما مشکل است؟ یک لحظه به آنچه خدا قبلاً در زندگی شما انجام داده است فکر کنید. این روح‌القدس بود که به شما کمک کرد تا مسیحی شوید؛ روح به شما زندگی داد و با قوت او فرزند خدا شدید؛ شما تجربه کردید که خدا وجود دارد و واقعی است و گناهان شما را بخشیده؛ وجدان‌تان دوباره تازه شد؛ در زندگی‌تان هدفی پیدا کردید و خداوند به دعاهای هر روزهٔ شما جواب می‌دهد. در مجموع شما بیشتر به شباهت مسیح درآمدید. تمام این کارها به‌علت عمل روح‌القدس در درون شما صورت می‌گیرد. نه تنها در شما بلکه در تمام برادران و خواهران مسیحی‌تان. ما نباید از شکست بترسیم. آنچه را کلام خدا می‌گوید، می‌توانیم در زندگی‌مان تجربه کنیم.

«کسانی که به‌وسیلهٔ روح خدا هدایت می‌شوند، فرزندان خدا هستند، زیرا آن روحی که خدا به شما داده است، شما را برده نمی‌سازد و موجب ترس نمی‌شود بلکه آن روح، شما را فرزندان خدا می‌گرداند و ما به کمک این روح در پیشگاه خدا

فریاد می‌کنیم ″ابا، ای پدر″ روح خدا با روح ما، با هم شهادت می‌دهند که ما فرزندان خدا هستیم» (رومیان ۱۴:۸–۱۶).

۷– آیات مربوط به عبارات زیر را مشخص کنید:

a) روح هادی ماست

b) روح به ما زندگی می‌بخشد

c) روح حقایق خدا را آشکار می‌سازد

d) روح کمک می‌کند کلمات مسیح را بیاد آوریم

e) روح شخصیت مسیح را در ما ایجاد می‌کند

۸– به دعای پولس در افسسیان ۱۷:۱–۱۹ فکر کنید.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۵- a) باید خدا را با تمام قلبمان دوست بداریم

b) باید به فقرا بشارت دهیم

c) باید به کسانی که در مشکلات هستند کمک کنیم

d) باید به روح خدا اجازه دهیم در ما کار کند

۱- b) مسیح وجدان مسیحیان را احیاء می‌کند

c) وجدان احیاء شده وسیله‌ای در دست روح‌القدس است

d) یک مسیحی باید وجدانش را پاک نگه دارد

۶- جواب خودتان

۸- اسم شما در جای خالی قرار می‌گیرد

۲- جواب خودتان

۴- جواب خودتان

۷- a) رومیان ۱۴:۸

b) غلاطیان ۲۲:۵

c) یوحنا ۲۶:۱۵

d) یوحنا ۲۶:۱۴

e) غلاطیان ۲۲:۵-۲۳

۳- a) درست

b) درست

c) درست

d) غلط

e) درست

درس چهارم

خدا اصولی برای زندگی عطا می‌کند

فرض کنید این ماه قرار است که گواهینامه رانندگی بگیرید. برای این کار نخست باید با علائم و قواعد رانندگی آشنا شوید، قواعدی که هر راننده‌ای باید از آنها آگاه باشد. در مقابل شما جزوه‌ای است به‌نام قواعدی که باید در مسیر حرکت در نظر بگیریم. آنها قواعد مفیدی هستند، زیرا با اجرای آنها، کمتر تصادف خواهیم کرد و دیگر با مأموران رانندگی مسئله‌ای نخواهیم داشت، چون خودشان می‌بینند که ما از قانون اطاعت می‌کنیم. گاهی اوقات دوست داریم سریع‌تر از حد مجاز رانندگی کنیم، اما قانون ما را از این کار منع می‌کند. این قوانین کمک می‌کند که مشکل‌ساز نباشیم و حادثه‌ای تلخ ایجاد نشود.

ما در خانوادهٔ خود نیز قوانینی داریم. برای مثال بچه‌ها می‌دانند که در خانه نباید توپ‌بازی کنند. بچه‌ها به قانون نیاز دارند. بچه‌ها اگر بدانند چه باید بکنند و چه کاری را نباید انجام دهند، بیشتر احساس امنیت می‌کنند. و اگر کار بدی کردند باید تنبیه شوند. اصولاً قانون اگر بر پایه محبت باشد، خوب و مفید است و به بچه می‌آموزد که اگر آنها را رعایت کنند، به نفع همه است و همه شادتر خواهند بود. خدا، خالق همهٔ انسان‌ها نیز، قوانینی دارد و مشتاق است فرزندانش آنها را دانسته و از آنها

اطاعت کنند. او این دستورها را از طریق موسی و پسرش عیسی مسیح آشکار کرد.

آنچه در این درس مطالعه خواهید کرد

- قوانین بشری
- فرامین خدا به موسی
- تعالیم مسیح
- راهنمایی‌های رسولان

این درس به شما کمک خواهد کرد تا:

- دستورات مهمی را که خدا در کلامش گفته، مشخص کنید.
- از قوانینی که عیسی به ما داده تا بفهمیم چگونه باید باشیم و چه کارهایی را نباید انجام دهیم، سپاسگزار باشیم.

قوانین بشری

قوانین خدا در ارتباط با مسائل اجتماعی است. آرزوی خدا این است که خانواده‌ها و ملل در صلح و هماهنگی با یکدیگر زندگی کنند. و برای همین به آنها اجازه داده است که سیستم‌های سیاسی خود را برای ایجاد صلح و آرامش توسعه دهند. ما در یک قبیله با یک رهبر، در یک رژیم سلطنتی با یک پادشاه و در یک رژیم جمهوری با یک رئیس جمهور زندگی می‌کنیم. رهبرانی هستند که قوانین موجود در جامعهٔ ما را شکل

می‌دهند. البته همهٔ آنها یا همهٔ قوانین عادلانه نیست، اما خدا می‌خواهد در مجموع از آنها پیروی کنیم. پولس رسول در رومیان ۱:۱۳–۳ می‌گوید: «همه باید از اولیاء امور اطاعت نمایند زیرا بدون اجازهٔ خدا هیچ قدرتی وجود ندارد. و زمامداران فعلی را خدا منصوب کرده است از این جهت هر که با آنها مخالفت کند با آنچه خدا برقرار کرده است مخالفت می‌کند و با این عمل خود را محکوم خواهد ساخت زیرا فرمانروایان باعث وحشت نیکوکاران نیستند بلکه بدکاران باید از آنها بترسند».

زمامداران وظیفه دارند تا آنهایی را که بدی می‌کنند، تنبیه کنند و شرارت را کنترل نمایند. پولس می‌گوید چون قوانین، بدی را مجازات می‌کند، آنها در واقع چون خادمین خدا عمل می‌کنند. ما باید از آنها اطاعت کنیم نه به‌علت ترس بلکه به سبب آسایش وجدان خود نیز (رومیان ۵:۱۳). سپس پولس دادن مالیات را نیز «مسئله‌ای مربوط به وجدان» معرفی می‌کند:

«و به همین سبب است که شما مالیات می‌پردازید زیرا اولیاء امور خادمین خدا هستند. و به این دلیل مشغول انجام وظایف خود می‌باشند. پس دین خود را نسبت به همه ادا کنید مالیات خود را به مستحق مالیات و عوارض را به مأمور وصول عوارض بپردازید و آن کسی را که سزاوار احترام است، احترام کنید و صاحبان عزت را عزیز بدارید» (رومیان ۶:۱۳–۷).

ما، در ابتدا مسئول برقراری پادشاهی خدا بر زمین هستیم. ولی به‌عنوان فرزندان خدا که بر زمین زندگی می‌کنند، باید برای بی‌ایمانان نمونه‌های خوبی از اطاعت از زمامداران امور باشیم. پطرس می‌گوید: «به‌خاطر خداوند، مطیع همهٔ قدرت‌های انسانی باشید» (اول پطرس ۱۳:۲).

عیسی نمونهٔ عالی و عجیبی از اطاعت از زمامداران بود. گرچه خود، پادشاه و شاه‌شاهان بود، مالیات خود را پرداخت تا سبب لغزش مردم نشود (متی ۲۴:۱۷–۲۷). وقتی دشمنان سعی کردند با سؤالی دربارهٔ مالیات او را به دام اندازند، او گفت: «پس آنچه را که مال قیصر است به قیصر و آنچه را که مال خداست به خدا بدهید» (متی ۲۱:۲۲).

۱– عبارات صحیح را مشخص کنید (در ارتباط با مسیحی و زمامداران امور):

a) او نباید مالیات دهد زیرا فرزند خداست

b) او مشتاق است از قوانین کشور خود اطاعت کند

c) او به‌علت وجدان خود، مالیات می‌دهد

d) او به قدرت‌های انسانی احترام می‌گذارد

e) او قانون خدا را برتر از قوانین انسانی می‌داند

۲– متی ۲۱:۲۲ را نوشته و فکر کنید چه چیزهایی متعلق به زمامداران امور و چه چیزهایی متعلق به خداست بعضی از آنها ممکن است مشترک باشند.

فرامین خدا به موسی

قوانین انسانی در هر جامعه‌ای، با توجه به بافت و هویت آن تعیین می‌شود. ولی قانون خدا برای همهٔ ملل و جوامع، کامل، مفید و مناسب است. سرایندهٔ مزمور می‌فرماید: «ای خداوند تو عادل هستی و داوری‌های تو راست است. شهادات خود را براستی امر فرمودی و به امانت الی نهایت» (مزمور ۱۱۹:۱۳۷–۱۳۸).

خدا قوانین خود را از طریق خادمش موسی به قومش داد. خیلی از انسان‌ها در آن زمان چیزهایی دربارهٔ خدا می‌دانستند، اما قوانین او را که نشان‌دهندهٔ شخصیت او بود نمی‌شناختند. اما خدا آنها را از طریق قومی که انتخاب کرده بود و توسط خادمش موسی بر روی کوهی به‌نام سینا آشکار کرد. آنها به‌نام «ده فرمان» موسی مشهور هستند. در کتاب تثنیه، باب پنجم، موسی تمامی قوم اسرائیل را تشویق می‌کند تا از این قوانین اطاعت کنند (خروج باب‌های ۱۹–۳۱).

این قوانین نشانهٔ عهد خدا بودند. اگر از آنها اطاعت می‌کردند، خداوند نیز آنها را برکت می‌داد (تثنیه ۵:۱و۳۲–۳۳). حتی امروز نیز که ما فرزندان خدا از طریق مرگ عیسی مسیح هستیم، خوب است که ده فرمان را مورد توجه قرار دهیم. آنها برای همهٔ انسان‌هاست. بدون آنها ما قادر نخواهیم بود جامعه‌ای سالم، باهدف و خوب داشته باشیم. بیایید نگاهی مختصر به آنها بیفکنیم:

۱) ترا خدایان دیگر غیر از من نباشد.
۲) هیچ تمثالی برای پرستش درست نکن.
۳) نام خدا را به باطل مبر.
۴) روز سَبَت را رعایت کن.
۵) پدر و مادر خود را احترام کن.
۶) قتل مکن.
۷) زنا مکن.
۸) دزدی مکن.
۹) بر همسایهٔ خود شهادت دروغ مده.
۱۰)به آنچه دیگری دارد طمع مورز.

خدا این قوانین را داده تا ما در آرامش و سعادت زندگی کنیم. این قوانین نشان می‌دهد او خدایی بامحبت است: «پس در دل خود فکر کن که به‌طوری که پدر، پسر خود را تأدیب می‌نماید، یهوه خدایت تو را تأدیب کرده است. و اوامر یهوه خدای خود را نگاه داشته در طریق‌های او سلوک نما و از او بترس» (تثنیه ۸:۵-۶).

قوم اسرائیل همیشه از این قوانین پیروی نمی‌کردند و تنبیه می‌شدند. اما آنان از سایر مردم بدتر نبودند. هر انسانی در یک یا چند مورد از این فهرست کوتاه آمده است. حتی مذهبی‌ترین اشخاص نیز در اجرای بعضی از آنها شکست خورده‌اند.

یک جوان خوب مذهبی یک بار پیش عیسی آمد (مرقس ۱۰:۱۷–۲۲). او می‌خواست بداند چه باید بکند تا حیات جاودانی را بدست آورد. عیسی دربارهٔ پنج قانون آخر موسی از او سؤال کرد و او با غرور جواب داد که همه را انجام داده است. سپس عیسی با محبت به او گفت: «آنچه داری بفروش و به فقرا بده و از من پیروی کن». کلام خدا می‌گوید او با قیافه‌ای محزون و با ناراحتی از آنجا رفت، چون ثروتمند بود. ثروت، خدای او بود. ثروت او را از اطاعت خدا باز می‌داشت؛ او قانون اول را شکسته بود. در حقیقت استانداردی که خدا برای ما تعیین کرده، بسیار بالاست و هیچ کس با قوت خود قادر به اجرای آنها نمی‌باشد. پولس، خود نیز در رسالهٔ رومیان ۷:۲۱–۲۵ می‌گوید که گرچه می‌داند فرامین خدا نیکوست، ولی قادر به اجرای آن نیست. زیرا ما نمی‌توانیم بر سرشت نامطیع خود با قوت خودمان غلبه کنیم. ولی خوشبختانه خدا به این مسئله نیز جواب داده است: «آنچه را که شریعت به‌علت ضعف طبیعت نفسانی نتوانست انجام دهد، خدا انجام داد. او فرزند خود را به‌صورت انسان جسمانی و گناهکار و برای آمرزش گناهان بشر فرستاد و به این وسیله گناه را در ذات انسانی محکوم ساخت. خدا چنین کرد تا احکام شریعت، به‌وسیله ما که گرفتار طبیعت نفسانی خود نیستیم بلکه مطیع روح خدا می‌باشیم بجا آورده شود» (رومیان ۸:۳–۴).

عیسی پسر انسان و پسر خدا، تمام شریعت را به کمال رساند (متی ۱۷:۵). از طریق مرگ او قصوراتمان بخشیده می‌شود و از طریق روحش یاد می‌گیریم تا فرامین خدا را اطاعت کنیم.

۳- مزمور ۱۱۹:۳۳-۳۵ را در دفترتان نوشته، آن را جزو دعای شخصی خود کنید: «مرا در مسیر اوامر خود سالک گردان زیرا که در آن رغبت دارم. دل مرا به شهادات خود مایل گردان و نه بسوی طمع، چشمانم را از دیدن بطالت برگردان و در طریق خود مرا زنده ساز» (مزمور ۱۱۹:۳۵-۳۷).

۴- عبارات صحیحی را که در رابطه با شریعت خدا صحیح است مشخص کنید:

a) شریعت خدا کامل است

b) تمام شریعتی که به موسی داده شد فقط برای عبرانیان است

c) انسان‌ها به سادگی می‌توانند شریعت را اجرا کنند

d) خدا فرامینش را صادر کرده است تا به‌واسطهٔ آنها درست و خوب زندگی کنیم

e) ده فرمان دیگر برای امروز کاربردی ندارد

f) عیسی از همهٔ فرامین خدا اطاعت کرد

g) ما به روح‌القدس احتیاج داریم تا بتوانیم از این فرامین اطاعت کنیم

۵- اگر قبلاً ده فرمان را نمی‌شناختید، اکنون آنها را بنویسید و حفظ کنید و از روح خدا بخواهید تا به شما کمک کند آنها را اجرا کنید.

تعالیم مسیح

یکبار معلمی از عیسی سؤال سختی دربارهٔ احکام خدا پرسید: «ای استاد کدام یک از احکام شریعت از همه بزرگتر است؟» عیسی در جواب، یکی از احکام ده فرمان را انتخاب نکرد، بلکه حکمی را از عهدعتیق برگزید که چهار قانون اول شریعت را در بر می‌گرفت. «پس یهوه خدای خود را به تمامی جان و تمامی قوت خود محبت نما» (تثنیه ۶:۵).

اگر شما خدا را دوست داشته باشید، تنها او را پرستش خواهید کرد، نام او را به باطل نخواهید برد و هر چه که برای رضایت او لازم باشد، انجام خواهید داد. محبت انگیزهٔ اطاعت شما از خدا خواهد بود. به همین دلیل، عیسی در پاسخ به این معلم، حکم مهم دیگری را از عهدعتیق نقل کرد که پنج فرمان آخر «ده فرمان» را در بر می‌گیرد: «همسایه خود را مثل خویشتن محبت نما» (لاویان ۱۹:۱۸).

اگر شما همسایه خود را دوست داشته باشید، او را نمی‌کشید و به آنچه دارد طمع نمی‌ورزید و بهترین‌ها را در زندگی‌اش برای او خواهانید. این محبت ثمرهٔ روح است. محبت در اعمال مسیحیان پر از روح‌القدس دیده می‌شود.

هنگامی که عیسی می‌خواست شاگردانش را ترک کند، به آنها تعالیمی داد. او شاگردانش را دوست داشت و آنها نیز عیسی را دوست داشتند. عیسی به آنها گفت که اگر مرا دوست دارید احکام مرا نگاه دارید (یوحنا ۱۵:۱۴) و به آنها وعده داد که پشتیبانی برای آنها بفرستد که به آنها یاد دهد چگونه اطاعت کنند (یوحنا ۱۴:۱۶–۱۷و ۲۶). سپس به آنها گفت: «حکم من این است که یکدیگر را دوست بدارید، همانطور که من شما را دوست داشتم. محبتی بزرگتر از این نیست که کسی جان خود را فدای دوستان خود کند» (یوحنا ۱۵:۱۲–۱۳).

محبت عیسی، محبتی عملی بود. او برای ما کاری انجام داد. زندگی‌اش را داد تا ما را نجات دهد، حال، او می‌خواهد که مانند او، کاری انجام دهیم. پولس رسول که این مطلب را به خوبی درک کرده بود، می‌فرماید: «بارهای یکدیگر را حمل کنید و به این طریق قانون مسیح را بجا خواهید آورد» (غلاطیان۶:۲).

ما باید محبت‌مان را به خدا با نیکوکاری نسبت به همدیگر نشان دهیم. آیا از درس اول بیاد می‌آورید که هدف خدا برای فرزندانش این است که آنها نیکوکار باشند؟ حال آن را در فرمان مسیح می‌بینیم. محبتی که عمل می‌کند، فرمان اصلی و مرکزی پادشاهی خداست. اما دیدیم که خدا عادل نیز هست. بنابراین، محبت عملی ما باید در مسیر درستی نیز باشد. تعالیم عیسی هر دو جنبه را در نظر می‌گیرد. در موعظهٔ سر کوه (متی ۵:۲۷–۲۸) عیسی گفت که نباید فقط دوستان‌مان را دوست بداریم بلکه

باید دشمنان خود را محبت کنیم تا فرزندان پدر آسمانی خود شویم (متی ۵:۴۳–۴۵).

فرامین مسیح به معنای روش جدید زندگی کردن است؛ دعای ما و صدقات ما باید پنهانی صورت گیرد، نه برای اینکه خودنمایی کنیم، بلکه همه کار را برای تمجید خدا انجام دهیم نه تمجید انسان‌ها؛ نباید ریاکار باشیم؛ ریاکاری به معنای تنها به ظاهر توجه داشتن است. عیسی به شاگردانش گفت که خدا به انگیزه‌ها و طرز فکر، به اندازهٔ خود عمل توجه دارد. تعالیم مسیح، تعالیم مثبتی است. او تنها فهرستی از نهی‌ها ارائه نمی‌کند بلکه آنچه را که در ماورای قانون وجود دارد، به ما نشان می‌دهد، یعنی محبت کردن به خدا و به همسایه. او به ما اینطور دستور می‌دهد: «شما قبل از هر چیز برای بدست آوردن پادشاهی خدا و انجام خواسته‌های او بکوشید، آن وقت همهٔ این چیزها نیز به شما داده خواهد شد» (انجیل متی ۶:۳۳).

۶– آنچه که عیسی به ما گفته است تا انجام دهیم، با آنچه طبیعت و ذات ما خواستار آن است، در تناقض است. آن دسته از فرامین موعظهٔ سر کوه را که برای اجرای آنها به کمک روح خدا احتیاج دارید، مشخص کنید:

a) در هنگام سختی شاد باشید

b) وقتی بدی می‌بینید، انتقام نگیرید

c) دشمنان خود را دوست داشته باشید

d) صدقات خود را پنهانی بدهید
e) وقتی به شما بدی می‌کنند، دیگران را ببخشید
f) دیگران را داوری نکنید

۷- اجرای کدام یک از این فرامین برای شما خیلی مشکل است؟ آن را نوشته و دعا کنید تا خدا به شما در اجرای آن کمک کند. بعد بنویسید روح خدا چگونه به شما کمک کرد تا آن را اجرا کنید.

راهنمایی‌های رسولان

بعد از آنکه عیسی به نزد پدر خود به آسمان رفت، رسولان او مژدهٔ نجات را به همهٔ مردم رساندند. بعضی یهودی بودند و به راحتی قادر به درک گفته‌های رسولان بودند، چون زمینهٔ قبلی داشتند. اما بعضی از مردم بودند که هیچ اطلاع واقعی از خدا نداشتند و رسولان می‌بایست ابتدا به آنها مطالب مقدماتی را می‌آموختند. این اشخاص دارای مذاهبی برای خود بودند و باید یاد می‌گرفتند که چگونه زندگی تازه‌ای داشته باشند. زندگی قدیمی آنها شریرانه بود و رسولان باید تعالیم مسیح را به آنها آموزش می‌دادند. به همین دلیل ما تعالیم رسولان را در کتاب‌مقدس می‌یابیم. آنان مثل عیسی تعلیم می‌دادند و به مردم می‌گفتند که تعالیم مسیح چگونه به زندگی حیات می‌دهد و زندگی آنان را بهتر می‌کند. برای مثال، یوحنای رسول چنین

می‌فرماید: «ای فرزندان من، محبت ما نباید فقط در قالب حرف و تعارف باشد بلکه باید حقیقی باشد و در عمل دیده شود» (اول یوحنا ۱۸:۳).

یعقوب به دوازده طایفه اسرائیل که در سراسر عالم پراکنده‌اند، رساله‌ای نوشت (یعقوب ۱:۱). او نیز می‌خواست که مردم از احکام مسیح پیروی کنند. او همه را تشویق کرد که با اطاعت از «قانون شاهانه» (۸:۲)، اعمال صحیح داشته باشند، یعنی اینکه همسایهٔ خود را چون نفس خود محبت کنند. و بعد می‌فرماید: «اما اگر بین اشخاص از روی ظاهر آنها تبعیض قائل شوید، مرتکب گناه شده‌اید» (یعقوب ۹:۲). تبعیض، به هر شکلی که باشد، چه دوست داشتن نژادی خاص، طبقهٔ اجتماعی خاص، جنسی خاص، همه برخلاف شریعت محبت است. مسیحیت طرز فکر ما را نسبت به مردم تغییر می‌دهد. در رسالهٔ یعقوب چنین می‌خوانیم: «دیانت پاک و بی‌آلایش در برابر خدای پدر این است که وقتی یتیمان و بیوه‌زنان دچار مصیبت می‌شوند از آنها توجه کنیم و خود را از فساد جهان دور نگه داریم» (یعقوب ۲۷:۱).

پولس رسول در ابتدا بردهٔ قوانین انسانی بود، ولی بعد فهمید که این قوانین قادر به نجات او نیستند زیرا نجات در نتیجهٔ کوشش‌های ما بدست نمی‌آید (افسسیان ۸:۲-۹). با وجود این، وقتی هدیه نجات خدا را از طریق عیسی مسیح بدست می‌آوریم، مسئولیم که زندگی جدیدی را آغاز کنیم. پولس ما را آگاه می‌سازد و می‌فرماید: «پس بنام خداوند این را می‌گویم و

به آن تأکید می‌کنم که شما دیگر نباید مانند کافران که در پیروی از خیالات بیهودهٔ خود بسر می‌برند، زندگی کنید. افکار آنها تیره شده است، جهالتی که در میان آنها است و سخت‌دلی آنان، ایشان را از حیاتی که خدا می‌بخشد، محروم کرده است. دل و ذهن شما باید کاملاً نو شود و شخصیت تازه‌ای را که در نیکی و پاکی حقیقی و به‌صورت خدا آفریده شده است، به خود بپوشانید» (افسسیان ۴:‏۲۳–۲۴ و۱۷–۱۸).

پولس نصایح زیادی به کلیسای افسس می‌نویسد. در قسمت زیر، راهنمایی‌های مفیدی برای زندگی خوب مسیحی با کمک روح‌القدس یافت می‌شود. این راهنمایی‌ها را می‌توانید در باب‌های ۴، ۵ و ۶ رسالهٔ افسسیان بیابید:

۱) همیشه فروتن، ملایم و بردبار باشید.

۲) با محبت یکدیگر را تحمل کنید.

۳) دیگر دروغ نگویید بلکه حقیقت را بگویید.

۴) دزدی نکنید و کار کنید.

۵) فقیران را کمک کنید.

۶) سخنان مخرب و آزاردهنده نگویید بلکه سخنانی که دیگری را بنا کند.

۷) خشم یا غیظ نداشته باشید بلکه دلی نرم و بامحبت داشته باشید.

۸) همدیگر را ببخشید.

۹) در میان شما چیزی دربارهٔ زنا و بی‌عفتی‌های دیگر و طمع‌کاری بر زبان نیاید.

۱۰) یاد بگیرید که چه چیزی پسندیدهٔ خداست.

۱۱) مست شراب نشوید بلکه از روح خدا پر شوید.

۱۲) برای هر چیز خدا را شکر کنید.

۱۳) از یکدیگر اطاعت کنید.

۱۴) ای زن‌ها، طوری از شوهران خود اطاعت کنید که از خداوند اطاعت می‌کنید.

۱۵) ای شوهران، چنانکه مسیح کلیسا را دوست داشت و جان خود را برای آن داد، شما نیز باید زنان خود را دوست بدارید.

۱۶) فرزندان، از والدین خود اطاعت کنید.

۱۷) و شما ای پدران فرزندان خود را خشمگین نسازید بلکه آنان را با آموزش و پرورش مسیحی تربیت کنید.

۱۸) اسلحهٔ تمام خدا را بپوشید.

۱۹) همیشه با هدایت روح‌القدس دعا کنید.

چه نصایح عجیبی! این فهرستی از کارهایی که نباید انجام دهیم نیست، بلکه فهرستی از کارهای خوبی است که ما می‌توانیم انجام دهیم. باید کارهای بد را ترک کنیم تا بتوانیم نیکوکاری بکنیم. انجام کارهای خوب نه فقط ما را شادتر می‌کند بلکه ما را بیشتر شبیه پدر آسمانی می‌سازد. پولس فرمان محبت مسیح را به‌عنوان هدف زندگی‌مان در افسسیان ۵:۱–۲ به ما یادآوری می‌کند:

«چنانکه شایستهٔ فرزند عزیز خداست، بکوشید که مانند او باشید. از روی محبت زندگی کنید و از محبتی که عیسی مسیح با قربانی خویش در راه ما نشان داد، پیروی کنید. او جان خود را مانند هدیه‌ای خوشبو تقدیم خدا نمود.»

۸- عباراتی را که در ارتباط با فرمان محبت مسیح صحیح است، مشخص کنید

a) بچهٔ خود را تنبیه کنید چون آهسته راه می‌رود

b) به خانوادهٔ محتاج کمک کنید

c) به شخصی که دنبال کار است، کمک کنید

d) راننده‌ای را که جلوی شما ترمز می‌کند، لعنت کنید

e) برای شبانان خود دعا کنید

f) بزرگان جمع خود را احترام کنید

۹- همه ما در قسمت‌هایی از زندگی‌مان نتوانسته‌ایم فرمان محبت مسیح را اجرا کنیم برای آنها دعا کنید و از روح خدا بخواهید به شما کمک کند.

۱۰- در دفترچهٔ خود جدولی بکشید، و برای دو هفته عملکرد خود را در زمینه‌های مختلف در زیر این عنوان‌ها یادداشت کنید: الف) زندگی شخصی خودم، ب) زندگی خانوادگی‌ام، ج) زندگی‌ام در جامعه، د) زندگی‌ام در کلیسا. بنویسید که در این زمینه‌ها چه مقدار اطاعت کرده‌اید. مشاهده خواهید کرد که هفتهٔ دوم از هفتهٔ اول آسان‌تر خواهد بود.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۶- همه از توان طبیعی شما خارجند و شما نیاز به کمک روح خدا دارید.

۱- a) غلط

b) درست

c) درست

d) درست

e) درست

۷- جواب خودتان

۲- فهرست شما ممکن است با فهرست ما فرق کند، اما چند مورد آن را ذکر می‌کنیم

دولت - مالیات، خدمت سربازی

خدا - ده یک، خدمت به خدا در کارهای کلیسایی

۸- موارد b، c، e، f

۳- جواب خودتان

۹- جواب خودتان

۴- a) قوانین خدا کامل هستند

۱۰- جواب خودتان. هر چه بیشتر از فرمان محبت مسیح اطاعت کنید شادتر خواهید بود.

۵- جواب خودتان

درس پنجم

خدا معیار زندگی‌تان را تعیین می‌کند

فرض کنید می‌خواهید دوچرخه‌ای بخرید و آن را در مغازه‌ای دیده‌اید؛ دوچرخه‌ای زیبا و گرانقیمت، دقیقاً آن چیزی که همیشه خواهانش بودید. ولی چون فرزند خدا هستید، نمی‌توانید بدون فکر عمل کنید، نمی‌توانید خانواده‌تان را تحت فشار بگذارید یا پول زیادی قرض کنید. باید تصمیم بگیرید که چه خواهید کرد. در کتاب‌مقدس نوشته نشده که دوچرخه بخرید یا نخرید چون در آن زمان دوچرخه‌ای وجود نداشت و از طرفی خرید آن عمل بد یا خوبی نیست بلکه عملی، خنثی است. از جهت دیگر، خدا در ارتباط با آن چیزی نگفته است. اما آیا کتاب‌مقدس نمی‌تواند در تصمیم‌گیری به ما کمک کند؟ کلام خدا می‌فرماید: «... برای هر کار نیکو کاملاً آماده و مجهز باشید» (دوم تیموتائوس ۳:۱۷).

هر کار نیکو، شامل گرفتن تصمیمات نیز می‌باشد. کتاب‌مقدس، چراغ جادویی نیست که برای هر مسئله‌ای جواب بله یا خیر داشته باشد، بلکه اصولی به ما می‌دهد تا بدانیم چگونه تصمیم بگیریم. خدا با ما مثل فرزندان عمل می‌کند نه بردگان.

در این درس، قواعد و اصولی را از کتاب‌مقدس فرا خواهید گرفت که در تصمیم‌گیری‌های مشکل به شما یاری می‌کنند تا انتخاب درستی داشته باشید.

آنچه در این درس مطالعه خواهید کرد

- قواعد اصولی هستند برای زندگی
- کشف اصول و قواعد کتاب‌مقدس
- اصل نظارت
- اصل خدمت
- بکارگیری اصول کتاب‌مقدس

این درس به شما کمک خواهد کرد تا:

● بتوانید با بکارگیری اصول کلام خدا، تصمیمات خوبی در زندگی‌تان بگیرید.

● ارزش‌های صحیح و مهم زندگی یک مسیحی را با مطالعه کلام خدا درک کنید.

قواعد، اصولی برای زندگی هستند

قوانین به شما می‌گویند چه کاری را انجام دهید یا انجام ندهید. آنها به شما نشان می‌دهند چه اعمالی اشتباه هستند. قواعد و اصول مانند یک ترازوی اندازه‌گیری هستند و می‌توانند به شما کمک کنند که درک کنید کدام کار را بهتر است انجام

دهید. برای مثال می‌توانند به شما بگویند که آیا خرید دوچرخه خوب است، یا بهتر است فعلاً اقدام به این کار نکنید.

ما همه در زندگی‌مان اصولی را رعایت می‌کنیم. اصل مشترکی که برای همه وجود دارد، اصل لذت است که می‌گوید «اگر چیزی برای من خوشایند بود و احساس خوبی به من داد، آن را انجام می‌دهم.» اگر شما نیز از این اصل پیروی کنید، دوچرخه را می‌خرید بدون آنکه در نظر بگیرید نتیجهٔ آن چه خواهد شد. ممکن است خانوادهٔ شما در مشکلات مالی قرار بگیرند یا شما مقروض شوید ولی با انجام آن کار، شما خود را ارضا کرده‌اید. شاید هم هیچ اتفاق بدی رخ ندهد و حتی خرید دوچرخه به شما کمک کند بهتر به کارهایتان رسیدگی کنید. اما خرید دوچرخه صرفاً به‌علت علاقهٔ شخصی خودتان بوده و مشکلاتی را که ممکن است برای دیگران در نتیجهٔ خرید آن ایجاد شود، در نظر نگرفته‌اید. این آن استانداردی نیست که عیسی با آن زندگی کرد و مرد. در این رابطه کتاب فیلیپیان باب دوم را که نشان‌دهندهٔ فروتنی و از خودگذشتگی مسیح است، بخوانید.

استاندارد دیگری که مردم توسط آن تصمیم‌گیری می‌کنند، اصل خودنمایی و رقابت است. اشخاص این اصل را برای این انجام می‌دهند تا دیگران آنها را تحسین کنند. مردم دوست دارند مقام یا امکاناتی را داشته باشند تا دیگران از آنها تعریف کنند. مثلاً فرض کنیم دوستان و همکاران شما همه دوچرخه‌های نو دارند و شما از اینکه مثل آنها نیستید، ناراحتید. ممکن است همسایه‌تان

اصلاً دوچرخه نداشته باشد، ولی در هر حال شما می‌خواهید خود را به همسایه‌تان نشان دهید. دوچرخه را از دوست خود قرض می‌کنید تا خود را به او نشان دهید. کتاب‌مقدس با ما دربارهٔ اشخاصی صحبت می‌کند که آرزو دارند بجای خدا، مردم آنها را تمجید کنند (رومیان ۲۹:۲). اگر فقط به‌دنبال تحسین هستیم، مطابق استاندارد مسیحی زندگی نکرده‌ایم.

البته می‌توانیم به زندگی خود طبق این اصول ادامه دهیم. اشخاص همیشه دلائل قانع‌کننده‌ای برای رفتار خود دارند، رفتاری نظیر تنبلی، غرور، و جاه‌طلبی. آنچه ما باید بکنیم، این است که در کتاب‌مقدس اصولی را برای زندگی مسیحی بیابیم.

۱- وقتی می‌خواهید تصمیم بگیرید که وسیله خاصی را بخرید، ابتدا فکر می‌کنید که:

a) از طریق خرید آن، بهتر می‌توانید خود را به دیگران نشان دهید.

b) آیا واقعاً به آن احتیاج دارید و قبل از گرفتن تصمیم نهایی دعا خواهید کرد؟

c) چون آن را می‌خواهید سریعاً اقدام می‌کنید.

۲- دربارهٔ تصمیمی که به‌تازگی گرفته‌اید، فکر کنید. از چه اصلی پیروی کردید؟ آیا اگر به اصل دیگری فکر می‌کردید، تصمیم‌تان تغییر می‌کرد؟

کشف اصول و قواعد کتاب‌مقدس

تمام اصول کتاب‌مقدس ناشی از اصل محبت است. اصل محبت به معنای محبت به خدا، انسان‌ها و خویشتن است. اصل محبت کتاب‌مقدس زیربنای اصول دیگر است؛ به‌عبارت دیگر، انگیزه تمام رفتارها و کارهایمان باید محبت باشد. وقتی با سؤال‌هایی در زندگی‌مان مواجه می‌شویم، با در نظر گرفتن این اصل، از کتاب‌مقدس، می‌توانیم تصمیمی عاقلانه و درست بگیریم. ولی چگونه می‌توان فهمید کدام اصل را باید بکار گرفت؟ به‌عبارت دیگر عملاً چه باید کرد. در کتاب‌مقدس به سه اصل برمی‌خوریم:

۱) در کتاب‌مقدس نمونه‌هایی از عملکرد و رفتار درست می‌بینیم. برای مثال داستان سامری نیکو نشان‌دهندهٔ توجه و محبت عملی نسبت به همسایه است. عیسی گفت: «تو نیز برو و چنان کن» (لوقا ۳۷:۱۰). نشان دادن محبت، اصل خوبی برای زندگی است.

۲) می‌توان در کتاب‌مقدس توضیحاتی را که در ارتباط با زندگی مسیحی داده شده، مطالعه کرد. کلام خدا دستورات و نصایح متعددی دربارهٔ زندگی به ما داده است؛ برای مثال می‌گوید «او با سخاوت به محتاجان می‌دهد» (دوم قرنتیان ۹:۹). این اصل و سایر اصول دیگر به ما نشان می‌دهد که چگونه باید زندگی کنیم.

۳) مهم‌تر از همه، به روش زندگی عیسی مسیح در اناجیل توجه کنید. اگر می‌خواهیم مثل او شویم، باید بدانیم او چگونه زندگی می‌کرد. «پس همین فکر در شما باشد که در مسیح عیسی بود» (فیلیپیان ۵:۲).

با بکارگیری این موارد می‌توانید با مشکلات زندگی مواجه شده و تصمیم صحیحی بگیرید. به‌یاد داشته باشید که این اصول، الهی هستند. برای درک بیشتر باید فهیم و حکیم بود. حکمت را تنها از طریق کلام خدا و دعا می‌توان کسب کرد. اگر بخواهیم حکیم باشیم، باید فروتن، مطیع و صبور باشیم. رسالهٔ یعقوب می‌گوید: «اگر کسی از شما محتاج به حکمت است، دعا کند و خدا به او خواهد بخشید» (یعقوب ۵:۱).

این آیه به ما می‌گوید که برای حکیم شدن، باید ابتدا فروتن شد. فروتنی یعنی پذیرفتن اینکه ما همهٔ جواب‌ها را نمی‌دانیم و به کمک خدا احتیاج داریم. همچنین باید باور کنیم که خدا همهٔ جواب‌ها را در اختیار دارد. قدم بعدی این است که مطیع باشیم و همانطور که عیسی گفت نزد خدا برویم و این دعا را بکنیم: «پس بیایید تا با دلیری به تخت فیض‌بخش خدا نزدیک شویم تا رحمت یافته و در وقت احتیاج از او فیض بیابیم» (عبرانیان ۱۶:۴).

و در نهایت در انتظار دریافت جواب باشیم، آنقدر صبر کنیم تا مطمئن شویم ارادهٔ خدا را دریافته‌ایم. کلام خدا را بخوانیم و از روح خدا بخواهیم در گرفتن تصمیمات ما را یاری کند.

۳- کدام راه به شما کمک می‌کند تا یک اصل کتاب‌مقدسی را پیدا کنید که در گرفتن تصمیمات به شما کمک کند؟

a) مطالعهٔ کلام خدا

b) خودتان روش برخورد را با مشکلات حدس بزنید

c) منتظر دوستان‌تان باشید تا به شما بگویند چه باید بکنید

۴- مثال‌ها و پیشنهادات بسیاری در این بخش برای درک اصول کلام خدا برای زندگی داده می‌شود. همانطور که این درس را مطالعه می‌کنید، دعا کنید تا خداوند به شما حکمت دهد که خود، این اصول را درک کرده، بر طبق آنها زندگی کنید.

اصل نظارت

هر چه داریم، هدیه‌ای است از جانب خدا، خدایی که جهان را خلق کرد و با قدرت خود آن را حفظ می‌کند، خدایی که فصل‌ها و زیبایی‌های هر کدام از آنها را آفرید. بنابراین، هر چه داریم از آن اوست، از جمله خانه، پول و غذا.

خداوند ما را خلق کرد و به ما شعور و استعداد داد. او نه تنها ما را خلق کرد، بلکه در عیسی مسیح به ما حیات جاودانی بخشید. ما فرزندان او هستیم، فرزندانی که همه چیز خود را حتی هویت خود را از او دارند.

اما خدا به ما امتیاز خاصی بخشیده، او همه چیز را در عیسی مسیح برای جلال خود به ما بخشیده است. یعنی می‌توانیم با آنچه

داریم او را جلال دهیم. دارایی، توانایی‌های فیزیکی و فکری و وقت‌مان همه هدایایی است که او به ما بخشیده تا به بهترین شکل از آنها استفاده کنیم و تا باعث جلال او شویم. مالک اصلی اوست و یک روز حساب همهٔ آنها را از ما خواهد خواست، حساب چیزهایی که از آن او بوده و باید ما از آنها مراقبت می‌کردیم.

آیا داستان سه خادمی را که در انجیل متی باب ۲۵ آمده است به‌یاد دارید؟ ارباب می‌خواست سفر کند، غلامان خود را خواند و تمام ثروتش را به آنان سپرد، به هر یک به نسبت توانایی‌اش چیزی داد. ارباب انتظار داشت آنها از آن پول استفاده کنند و سود بدست بیاورند. دو نفر از آنها این کار را انجام دادند ولی نفر سوم با آن پول هیچ کاری انجام نداد. او می‌ترسید شاید آن پول را گم کند و در هنگام بازگشت ارباب چیزی نداشته باشد. وقتی ارباب برگشت، از آن دو خادم تعریف کرد و به آنها پاداش داد. ولی شخص سوم توبیخ شد: «ای غلام شریرِ بیکاره، کیسه زر را از او بگیرید و به آن کس که ده کیسه دارد بدهید و این غلام بی‌فایده را در تاریکی بیندازید». در ترجمهٔ دیگر بجای غلامان، ناظرین آورده شده است. این داستان برای ما درسی دارد. درس نگهداری و استفاده صحیح از همهٔ آنچه خدا به ما بخشیده است. کلام خدا جزئیات بیشتری در ارتباط با امر نظارت بیان می‌کند. عهدعتیق در ارتباط با ده یک صحبت می‌کند. دادن یک دهم از درآمدمان به خدا و همین طور یک دهم محصول‌مان. عهدجدید نیز در ارتباط با کمک به

فقرا و محتاجان صحبت می‌کند. اما خداوند بخشنده خوش را دوست دارد. بخشیدن به ما کمک می‌کند آگاه باشیم که آنچه داریم از آن خداست و نشان می‌دهد مشتاق هستیم آنچه خدا می‌خواهد انجام دهیم، عیسی تأکید زیادی بر بخشیدن اموال داشت اما صریحاً گفت: «به هر کسی که عطا زیاده شود از وی مطالبه زیادتر گردد» (لوقا ۴۸:۱۲).

درس دیگری که مسیح به ما می‌دهد ثمردهی است. او در تمثیل‌های خود از درختانی مثال زد که میوه‌ای نداشتند. برای او مهم است که فرزندان خدا مفید باشند. او می‌دانست مسیحیان در صورتی مفید خواهند بود که آنچه دارند، بکار برند و میوه‌های آنها باعث جلال خدا خواهد شد. «جلال پدر من آشکار می‌شود به اینکه میوهٔ بسیار بیاورید و شاگرد من بشوید» (یوحنا ۸:۱۵).

ثمردهی، نتیجهٔ نظارت خوب مسیحی است و نتیجهٔ بکارگیری درست استعدادهایی است که خدا به ما داده است. ثمردهی یعنی استفاده صحیح از هدایای خدا برای نیکی کردن به دیگران و جلال دادن خدا. پطرس رسول می‌گوید: «به‌عنوان کسی که برکات گوناگون خدا را یافته است، استعدادها و عطایایی خود را برای خیریت دیگران بکار ببرید ... تا از این راه خدا، در همه چیز به وسیلهٔ عیسی مسیح، جلال یابد» (اول پطرس ۴:۱۰–۱۱).

اصل نظارت در زندگی مسیحی، یعنی آگاهی از این مطلب که خدا همه چیز را به ما بخشیده تا عاقلانه از آنها استفاده کنیم

و پرثمر بوده، ناظری مسئول باشیم. خداوند آرزو دارد که همهٔ توانایی خود را برای جلال او و خدمت به مردم بکار ببریم.

۵- عباراتی که نظارت مسیحی را نشان می‌دهند مشخص کنید:
a) آنچه در ارتباط با وقت شماست
b) برنامهٔ روزانهٔ زندگی‌تان
c) رنگ لباسی که می‌پوشید
d) پولی که خرج می‌کنید
e) چطور و چگونه مطالعه می‌کنید

۶- دوباره به سؤال دوم در ارتباط با تصمیماتی که گرفتید، فکر کنید. آیا اصل نظارت در تصمیمات شما اکنون بکار گرفته شد؟ اگر نه آیا می‌توانید به یک تصمیم که این اصل در آن رعایت شده است، فکر کنید؟ آیا فکر می‌کنید حکیمانه تصمیم گرفته‌اید؟

اصل خدمت

برای نظارت خوب، باید خادم خوبی بود زیرا باید از آنچه خدا به ما بخشیده به‌درستی استفاده کنیم. باید بدانیم که چگونه باید از هدایای خدا استفاده کنیم. باید صاحب هدایا را بشناسیم. ناظرین، ارباب خود را می‌شناسند. کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد که اشخاص، اربابان متفاوتی دارند. بعضی بردهٔ گناهند (رومیان ۶:۲۰)، بعضی امیال جسمانی خود را پیروی می‌کنند (افسسیان ۲:۳ و رومیان ۱۶:۱۸). تمام زندگی ما باید صرف خدمت خدا شود. باید تصمیم

بگیریم که از چه کسی در زندگی‌مان پیروی خواهیم کرد. ارباب کیست؟ این انتخابی است که هر مسیحی باید هر روز بکند.

شاید داستان یوشع را به‌یاد دارید. او قوم خدا را به سرزمین موعود هدایت کرد. وقتی پیر شد، قوم را فرا خواند و چون می‌دانست چقدر ساده ممکن است آنها خدایان غیر را پیروی کنند، نیکویی خدا را به آنها یادآوری کرد و گفت: «پس الآن از یهوه بترسید و او را به خلوص و راستی عبادت کنید و خدایان را ... از خود دور کنید و اگر در نظر شما پسند نیاید که یهوه را عبادت نمایید پس امروز برای خود اختیار کنید که را عبادت (خدمت) خواهید کرد ... و اما من و خاندان من یهوه را عبادت خواهیم نمود» (یوشع ۲۴:۱۴–۱۵).

یوشع تصمیم خود را مشخص کرد. او تا به انتهای زندگی‌اش خداوند را پیروی کرد. او نه تنها یک رهبر بود، بلکه یک خادم نیز بود. طرز فکر یوشع در خداوند ما عیسی مسیح نیز دیده می‌شود. گر چه فرزند خدا بود، ولی خود را خالی کرد و صورت غلام را پذیرفت، چون ما را دوست داشت و می‌خواست ما را از گناهان‌مان نجات دهد. عیسی هر چه را داشت، در آسمان گذاشت و صورت غلام را پذیرفت (فیلیپیان ۲:۷). او انسان شد اما نه یک رهبر با قدرت که به دیگران دستور دهد و دیگران مجبور به اطاعت باشند، بلکه: «چون او به شکل انسان در میان ما ظاهر گشت، خود را پست‌تر ساخت و از روی اطاعت حاضر شد مرگ، حتی مرگ بر روی صلیب را بپذیرد» (فیلیپیان ۲:۸).

عیسی خادم خدا و خادم مردم بود. در هنگام زندگی‌اش به مردم کمک می‌کرد و بیماران را شفا می‌داد و از طریق مرگش، انسان‌ها را از گناهان و جهنم نجات داد. او همین انتظار را از شاگردان خود دارد که بدون هیچ چشم‌داشتی با صداقت خدمت کنند.

یک روز شاگردانش با یکدیگر مباحثه می‌کردند که چه کسی بین آنها در پادشاهی عیسی، مقام بالاتری خواهد داشت. عیسی به آنها گفت که بی‌ایمانان می‌خواهند که بر دیگران تسلط داشته باشند. سپس برای آنها اصل خدمت را بیان کرد: «اما در میان شما نباید چنین باشد، بلکه هر که می‌خواهد در بین شما بزرگ باشد، باید خادم همه گردد و هر که بخواهد بالاتر از همه شود، باید غلام همه باشد. پسر انسان نیز نیامد تا خدمت شود بلکه تا خدمت کند و جان خود را در راه بسیاری فدا سازد» (متی ۲۰:۲۶–۲۸).

اصل خدمت مطابق آنچه کتاب‌مقدس می‌گوید، برخلاف طبیعت خودخواه انسان است. برای اجرای آن باید فروتن بود و مشتاق خدمت به خدا و انسان. به این آیات توجه کنید:

«یکدیگر را با محبت برادرانه دوست بدارید و هر کس به دیگری بیشتر از خود احترام نماید. با کوشش خستگی‌ناپذیر و با شوق و ذوق، خدا را خدمت کنید» (رومیان ۱۲:۱۰–۱۱).

«به‌خاطر احترامی که به مسیح دارید مطیع یکدیگر باشید» (افسسیان ۵:۲۱).

« ... با محبت یکدیگر را خدمت کنید» (غلاطیان ۵:۱۳).

بکارگیری اصل خدمت در زندگی‌مان با قدرت شخصی، امکان‌پذیر نیست بلکه به قدرت روح خداست که می‌توانیم خدا و مردم را خدمت و اطاعت کنیم و حتی به‌خاطر مسیح زحمت بکشیم. «لیاقت ما از جانب خداست» (دوم قرنتیان ۵:۳).

پولس ما را تشویق می‌کند به انسان‌هایی که در بند گناه هستند، با جان و دل خدمت کنیم: «و کارهایی را که به شما رجوع می‌کنند با جان و دل انجام دهید چنانکه گویی برای خداوند کار می‌کنید نه برای بشر زیرا می‌دانید خداوند میراثی به‌عنوان پاداش به شما عطا خواهد کرد. مسیح ارباب شماست و شما غلامان او هستید» (کولسیان ۳:۲۳–۲۴).

۷– عباراتی را که اصل خدمت را در زندگی یک مسیحی نشان می‌دهند، مشخص کنید. همچنین عباراتی را که اصل خودخواهی را نشان می‌دهند، مشخص کنید و بنویسید، چگونه می‌توان آنها را به اصل خدمت تبدیل کرد:

a) غذا دادن به شخص مریض و محتاج

b) وقت ندادن به دوستی که احتیاج به کمک دارد

c) کار کردن فقط برای انجام دادن وظیفه

d) کمک کردن به شبان کلیسا

e) انجام دادن کاری مطابق انتخاب و میل خود

f) برای رفع احتیاجات خانواده، کاری انجام دادن

g) خدمت کردن، حتی اگر دیگران به شما توجهی نداشتند

بکارگیری اصول کتاب‌مقدس

نظارت و خدمت تنها دو اصل از اصول کتاب‌مقدس می‌باشند. مثال دوچرخه نمونهٔ خوبی برای توضیح دادن بهتر این دو اصل است. اما در نظر داشته باشید اصل محبت دربرگیرندهٔ اصول بسیاری می‌باشد که فرصت پرداختن به تمام آنها را نداریم، برای مثال بخشش (افسسیان ۳۲:۴)، آرامش (اول تسالونیکیان ۱۳:۵) و شادی، (اول تسالونیکیان ۱۶:۵).

بکارگیری این اصول با قوت خودمان بسیار مشکل است، نمی‌توانید آنها را اجرا کنید. اما به‌خاطر داشته باشید شما روح‌القدس را دارید که به شما کمک می‌کند. شما فرزند خدا هستید و می‌توانید با کمک روح خدا در مسیر ترقی حرکت کنید. پولس می‌فرماید: «کسانی که به‌وسیله روح خدا هدایت می‌شوند، فرزندان خدا هستند. زیرا آن روحی که خدا به شما داده است شما را برده نمی‌سازد و موجب ترس نمی‌شود، بلکه آن روح شما را فرزندان خدا می‌گرداند» (رومیان ۱۴:۸–۱۵).

با کمک روح خدا می‌توانید اصول کتاب‌مقدس را در زندگی اجرا کنید، با گرفتن تصمیمات درست باعث جلال خداوند شوید و مسیحی پیروزی باشید. این ارادهٔ خداست و باید آن را اجرا کنیم. یوحنا می‌فرماید: «زیرا محبت به خدا چیزی جز اطاعت از احکام او نیست و این احکام بار سنگینی نیست زیرا

همهٔ فرزندان خدا بر این جهان غلبه یافته‌اند و ما این پیروزی را به‌وسیلهٔ ایمان بدست آورده‌ایم» (اول یوحنا ۵:۳-۴).

شما می‌توانید بر مشکلات خود هر چقدر هم که بزرگ باشند، پیروز شوید. پیروزی شما از طریق محبت و قدرت خداوند است (رومیان ۸:۳۷-۳۹).

خداوند به شما حکمت می‌دهد تا اصول کلام را به درستی بفهمید و با هدایت روح خدا آنها را بکار گیرید. هر مسیحی باید این اصول را در نظر بگیرد: «همه چیز را بیازمایید و آنچه را که نیکوست برای خود نگه دارید از هر نوع بدی دوری کنید» (اول تسالونیکیان ۵:۲۱-۲۲).

حال بیایید دوباره به موضوع خرید دوچرخه در ارتباط با اصل نظارت برگردیم (با این فرض که در محل زندگی‌تان می‌توانید دوچرخه‌سواری کنید و می‌دانید چگونه دوچرخه‌سواری کنید) و نکاتی دربارهٔ بکارگیری این اصل بیاموزیم.

۱) آیا پول کافی برای خرید آن دارید؟ آیا صادقانه ایمان دارید خداوند می‌تواند آن پول را مهیا کند؟ (اصل نظارت یعنی آنچه داریم از آن خداست و با ایمان می‌پذیریم او می‌تواند احتیاجات مالی ما را رفع کند). آیا در این موقعیت، این بهترین کاری است که با آن پول می‌توانید انجام دهید؟ اگر جواب شما «بله» است پس ممکن است آن را بخرید.

۲) آیا اگر این پول را صرف خرید دوچرخه کردید، باعث رنجش خدا یا دیگران می‌شوید؟ اگر جواب‌تان نه است پس

ممکن است آن را بخرید. به‌یاد داشته باشید عدم توجه به خانواده به معنای انکار ایمان است (اول تیموتائوس ۸:۵).

۳) آیا به دوچرخه احتیاج دارید؟ آیا می‌توانید دوچرخه‌ای با قیمت پایین‌تر پیدا کنید؟ دوچرخه گرانقیمت در هنگام تعمیر نیز مخارج زیادی دارد و وقت زیادی می‌گیرد. خرید دوچرخه‌ای با قیمت کمتر اینگونه نخواهد بود. اگر جواب سؤال اول بله است و اگر خرید دوچرخهٔ ارزان‌تر عاقلانه نیست، پس احتمال خرید آن پیش می‌آید.

۴) اگر داشتن دوچرخه با قیمت گران‌تر موجب صرفه‌جویی در وقت شما و سهولت انجام کارهای‌تان می‌شود، احتمال خرید آن بیشتر می‌شود.

۵) بعد از دعا و پاسخ به پرسش‌های مطرح شده، آیا مطمئن هستید خدا می‌خواهد آن را بخرید؟ اگر اینطور است آن را بخرید.

به‌یاد داشته باشید خداوند بهترین را برای شما می‌خواهد و آنچه بیان شد، تأکید بر گرفتن تصمیمی صحیح بود. فرمان و وعده عیسی دربارهٔ رفع احتیاجات خود را به‌یاد داشته باشید: «شما قبل از هر چیز برای بدست آوردن پادشاهی خدا و انجام خواسته‌های او بکوشید، آن وقت همهٔ این چیزها نیز به شما داده خواهد شد» (متی ۳۳:۶).

آنچه مهم است این است که در ابتدا باید به فکر انجام خواسته‌های خدا باشیم، چون وقتی فکر ما در ابتدا با مادیات مشغول شود، توجه خود را نسبت به امور الهی و معنوی از

دست می‌دهیم. ثروت گاه مانعی برای رسیدن به خداست، و این آن هشداری است که خدا به قوم اسرائیل در هنگام ورود به سرزمین موعود می‌دهد (تثنیه ۸:۱۱–۲۰).

حال به اصل خدمت در ارتباط با خرید دوچرخه می‌پردازیم و نکاتی را در نظر می‌گیریم. بدیهی است می‌توان با توجه به اصول دیگر، به این مسئله نگاه کرد.

۱) آیا شما دوچرخهٔ نو می‌خواهید تا خدا را بهتر خدمت کنید؟ آیا آن به شما کمک خواهد کرد در خدمت فعال‌تر باشید؟ آیا مطمئن هستید وقت و انرژی شما را بجای خدمت نخواهد گرفت؟ پاسخ بله، احتمال خرید را زیاد می‌کند.

۲) آیا مطمئن هستید علت خرید آن خودخواهی نیست؟ مطمئن هستید برای جلب توجه یا نشان دادن خود آن را نمی‌خرید؟ اگر جواب بله هست، احتمال خرید آن زیاد می‌شود.

۳) آیا داشتن این دوچرخه باعث خدمت بهتر به خانواده و کلیسا می‌شود؟ آیا خانواده‌تان با خرید آن موافق است؟ اگر جواب‌ها بله است، می‌توانید بیشتر به خرید آن فکر کنید.

۴) بعد از دعا و جواب پرسش‌های مطرح شده، آیا مطمئن هستید خدا می‌خواهد خادمش، دوچرخه داشته باشد؟ اگر جواب بله است پس بهتر است آن را بخرید.

بکارگیری اصول به‌نظر مشکل می‌آید و گاهی چنین است. اما وقتی تصمیمی را مطابق آنها بگیرید در خود آرامش خواهید

داشت، چون می‌دانید از اصولی پیروی کرده‌اید که خدا در کلامش بیان کرده است.

۸- سیگار کشیدن در کلام خدا ذکر نشده است. اما مسیحیان این کار را نمی‌کنند. آیا می‌توانید دلائلی را برای عدم انجام آن ذکر کنید؟

a) جواب خود را با در نظر گرفتن اصل نظارت بیان کنید.

b) جواب خود را با در نظر گرفتن اصل خدمت بیان کنید.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۵- a، b، d، e

۱- b

۶- جواب خودتان

۲- جواب خودتان

۷- a، d ، f، g، b ، e، c

۳- a

۸- جواب‌های شما ممکن است مشابه نباشد ولی در ارتباط دو اصل نظارت و خدمت می‌توان نکات مشترکی در آنها یافت

الف – نظارت:

۱) سیگار خریدن، بهترین راه خرج کردن پول نیست

۲) سیگار کشیدن به بدن ما آسیب می‌رساند (سیگار زندگی را کوتاه و سبب بیماری می‌شود)

۳) سیگار کشیدن به‌صورت یک عادت درمی‌آید و باید برای خرید آن پول صرف شود

ب – خدمت: جواب خودتان

۴- جواب خودتان

PDF.tarikhema.org

درس ششم

خدا از شما می‌خواهد مواظب خود باشید

یک ماشین از اجزای متعددی تشکیل شده است. ما اطلاعات اندکی از موتور و سایر اجزای آن داریم. آنچه ما می‌شناسیم، بیشتر در ارتباط با ظاهر ماشین است؛ می‌توانیم لاستیک آن را عوض کنیم و یا آن را بشوییم. اما قادر به تعمیر اساسی آن نیستیم. اگر با مشکل جدی روبرو شویم، چه خواهیم کرد؟ البته دعا خواهیم کرد که آن لحظه پیش نیاید، اما فکر می‌کنم در ابتدا کتابچهٔ تعمیر ماشین را تهیه کنیم. در آن کتاب اشخاصی که ماشین ما را ساخته‌اند، در ارتباط با قسمت‌های مختلف ماشین و کارکرد آنها به ما اطلاعاتی می‌دهند. گاهی نصایح آنها برای ما عجیب به‌نظر می‌آید ولی به هر شکل آنها را اجرا می‌کنیم چون آنها خیلی بهتر از ما، ماشین ما را می‌شناسند و بهترین روش تعمیر ماشین را می‌دانند.

انسان‌ها بسیار پیچیده‌تر از ماشین هستند. اشخاص می‌خواهند به بهترین شکل زندگی کنند با وجود این دربارهٔ افکار، عواطف و حتی اعمال فیزیکی خود اطلاعات بسیار کمی دارند. اما او که انسان‌ها را آفریده، بهتر از خود آنها، آنها را

می‌شناسد. او به ما تعالیمی داده تا خوب زندگی کنیم. گاهی تعالیم او نیز برای ما عجیب به‌نظر می‌آید، گویی دیگر این گفته‌ها قدیمی و نامعقول است. اما آیا او بهترین طریق را در ارتباط با ما که مخلوق او هستیم، نمی‌شناسد؟

به‌عنوان یک مسیحی می‌دانیم که خدا می‌داند چه چیزی برای ما نیکوست. در پیروزی‌ها و شکست‌های زندگی او بهترین را برای ما می‌خواهد. آنچه او گفته سبب احیای زندگی ما می‌گردد تا اشخاص بالغ و فهیمی گردیم و شخصیت ما به شخصیت خدا نزدیک شود. خدا از فرزندانش می‌خواهد که رشد کنند و برای رشد خود احساس مسئولیت کنند.

آنچه در این درس مطالعه خواهید کرد

– چهار طریقی که خدا از شما انتظار دارد در آنها رشد کنید
– اصول کتاب‌مقدس برای رشد
  راهنمایی‌هایی برای رشد جسمی
  راهنمایی‌هایی برای رشد فکری
  راهنمایی‌هایی برای رشد روحانی
  راهنمایی‌هایی برای رشد در روابط اجتماعی

این درس به شما کمک خواهد کرد تا:

- نسبت به رشد خود احساس مسئولیت کنید
- بفهمید در چه قسمت‌هایی باید رشد کنید

- اصولی را که کتاب‌مقدس برای رشد ارائه می‌دهد، درک کنید

چهار طریقی که خدا از شما انتظار دارد در آنها رشد کنید

کتاب‌مقدس در ارتباط با کودکی و جوانی عیسی مسیح اطلاعات کمی به ما می‌دهد. اما با یک آیه، پیامی جامع به ما می‌دهد: «عیسی در حکمت و قامت رشد می‌کرد و مورد پسند خدا و مردم بود» (لوقا ۵۲:۲).

عیسی مسیح در چهار بُعد مهم در زندگی، رشد می‌کرد. با کار و زحمت خود، از جنبهٔ فیزیکی یا جسمی رشد می‌کرد (قامت). با مطالعه و تفکر در بعد فکری رشد می‌کرد (حکمت). با دعا و گوش دادن به کلام از لحاظ روحانی بیدار بود (رضامندی نزد خدا). و با محبت و کمک به دیگران در روابط اجتماعی رشد می‌کرد (پسند مردم).

اگر او نسبت به رشد فیزیکی خود بی‌توجه می‌بود، نمی‌توانست از جایی به جای دیگر برای خدمت مداوم در حرکت باشد. اگر به دیگران محبت نداشت، نمی‌توانست دوست گناهکاران باشد و یا شاگردانش را محبت کند. اگر از لحاظ فکری آماده نبود، نمی‌توانست به‌خوبی دیگران را درک کند و آنها را با جواب‌های عجیب خود برکت دهد. حتی دشمنانش می‌دانستند

هرگز کسی مثل او سخن نگفته است (یوحنا ۴۶:۷). و اگر با خدا در مشارکت بسر نمی‌برد، نمی‌توانست ارادهٔ کامل خدا را درک کند.

اما عیسی همهٔ این کارها را انجام داد. او انسان کاملی بود. او قدوس بود. در بعضی از زبان‌ها از جمله انگلیسی، تقدس از کلمات کاملیت و سلامتی ریشه می‌گیرد. عیسی نیز کامل بود. پولس ما را تشویق می‌کند تا مثل او شویم: «تا ما همه به آن وحدتی که در ایمان و شناسایی فرزند خداست دست یابیم و مطابق آن میزان کاملی که در مسیح یافت می‌شود به انسانیت کامل برسیم ... ما باید در هر مورد در مسیح که سر است رشد کنیم» (افسسیان ۱۳:۴و۱۵).

۱- در دفترتان افسسیان ۱۳:۴و۱۵ را بنویسید و دعا کنید که خداوند آن را در زندگی‌تان پیاده کند.

۲- دعا کنید تا بدانید در کدام یک از جنبه‌های زندگی مسیحی مطابق لوقا ۵۲:۲ باید رشد کنید و در کدام جنبه هنوز رشد نکرده‌اید. لیستی از آنها تهیه کنید و هر روز دعا کنید و خدا را برای راه‌هایی که برای رشد در اختیارتان قرار داده شکر کنید.

اصول کتاب‌مقدس برای رشد

راهنمایی‌هایی برای رشد جسمی

خداوند به ما بدن شگفت‌انگیزی داده است. او آن را برای مقاصد خوبی خلق کرده است. کلام خدا می‌گوید بدن ما هیکل روح‌القدس است. بدن ما قسمتی از بدن مسیح است. پولس می‌گوید بدن‌های خود را برای جلال خدا بکار ببرید (اول قرنتیان ۶:۲۰). با مراقبت از بدن خود، ارادهٔ خدا را انجام داده‌ایم. در این ارتباط به دو اصل نظارت و خدمت برمی‌گردیم. همانطور که پولس رسول می‌گوید: خدا بدن ما را با احتیاجات خلق کرده است. اما برای رفع آنها نیز تدارک دیده است. بدن انسان برای شهوت‌رانی نامشروع ساخته نشده است بلکه برای خداوند است و خداوند برای احتیاجات بدن ما تدارک می‌بیند. برای مثال ازدواج یکی از تدارکات خدا برای رفع احتیاجات جنسی است (اول قرنتیان ۶:۱۳).

پولس از اشخاصی که برای تجرد خوانده نشده‌اند، می‌خواهد نیازهای جنسی شریک خود را برآورده سازند. گناهان جنسی بر علیه بدن ما می‌باشد (اول قرنتیان ۶:۱۸)، بر علیه بدنی که خدا می‌خواهد پاک و سالم باشد و برای خدمت او بکار رود. در ارتباط با خوردن و نوشیدن نیز باید مواظب باشیم که حد اعتدال را از دست ندهیم. خداوند ما عیسی روزه می‌گرفت و دعا می‌کرد، اما در ضمن با دوستانش غذا می‌خورد

و شادی می‌کرد (گرچه اغلب دشمنانش او را به‌خاطر این کار محکوم می‌کردند). کتاب رومیان باب چهاردهم به ما می‌گوید که خوردن یا نخوردن غذای خاصی، اهمیت ندارد: «زیرا پادشاهی خدا خوردن و نوشیدن نیست بلکه شامل نیکی و آرامش و خوشی در روح‌القدس است» (رومیان ۱۷:۱۴).

با چنین راهنمایی‌هایی می‌توان تشخیص داد که چه بخوریم و یا بنوشیم، می‌فهمیم که پرخوری گناه است چون به بدن ما آسیب می‌زند و به همین دلیل پولس علیه مستی و پرخوری صحبت می‌کند. برای مثال ما را نصیحت می‌کند که «مست شراب نشوید، زیرا شراب شما را بسوی کارهای زشت می‌کشاند بلکه از روح‌القدس پر شوید» (افسسیان ۱۸:۵).

ما با کنترل و حفظ سلامت بدن‌مان، خداوند را جلال می‌دهیم. بدنی که در اسارت الکل، مواد مخدر، سیگار و ... باشد خدا را شاد نمی‌کند. احترام به بدن‌مان به‌عنوان هیکل خدا، به‌وسیله یکی از ثمرات روح بدست می‌آید و آن پرهیزکاری است. توسط قدرت روح خدا می‌توانیم بدنی سالم و پاک داشته باشیم تا روح خدا بتواند در آن زندگی کند. بدن سالم بدنی فعال است و می‌تواند کار کند و کار کردن قسمتی از خواست و نقشهٔ خدا برای ماست. عیسی همیشه کارهای خوب انجام می‌داد. وقتی دیگران از او انتقاد می‌کردند، او به آنها می‌گفت که او کارهایی مثل کارهای پدرش انجام می‌دهد: «پدرم هنوز کار می‌کند و من هم کار می‌کنم» (یوحنا ۱۷:۵). کارهای فیزیکی برای سلامت شما مفید است. اگر

کار شما فیزیکی نیست، شما احتیاج به ورزش و تمرینات فیزیکی دارید. ورزش در بعضی موارد برای بدن مفید است (اول تیموتائوس ۸:۴). این کلمات را پولس می‌گوید که مثال‌هایی از ورزشکاران یا مشت‌زنان ارائه می‌دهد تا انضباط را توضیح دهد. دویدن، قدم زدن، دوچرخه‌سواری و یا کار در باغچه برای اشخاصی که باید پشت میز بنشینند، مفید است. پولس می‌گوید: «با کوشش خستگی‌ناپذیر و با شوق و ذوق، خدا را خدمت کنید» (رومیان ۱۱:۱۲).

اما خداوند در فکر استراحت و آرامش ما نیز می‌باشد. به‌یاد داشته باشید که او همیشه بهترین را برای زندگی ما می‌خواهد. او می‌داند که فقط کار کردن، ما را از بین می‌برد. یک بدن خسته به استراحت احتیاج دارد و خدا روزی را در خلقت خود به این منظور تعیین کرد یعنی روز هفتم را تا روز آرامی باشد. شب جزئی از خلقت او و برای استراحت بدن است. شبانان و مسیحیانی که به‌شدت کار می‌کنند، باید به‌یاد داشته باشند که خداوند روزی را برای آرامی تعیین کرده است. عیسی، خود نیز احتیاج به استراحت داشت و همینطور شاگردانش. یکبار گروه بسیاری پیش او آمدند. او و شاگردانش آنقدر مشغول بودند که فرصت غذا خوردن هم نداشتند، بعد از آن عیسی به آنها گفت: «خودتان تنها بیایید که بجای خلوتی برویم تا کمی استراحت کنید» (مرقس ۳۱:۶). اینجا عیسی با مردمی خسته و گرسنه روبرو بود. خدمت کردن به خدا مستلزم داشتن زمان‌های

استراحت و احیاء مجدد است. عیسی به همهٔ گرانباران می‌گوید: «ای تمامی زحمتکشان و گرانباران، نزد من بیایید و من به شما آرامی خواهم داد. یوغ مرا به گردن گیرید ... و جان‌های شما آرامی خواهد یافت» (متی ۱۱:۲۸-۲۹).

۳- عباراتی را که نشان می‌دهند چگونه می‌توانید بدنی سالم و قوی داشته باشید مشخص کنید:

a) کار سنگین بدنی بکنید
b) فرامین خدا را در ارتباط با مسائل جنسی حفظ کنید
c) همهٔ روز را بخوابید
d) تا آنجایی که می‌توانید غذا بخورید
e) فرصت‌هایی برای استراحت و ورزش داشته باشید
f) درآمد خود را صرف عیاشی کنید
g) نه زیاد غذا بخورید نه کم

۴- آیات مهم اول قرنتیان ۶:۱۹-۲۰ را در دفتر خود نوشته و حداقل سه راه بیان کنید که با کمک آنها می‌توانید هر روزه این آیه را در زندگی خود اجرا کنید:

«... علاوه بر این شما دیگر صاحب بدن خود نیستید زیرا با قیمت گزافی خریده شده‌اید پس بدن‌های خود را برای جلال خدا بکار ببرید.»

راهنمایی برای رشد فکری

واضح است که همه کارها و همینطور همهٔ خدماتی که برای خدا انجام می‌شود، فیزیکی نیست. ما خدا و انسان‌ها را با افکارمان نیز خدمت می‌کنیم و کار فکری می‌تواند مشکل باشد. یادگیری، تمرین مهیج و عجیبی است. کودکی را تصور کنید که از لحاظ فکری تنبل است. گرچه از سلامت فکری برخوردار است، اما نمی‌خواهد چیزی یاد بگیرد و به نصایح شما گوش نمی‌دهد و بجای رفتن به مدرسه در خانه می‌ماند. آیا شما از این مطلب شاد می‌شوید؟ مسلماً خیر. اگر بچهٔ شما مریض بود یا از سلامت فکری برخوردار نبود، می‌توانستید او را درک کنید. خداوند به شما محبت، صبر و ترحم بخشیده، اما اگر بچهٔ شما آزادانه می‌خواست تنبل و نادان باقی بماند، شما حق داشتید غمگین شوید.

بسیاری از فرزندان خدا از لحاظ فکری تنبل هستند. شما که این درس را می‌خوانید، اینگونه نیستید. اما بسیاری هستند که عیسی را به‌عنوان نجات‌دهنده پذیرفته‌اند و شاید هم به کلیسا می‌روند، اما مثل آن ناظری که از پول خود استفاده نکرد، آنان نیز از ثروتی که خداوند به آنها بخشیده، استفاده نمی‌کنند. آنان هرگز یاد نگرفته‌اند تا به صدای خدا گوش دهند. یاد نگرفته‌اند با خدا در دعا صحبت کنند. هیچ وقت کلام خدا را برای خودشان مطالعه نکرده‌اند. آنان هر چیزی را از دیگران، حتی اشتباه باور می‌کنند. به عبارتی، مثل آن بچه‌ای که در سطور بالا گفته شد، تنبل هستند. آیا

چنین اشخاصی را می‌شناسید؟ اگر چنین است پس باید به آنان کمک کنید، شما قوی هستید و آنان ضعیف. کلام خدا می‌گوید: «ما که در ایمان قوی هستیم وظیفه داریم که ناتوانی افراد ضعیف را تحمل کنیم» (رومیان ۱:۱۵-۲).

به آنان یاد دهید چگونه یک مسیحی می‌تواند از لحاظ فکری رشد کند. به این نکات توجه کنید:

۱) به آنان خواندن یاد دهید تا بتوانند کتاب‌مقدس و ادبیات مفید مسیحی را بخوانند. نگویید که در مدرسه یاد خواهند گرفت. این خدمتی به کلیساست، بخصوص برای اشخاص مسن.

۲) کمک کنید آنها دعا کنند، به آنها بگویید گفتن کلمات پیچیده و سخت در دعا لازم نیست بلکه با سادگی و شکرگزاری با خدا ارتباط داشتن مهم است (فیلیپیان ۶:۴).

۳) به آنها کمک کنید کتاب‌مقدس بخوانند. حقایقی را در ارتباط با کلام خدا برای آنها بیان کنید یعنی در ارتباط با عیسی و پادشاهی او. آنها را با کتاب‌مقدس تنها نگذارید بلکه کمک کنید بفهمند چگونه از کلام خدا برکت گرفته تا فهیم شوند.

با مطالعه و درک کلام خدا شما فهیم‌تر خواهید شد. نویسندهٔ مزمور از خودش می‌پرسد که چگونه می‌تواند زندگی پاک و شادی داشته باشد. و سپس خودش جواب می‌دهد با تفکر در وصایای خدا: «در وصایای تو تفکر می‌کنم و به طریق‌های تو نگران خواهم بود، از فرایض تو لذت می‌برم، پس کلام تو را فراموش نخواهم کرد» (مزمور ۱۵:۱۱۹-۱۶).

نویسندۀ مزمور، فردی شاعر و متفکر بود. او افکار خدا را در قالب زبانی زیبا بیان می‌کرد. او این عطا را از خدا داشت که کلمات را چگونه بکار ببرد و این استعداد را پرورش داده بود. او هنر و استعداد ساختن اشعاری را که قومش، آنها را دوست داشتند، دارا بود.

خلاقیت یک جنبه از کار فکر است. خداوند خالق ماست و او ما را طوری آفریده که ما نیز خلاق باشیم. مسیحیانی که می‌خواهند مثل پدرشان باشند باید این خلاقیت را در کارها و زندگی خود نشان دهند. وقتی که موسی می‌خواست خیمه مقدس را درست کند، خداوند به او اشخاصی با استعدادهای خاص بخشید تا بتوانند موسی را یاری کنند. در مورد یکی از آنها می‌خوانیم: «و او را به روح خدا از حکمت و فطانت و علم و هر هنری پر ساخت» (خروج ۳۱:۳۵).

توانایی قصه گفتن، خوب حرف زدن، شعر ساختن، سرود خواندن، نقاشی کردن، طراحی‌های مختلف، کار روی چوب و سنگ، بازی در تئاتر، بیان کتاب‌مقدس به‌طرز خیلی ساده، همگی هدیۀ روح خداست. این هدایا به ما داده شده تا آنها را برای جلال جدا بکار ببریم و باعث برکت کلیسا شویم.

شما از چه هدایایی برخوردار هستید؟ آیا می‌توانید سرودها و اشعاری بخوانید که مردم آنها را دوست داشته باشند؟ یا می‌توانید خوب بنوازید؟ در هر صورت باید از خدا بخواهید در شما استعداد انجام کارها را تقویت کند و به سختی تمرین کنید

تا چه با سرودها و چه با نواختن باعث جلال او شوید. باید فرهنگ محیط خود را بررسی کنید و بفهمید با چه اشعار و سرودهایی می‌توانید بهتر با آنها ارتباط برقرار کنید. گفتهٔ پطرس را به‌خاطر داشته باشید: «به عنوان کسی که برکات گوناگون خدا را یافته است، استعدادها و عطایای خود را برای خیریت دیگران به کار ببرید» (اول پطرس ۱۰:۴).

۵- عباراتی که نشان می‌دهند، چگونه می‌توان در فکر کردن، رشد کرده و حکیم شد را مشخص کنید:

a) همیشه هر چیزی به شما گویند را باور کنید

b) کلام خدا را بخوانید

c) کتاب‌های مفید بخوانید

d) هیچ وقت سؤال نکنید

e) درس‌های ICI را بگذرانید

f) به سخنان مسیحیان باتجربه گوش دهید

g) هیچ وقت درباره عقایدتان بحث نکنید

۶- این هفته فرصت‌هایی برای دعا داشته باشید تا بتوانید بفهمید که خدا چه استعداد یا استعدادهایی در شما قرار داده، آنها را یادداشت کنید و مختصر بنویسید چگونه می‌توانید آنها را برای خیریت دیگران به کار ببرید.

راهنمایی‌هایی برای رشد روحانی

کلام خدا می‌گوید، هنگامی که عیسی کودک بود «لطف خدا با او بود» (لوقا ۲:۴۰). خداوند در تمام مراحل رشد همراه او بود و از او راضی بود. در هنگام تعمیدش صدایی از آسمان گفت «تو پسر عزیز من هستی از تو خشنودم» (لوقا ۳:۲۲). عیسی نه فقط از لحاظ فکری و فیزیکی قوی می‌گشت، بلکه قادر بود راه‌های خدا را نیز بشناسد. او می‌دانست که فرزند خداست، پس باید کاری بکند که پدرش از او راضی باشد و آماده بود تا فرامین او را اجرا کند. به همین دلیل خدا از او راضی بود. وقتی دشمنانش از او پرسیدند تو کیستی؟ عیسی پاسخ داد، یک روز خواهید فهمید و اضافه کرد: «وقتی شما پسر انسان را از زمین بلند کردید، آن وقت خواهید دانست که من او هستم و از خود کاری نمی‌کنم، بلکه همان طور که پدر به من تعلیم داده است، سخن می‌گویم. فرستندهٔ من با من است، پدر مرا تنها نگذاشته است زیرا من همیشه آنچه او را خوشنود می‌سازد به‌عمل می‌آورم» (یوحنا ۸:۲۸–۲۹).

سخنان و اعمال او تماماً خواست خدا بود. و برای همین همیشه مطمئن بود که خدا با اوست و او را کمک می‌کند. حتی در لحظات مشکل نیز یاد گرفته بود خواست خدا را انجام دهد. دعای او را در باغ جتسیمانی به‌یاد آورید، «نه به ارادهٔ من، بلکه به ارادهٔ تو» (متی ۲۶:۳۹).

اگر می‌خواهیم لطف خدا بر ما نیز باشد باید چنین دعایی بکنیم تا راه‌های خدا را بفهمیم (اصول و قواعد کلام را) و آنها را عملاً اجرا کنیم و ارادهٔ خاص او را برای زندگی‌مان درک کرده، مطابق آن زندگی کنیم. در درس سوم، چهار طریقی که توسط آنها می‌توانستید خواست خدا را درک کنید، یاد گرفتید. آیا آنها را به‌خاطر دارید؟ وجدان پاک و تقدیس‌شده، کلام خدا، الگوی ما عیسی مسیح و هدایت روح‌القدس. وقتی می‌خواهیم خواست خدا را در زندگی‌مان اجرا کنیم، این عوامل به ما کمک می‌کنند.

با وجدان پاک، هدایت روح، مطالعهٔ کلام که در آن زندگی و تعالیم عیسی مسیح نوشته شده، می‌توان ارادهٔ او را درک کرد. مطالعه شخصی کلام برای رشد مسیحی، امری اساسی است. یهودیان بیریه که پولس به آنها بشارت داده بود، نمونهٔ خوبی برای ما هستند «آنها با اشتیاق کامل به پیام پولس و سیلاس گوش می‌دادند و هر روز کتاب‌مقدس را مطالعه می‌کردند تا ببینند آیا آن سخنان با کتب سازگار است یا نه. بنابراین بسیاری از آنان ایمان آوردند» (اعمال ۱۷:۱۱–۱۲).

به آنچه این مردم صادق انجام می‌دادند، توجه کنید. آنها هر روز با تفکر کلام را می‌خواندند، مطالعهٔ آنها استمرار داشت یعنی مطالعهٔ آنها باهدف بود و در نهایت ایمان آوردند یعنی در نتیجه درک، مشتاقانه کلام را باور کردند. برای رشد روحانی، باید هر روز کلام را بخوانیم و ارادهٔ خدا را در آن جستجو کنیم و سپس آن را اجرا

کنیم. علاوه بر مطالعه شخصی کلام خدا، مسیحیان هدیهٔ دیگری نیز از طرف خدا دارند و آن شبانان و معلمان هستند. این اشخاص از طریق درک عمیق کلام و تجربه زیاد در یادگیری و بکارگیری کلام، می‌توانند درک صحیحی را به ایمانداران منتقل کنند. آنها پیام خدا را برای ایمانداران بیان می‌کنند و باعث تقویت بدن مسیح می‌شوند (افسسیان ۴:۱۱–۱۶).

اشخاصی که در روز پنطیکاست به عیسی مسیح ایمان آوردند فهمیدند که به تعالیم برادران بزرگ خود در ایمان، نیاز دارند. آنها همیشه وقت خود را با شنیدن تعالیم رسولان و مشارکت برادرانه و پاره کردن نان و دعا می‌گذرانیدند (اعمال ۲:۴۲).

این اشخاص تعالیمی را از رسولان یاد می‌گرفتند که خود رسولان آن تعالیم را مستقیماً از عیسی مسیح آموخته بودند و پر از روح‌القدس شده بودند. امروز نیز مسیحیان به معلمین و شبانانی احتیاج دارند که کلام خدا را خوب دانسته و پر از روح‌القدس باشند. کلام خدا می‌گوید: «از رهبران خود اطاعت و پیروی کنید» (عبرانیان ۱۳:۱۷) و «نسبت به آنها شکرگزار باشید» (غلاطیان ۶:۶).

اما تنها معلمین نیستند که در کلیسا تعلیم می‌دهند، زیرا کلیسا از تمامی ایمانداران تشکیل شده و هر عضوی شاهد مسیح است و می‌تواند با زندگی و کلام خود دیگران را تشویق به پیروی از مسیح کند و خود نمونهٔ زنده‌ای برای تعلیم دیگران باشد. پولس ما را چنین نصیحت می‌کند. «اجازه دهید که پیام مسیح با تمام

ثروتمندیش سرتاسر وجود شما را فرا گیرد. یکدیگر را با نهایت خردمندی تعلیم و پند دهید...» (کولسیان ۱۶:۳).

وقتی مسیحیان با هم جمع می‌شوند، آنجا کلام خدا را به یکدیگر می‌گویند و در بارهٔ راه‌های خدا با هم تبادل نظر می‌کنند. در کلام خدا نمونهٔ جالبی از این امر را می‌بینیم. مردی یهودی بود به‌نام آپولس که کتاب‌مقدس را می‌دانست و حقایق زندگی عیسی را به درستی تعلیم می‌داد. ولی به‌نظر می‌رسید که پر از روح خدا نبود. برای همین آکیلا و پرسکله او را به خانهٔ خود بردند و طریق الهی را با تفصیل بیشتری برایش شرح دادند (اعمال ۲۶:۱۸). سپس خدمت آپولس در نتیجه این مشارکت با آکیلا و پرسکله دگرگون شد. نکته مهم در این باره فروتنی آپولس می‌باشد. او روحی تعلیم‌پذیر داشت. او تعالیم را از دیگران می‌پذیرفت گرچه ناطقی فصیح و به کتاب‌مقدس وارد بود. اگر روحی تعلیم‌پذیر نداشته باشیم و مطیع نباشیم، نه از خدا چیزی خواهیم آموخت و نه از معلمین خود. باید مشتاقانه و با فروتنی راه‌های خدا را جستجو کنیم.

مثال کتابچهٔ تعمیر ماشین را به‌یاد آورید. چقدر باید من نادان باشم اگر از دستورات آن اطاعت نکنم و این دقیقاً در ارتباط با کلام خدا نیز صادق است. برای رشد کردن در فیض و لطف او و خشنود کردن او، باید تمام آنچه را که او در کلامش گفته، اطاعت کنیم، همانگونه که عیسی مسیح، خداوند ما عمل می‌کرد و این را بدانیم هر اندازه هم که رشد کرده باشیم، باز

جای رشد باقی است! «دیگر این که ای برادران، شما از ما آموخته‌اید که چگونه باید زندگی کنید تا خدا را خشنود سازید و شما هم البته از آن پیروی می‌کنید. اکنون به نام عیسی خداوند از شما استدعا و التماس می‌کنم که بیش از بیش مطابق آن زندگی کنید (اول تسالونیکیان ۱:۴).

۷- عباراتی را که با اجرای آنها می‌توانیم در فیض و لطف خدا رشد کنیم، مشخص کنید:

a) دعا برای اینکه روح خدا ما را هدایت کند

b) مطالعهٔ شخصی کلام خدا

c) گوش کردن به شکایت‌ها

d) مطالعهٔ کلام خدا، و در عین حال فکر کردن به چیزی دیگر

e) استفاده از تجربیات دیگران

f) شک کردن به اصول کلام و راه‌های خدا

g) مطالعهٔ روزانه کلام خدا

h) گوش دادن به تعالیم صحیح

۸) اگر تاکنون کلام خدا را مرتب و با نظم نخوانده‌اید، با عزمی راسخ از همین لحظه شروع کنید. برنامهٔ مطالعهٔ خود را تنظیم کرده، زمانی را تعیین کنید که هر روز کلام خدا را با دعا و تفکر بخوانید. کتاب‌هایی را که از کتاب‌مقدس می‌خواهید مطالعه کنید، بنویسید. خیلی از مسیحیان با مطالعهٔ منظم

قسمت‌های مختلف از عهدجدید، مزامیر و عهدعتیق بسیار برکت یافته‌اند. در این مورد با برادر بزرگتری از خود در کلیسا یا شبان مشورت کنید.

راهنمایی‌هایی برای رشد در روابط اجتماعی

عیسی انسانی شبیه انسان‌های دیگر بود. مادران، بچه‌های خود را نزد او می‌آوردند تا بر آنها دست بگذارد (مرقس ۱۳:۱۰). اشخاص خانه و زندگی خود را ترک می‌کردند تا از او پیروی کنند. عیسی دشمنان بسیاری داشت ولی نه به این علت که او تندخو یا ظالم و یا مغرور و شریر بود، بلکه به این علت که آنها نقشه‌ای را که خدا برای آنان داشت، رد می‌کردند (لوقا ۳۰:۷) و عیسی را به‌عنوان رفیق باجگیران و خطاکاران محکوم می‌کردند (لوقا ۳۴:۷).

مسیحیان اولیه مثل آقای خود بودند به مریضان و فقرا توجه داشتند. با قلوبی شاد و فروتن با هم غذا می‌خوردند، و خدا را حمد می‌کردند و مورد احترام همهٔ مردم بودند (اعمال۲:۴۶–۴۷).

آیا ما نیز چنین زندگی می‌کنیم که مورد احترام خدا و مردم باشیم؟ به‌نظر می‌رسد پولس خلاف این مطلب را می‌گوید «آیا این سخن می‌رساند که من رضایت آدمیان را می‌خواهم؟ خیر من فقط رضایت خدا را می‌خواهم و آیا قصدم خشنود ساختن مردم است؟ اگر تاکنون قصدم این بود، خادم مسیح نمی‌بودم» (غلاطیان ۱۰:۱).

اما اینجا او دربارهٔ تعلیم انجیل سخن می‌گوید. او می‌خواهد بگوید که کلام را مطابق خواهش‌های انسان گناهکار ننوشته بلکه کلام خدا را بیان کرده است. کاری که ما هم نمی‌توانیم انجام دهیم. ما نمی‌توانیم اعتقادات خود و رفتار خود را فقط برای اینکه مورد پسند دیگران باشیم، تغییر دهیم. خیر، در ابتدا باید خدا را خدمت کنیم و به‌خاطر اطاعت از خدا، مطیع قوانین انسان‌ها باشیم. همانطور که پطرس می‌گوید: «ارادهٔ خدا این است که شما با اعمال نیک خود جلوی سخنان جاهلانه مردمان احمق را بگیرید» (اول پطرس ۱۵:۲).

ما با کارهای خوب، شاهدی از محبت خدا برای سایر مردم هستیم. پولس از رفتار افراد کلیسای تسالونیکی نسبت به یکدیگر راضی بود و آنها را تشویق می‌کند بیشتر نسبت به یکدیگر محبت داشته باشند: «آرزوی‌تان این باشد که زندگی آرامی داشته باشید و در کار دیگران فضولی نکنید و همانطور که قبلاً به شما دستور دادیم برای تأمین معاش خود کار کنید تا زندگی شما تأثیری نیکو در بی‌ایمانان بگذارد و برای تأمین خود محتاج دیگران نباشید» (اول تسالونیکیان ۱۱:۴–۱۲).

ما مورد لطف و احترام دیگران قرار می‌گیریم به شرط آنکه به آرامی و به‌خوبی کار کنیم، زیرا در آن صورت نه مسئله‌ای ایجاد خواهیم کرد و نه باری بر دیگران هستیم. رفتار ما باید دیگران را جذب کند. پولس می‌گوید: «در مناسبات خود با افراد غیر مسیحی رفتار عاقلانه داشته باشید و گفتار شما پیوسته

پسندیده باشد» (کولسیان ۵:۴-۶). پولس تیطس را امر می‌کند تا تعلیم دهد که مسیحیان باید فروتن و آرام باشند: «به آنها بگو که از هیچ‌کس بدگویی نکنند و از مجادله دوری جسته و ملایم و آرام باشند با تمام مردم کاملاً مؤدب باشند» (تیطس ۲:۳).

پولس زندگی گذشته مسیحیان را به‌یاد آنها می‌آورد و می‌گوید دیگران از ما نفرت داشتند و ما از آنها متنفر بودیم (تیطس ۳:۳). گرچه ممکن است حتی با نشان دادن احترام و محبت کردن، دیگران بدون دلیل مسیح را رد کنند، ولی باید دانست ما کارهای خوب را در وهلهٔ اول به‌خاطر خدا انجام می‌دهیم نه به‌خاطر مردم، چه بپذیرند چه نپذیرند. پطرس می‌گوید: «بلکه چنان در میان مردم خداناشناس با راستی و درستی زندگی کنید که اگر چه در حال حاضر شما را متهم به بدکاری می‌کنند با دیدن اعمال نیک شما خدا را در روز بازپسین تمجید نمایند» (اول پطرس ۱۲:۲).

۹- اول تسالونیکیان ۱۱:۴-۱۲ را بنویسید و آن را حفظ کنید. دعا کنید تا این آیه در زندگی شما تحقق پیدا کند.

۱۰- لیستی تهیه کنید از اینکه چرا باید با حکمت و عاقلانه و با احترام نسبت به غیر مسیحیان رفتار کنید.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۶- جواب خودتان

۱- جواب خودتان

۷- a، b، e، g، h

۲- جواب خودتان

۸- جواب خودتان

۳- a، b، e، g

۹- جواب خودتان

۴- جواب خودتان

۱۰- تا شاهد خوبی برای مسیح باشیم
تا در لطف و فیض خدا به‌خاطر محبتمان رشد کنیم
تا با رفتارمان، آنها را جذب کنیم

۵- b، c، e، f

درس هفتم

خدا از شما می‌خواهد مراقب کلیسا باشید

کلیسا بدن مسیح است و عیسی سر کلیساست. ما مسیحیان عضو یک بدن هستیم. پولس رسول این مطلب را در اول قرنتیان باب دوازدهم به خوبی بیان می‌کند و نشان می‌دهد وجود هر عضو چقدر برای حیات بدن مهم است و چگونه مشکل یک عضو سایر اعضا را نیز در آن مشکل سهیم می‌کند و شادی و نیروی آن عضو باعث تقویت اعضای دیگر می‌شود.

من خودم این مطلب را تجربه کرده‌ام، یک روز بعد از اینکه با پسرم فوتبال بازی کردم، احساس کردم پاهایم خسته شده است. بعد فکرم معطوف این مسئله شد که چگونه این مشکل را حل کنم؛ کفش‌هایم را کندم و پایم را شستم؛ گویی تمام بدنم آرامش یافت. مثال فوق می‌تواند این واقعیت را که تمام اعضا در ارتباط با یکدیگر هستند، به خوبی توضیح دهد.

کلیسا همچنین خانواده خداست. آیا درس اول را به‌یاد دارید؟ در آنجا بحث کردیم که ما فرزندان خدا هستیم. اعضای یک خانواده در فکر احتیاجات یکدیگر هستند و می‌توانند نیازهای یکدیگر را برآورده سازند. آنها با هم شادی می‌کنند، با

یکدیگر کار می‌کنند و در غم و شادی یکدیگر سهیم هستند. هر چه دارند، با هم تقسیم می‌کنند، غذا، پول، مشکلات و حتی رنج و غم را. گاهی علیرغم عشق زیادی که نسبت به یکدیگر دارند، با هم دعوا می‌کنند ولی اغلب باز به هم می‌پیوندند و حاضرند از یکدیگر در مقابل خطرات دفاع کنند.

فرمان محبت، مهم‌ترین اصل در خانوادهٔ خدا می‌باشد. در این درس خواهیم دید که فرمان محبت چگونه می‌تواند در کلیسا باعث برکت باشد و باید آن را در اصول نظارت و خدمت بکار بست.

آنچه در این درس مطالعه خواهید کرد

- اتحاد در خانوادهٔ خدا
- خدمت در خانوادهٔ خدا
- نظارت در خانوادهٔ خدا

این درس به شما کمک خواهد کرد تا:

- اهمیت اتحاد در خانوادهٔ الهی را درک کنید
- درک کنید، چگونه می‌توان عملاً به بدن مسیح خدمت کرد
- دریابید که چگونه می‌توانید ناظری حکیم نسبت به دارایی‌ها و هدایای خود در جهت منفعت کلیسا باشید

اتحاد در خانوادهٔ خدا

قبل از جانبازی عیسی بر صلیب، او برای آنهایی که بعدها به او ایمان می‌آورند دعا کرد، دعایی کوتاه ولی بامعنا «تا همه آنان یکی باشند» (یوحنا ۲۱:۱۷).

اتحاد نشانهٔ رشد روحانی کلیساست. گاهی عده‌ای از سلول‌های بدن بر علیه سایر سلول‌ها عمل می‌کنند. آنها سریعاً رشد کرده و باعث مرگ شخص می‌شوند. به این بیماری وحشتناک سرطان می‌گوییم. در کلیسا نیز جدایی، باعث مرگ می‌شود. این موضوعی است که پولس در ارتباط با کلیسای قرنتس با آن درگیر بود. قرنتیان یگانگی بدن را درک نکرده بودند و در خطر نابودی بسر می‌بردند. آنچه آنها نیاز داشتند، محبتی بود که تفرقه‌ها را از میان ببرد (اول قرنتیان ۱۳). کتاب یعقوب به یکی دیگر از علل جدایی در بدن اشاره می‌کند و آن تبعیض و ظاهربینی است. یعقوب می‌دید که ایمانداران بر اساس ظاهر اشخاص آنها را طبقه‌بندی می‌کردند و چنین عملی برخلاف فرمان محبت بود.

«اگر شما قانون شاهانه‌ای را که در کلام خداست و می‌فرماید همسایه خود را مثل نفس خود محبت کنید، بجا آورید، کاری نیکو کرده‌اید. اما اگر بین اشخاص از روی ظاهر آنها تبعیض قائل شوید، مرتکب گناه شده‌اید» (یعقوب ۲:‏۸–۹).

مسیحیان نباید بر اساس ثروت، تحصیلات، یا نژاد یکدیگر را طبقه‌بندی کنند. آیا اگر برادر شما فقیر است یا سواد ندارد یا

از چهره‌اش خوش‌تان نمی‌آید، لیاقت برادری را ندارد؟ در خانوادهٔ خدا نباید چنین باشد. در حقیقت در خانوادهٔ خدا همهٔ ارزش‌ها و استانداردهای حاکم بر جهان رد می‌شود. پولس رسول می‌گوید: «آیا کسی در میان شما هست که تصور می‌کند با معیارهای این جهان خردمند است، او باید ابله شود تا واقعاً خردمند گردد» (اول قرنتیان ۱۸:۳).

عیسی مسیح به شاگردان عصبانی خود گفت: «هر که می‌خواهد در بین شما بزرگ باشد، باید خادم همه گردد» (متی ۲۶:۲۰). او همچنین گفت: «هر کس فقط در فکر زندگی خود باشد آن را از دست خواهد داد، ولی کسی که به‌خاطر من زندگی خود را از دست بدهد زندگی او در امان خواهد بود» (متی ۳۹:۱۰).

پدر یک خانواده غمگین خواهد شد اگر ببیند یکی از بچه‌ها فکر می‌کند از دیگران بالاتر است. از آنجایی که ما به خانواده الهی از طریق فیض وارد می‌شویم، دیگر جایی برای فخر کردن وجود ندارد (افسسیان ۹:۲). همچنین تأسف‌آور خواهد بود اگر یکی از بچه‌های خانواده همه چیز را برای خود بخواهد و چیزی را با دیگری قسمت نکند. پدر، فرزندی خودخواه یا تنبل نمی‌خواهد. فخرفروشی، خودخواهی و تنبلی ارزش‌های این جهان هستند. اما در کلیسا اصل خدمت با فروتنی و سهیم ساختن دیگران در برکات ملاک است و این عوامل سبب یگانگی و اتحاد کلیسا می‌گردد. «آیا در اتحاد با مسیح دلگرم هستید؟ آیا محبت، محرک اصلی زندگی شماست؟ آیا با

روح‌القدس محبت دارید؟ و آیا احساس مهر و شفقت در بین شما وجود دارد؟ پس تقاضا می‌کنم خوشی مرا به کمال رسانید و با هم توافق فکری، محبت دوجانبه و هدف مشترک داشته باشید. هیچ عملی را از روی هم‌چشمی و خودخواهی انجام ندهید بلکه با فروتنی دیگران را از خود بهتر بدانید. به نفع دیگران فکر کنید و تنها در فکر خود نباشید» (فیلیپیان ۲:۱-۴).

۱- فیلیپیان ۲:۱-۴ را بنویسید. دور کلماتی که شخصیت یک مسیحی را نشان می‌دهند، دایره بکشید. همینطور زیر کلماتی که تفکر یک شخص بی‌ایمان را مشخص می‌کنند، خط بکشید و برای هر دو دعا کنید تا صفات یک مسیحی در شما تقویت گردد. آیا می‌توانید در این هفته صفات یاد شده مسیحی را در زندگی خود اجرا کنید.

خدمت در خانواده خدا

به‌عنوان بدن مسیح و اعضای خانوادهٔ خدا، تعلیم می‌یابیم که با یکدیگر در تفاهم زندگی کنیم و چون هنوز کامل نشده‌ایم، گاهی مشکلاتی در کلیسا پیش می‌آید و به سادگی باعث تفرقه و عدم اتحاد می‌شود. این مشکلات را در کتاب اعمال رسولان رسالات قرنتیان و یا فیلیپیان ۴:۲ مشاهده می‌کنیم. کتاب‌مقدس به‌وضوح بیان می‌کند که زندگی با تفاهم بر اساس معیارهای دنیا

چقدر مشکل است. ایمانداران نصیحت شده‌اند که یکدیگر را واقعاً دوست بدارند.

«محبت شما صمیمی باشد ... یکدیگر را با محبت برادرانه دوست بدارید و هر کس به دیگری بیشتر از خود احترام نماید» (رومیان ۹:۱۲–۱۰). احترام یکی از راه‌های نشان دادن محبت است. اغلب جوانان در نشان دادن احترام نسبت به اشخاص مسن و برادران بزرگتر مسیحی خود، کوتاهی می‌کنند و این کاری اشتباه است (اول تیموتائوس ۱:۵). از طرف دیگر پولس به تیموتائوس می‌گوید: «اشخاص مسن هم باید به تو احترام بگذارند، گرچه جوان هستی» (اول تیموتائوس ۱۲:۴). احترام به دیگران نشان‌دهنده طرز فکر ماست و محبت باید خود را در عمل نشان دهد، «از انجام نیکوکاری خسته نشویم زیرا اگر دست از کار نکشیم در وقت مناسب، محصول خود را درو خواهیم کرد، پس تا آنجا که فرصت داریم به همه نیکی کنیم مخصوصاً به کسانی که در ایمان با ما اعضای یک خانواده هستند» (غلاطیان ۹:۶–۱۰).

چگونه می‌توانیم کاری خوب انجام دهیم؟ نخست باید نفع برادر خود را در نظر بگیریم نه نفع خود را (اول قرنتیان ۲۴:۱۰). این مطلب بخصوص برای برادران ضعیف ما در ایمان، یا برادران جدید ما در ایمان، صدق می‌کند. نباید کاری کنیم که به ایمان آنها ضربه‌ای وارد شود. باید حتی در مواقعی که گذشت از نفع شخصی، خوشایند نیست، آن را انجام دهیم.

«ما که در ایمان قوی هستیم وظیفه داریم که ناتوانی افراد ضعیف را تحمل کنیم و در فکر راحتی خود نباشیم بلکه به‌خاطر خیریت و تقویت اطرافیان خود در فکر راحتی آنها باشیم» (رومیان ۱۵:۱–۲).

پولس در باب پانزدهم رسالهٔ رومیان می‌گوید که ارتباط با دیگر مسیحیان، نیازمند بردباری (آیه ۵) و تحمل و پذیرش یکدیگر (آیه ۷) است، همانطور که مسیح آن را نشان داد (آیه ۸).

برای نیکویی کردن باید احتیاج اشخاص را درک کنیم. آیا شخصی در کلیسا هست که مریض است؟ یا بیکار است و احتیاج مادی دارد؟ این وظیفه ماست که احتیاجات را بفهمیم و در حد توان خود برای رفع آنها تلاش کنیم. «چنانکه شایستهٔ برادران در مسیح است یکدیگر را دوست بدارید. همیشه مهمان‌نواز باشید زیرا بعضی‌ها با چنین کاری بی‌آنکه خود بدانند از فرشتگان پذیرایی کردند. زندانیان را چنانکه گویی خود با ایشان هم‌زندان هستید به‌خاطر داشته باشید و ستم‌دیدگان را فراموش نکنید چون شما هم مثل آنها ستم دیده‌اید» (عبرانیان ۱۳:۱–۳).

در اینجا فرمان کلی محبت را خیلی واضح درک می‌کنیم. به‌خاطر داشته باشید که مهمان‌نواز باشید، به‌خاطر داشته باشید که زندانیان را ملاقات کنید، به رنج‌دیدگان کمک کنید. عیسی گفت در داوری نهایی اشخاص براساس اعمال نیک و بد خود داوری خواهند شد. محبت کردن و شفقت داشتن به یک برادر،

مثل محبت کردن به خود خداست. «بدانید آنچه به یکی از کوچکترین برادران من کردید به من کردید» (متی ۴۰:۲۵).

گاهی مسیحیان آنقدر با فعالیت‌های روحانی درگیر می‌شوند که از یاد می‌برند که باید ایمان خود را در عمل نشان دهند. این پیغام یعقوب بود وقتی می‌خواست روحانیت واقعی را توصیف کند: «دیانت پاک و بی‌آلایش در برابر خدای پدر این است که وقتی یتیمان و بیوه‌زنان دچار مصیبت می‌شوند از آنها توجه کنیم و خود را از فساد جهان دور نگه داریم» (یعقوب ۲۷:۱).

در مسیحیان اولیه ما روحانیتی واقعی می‌بینیم، روحانیتی که خود را در اتحاد و محبتی واقعی و عملی نشان می‌داد. وقتی احتیاجی می‌دیدند همه برای رفع آن اقدام می‌کردند، درست مثل خود عیسی مسیح که نسبت به رفع احتیاجات بی‌تفاوت نبود. این امر باید هدف ما در خانوادهٔ الهی باشد.

«همهٔ مومنان از دل و جان متحد شده بودند و هیچ کس دارایی خود را از آن خود نمی‌دانست بلکه همه در اموال یکدیگر شریک بودند» (اعمال رسولان ۳۲:۴).

۲- عبارات صحیحی را که نشان‌دهنده خدمت کردن در بدن مسیح است، مشخص کنید:

a) انتقاد از شبان وقتی به من خوب توجه ندارد

b) کمک به بیوه‌زنان

c) کمک به یک ایماندار جدید تا کلام خد را بهتر درک کند

d) کمک به خانواده‌های مسیحی وقتی که در مشکل هستند
e) مسخره کردن برادری که لباس مندرس دارد
f) دعوت از اشخاص گمنام در کلیسا به منزل خود
g) کمک کردن به برادر مسیحی ثروتمند تا او نیز در عوض برای شما کاری انجام دهد

۳- در درس اول، از شما خواسته شد تا در مورد برادران مسیحی، در اجتماع اطراف خود فکر کنید. و ذکر شد که شاید شما قسمتی از جواب خدا به آن احتیاجات باشید. تا حالا شما باید قادر باشید که مشکلات آنها را سریع‌تر دیده و آمادگی بیشتری جهت رفع آنها داشته باشید. در دفترچهٔ خود اسم پنج نفر مسیحی را که قادر به کمک آنها هستید، یادداشت کنید و سپس هر چه را که برای آنها انجام دادید، در پایان بنویسید.

نظارت در خانواده خدا

مسیحیان اولیه محبت و اتحاد خود را از طریق شریک کردن همدیگر در آنچه داشتند، نشان می‌دادند. آنها با سهیم کردن دیگران در اموال خود، نشان می‌دادند که ناظری مسئول هستند. وقتی کلیسای انطاکیه فهمید که برادران مقیم در یهودیه در مشکل مالی قرار دارند، به آنها کمک کردند (اعمال ۱۱:۲۹). شاید پولس این واقعه را در نظر داشت که گفت: «در رفع احتیاجات مقدسین شرکت نمایید و همیشه مهمان‌نواز باشید»

(رومیان ۱۳:۱۲). مهمان‌نوازی، مثل سهیم کردن دیگران در آنچه داریم، دربرگیرنده هر دو اصل خدمت و نظارت است. زیرا با انجام دادن آن به دیگران کمک می‌کنیم و از دارایی خود به خوبی برای انجام این کمک، استفاده می‌کنیم. آنچه را که در درس پنجم در ارتباط با نظارت گفته شد، به‌یاد آورید. همهٔ آنچه داریم وامی از خداست تا آن را برای جلال خدا و نیکویی کردن به دیگران بکار ببریم. به همین شکل باید با پول خود به امر تبشیر انجیل کمک کنیم. یوحنای رسول به دوستش قایوس می‌نویسد: با اشخاصی که در انتشار انجیل کار می‌کنند، همکاری کند حتی اگر آنها غریبه باشند: «پس ما مسیحیان موظفیم با پذیرایی از چنین اشخاص در انتشار حقیقت همکاری کنیم» (سوم یوحنا ۸).

با پشتیبانی از اشخاصی که کاری را برای خدا انجام می‌دهند، ما در کار سهیم شده و وارد خدمت می‌شویم. چنین اعانه‌ای پسندیدهٔ خداست، مثل لبخند شیرینی که به خداوند تقدیم می‌گردد (فیلیپیان ۱۸:۴).

ما می‌توانیم شخصاً در خدمت به کلیسا سهیم باشیم. شاید شما وقت و انرژی خود را صرف بشارت انجیل می‌کنید و یا به دیگران در کلیسا کمک می‌کنید. این عالی است! خدا از ما می‌خواهد تا تمام توان خود را بکار گیریم تا او را خدمت کنیم. اما شاید شما احتیاج به راهنمایی دارید که چگونه به بهترین شکل در کلیسا خدمت کنید یا عاقلانه از آنچه خدا به شما

بخشیده استفاده کنید. این مسئله‌ای بود که ایمانداران شهر قرنتس دربارهٔ عطایای روحانی داشتند. آنها غیرت داشتند ولی آگاه نبودند. آنها فکر می‌کردند همه باید یک نوع عطا داشته باشند. پولس به آنها یادآوری می‌کند که آنها بدن مسیح هستند و بدن اعضای متفاوت با کارکردهای مختلف دارد. او شماری از این عطایا را نام می‌برد و از قرنتیان می‌خواهد که این عطایا را با محبت و برای کمک به دیگران به کار ببندند (اول قرنتیان ۱:۱۴ و ۴).

هدف تمام عطایایی که خدا بخشیده، بنای کلیساست تا مسیحیان بیشتر شبیه عیسی مسیح گردند (اول قرنتیان ۱۲:۱۴). بعضی از این عطایا برای خدمات جلسات کلیسایی است، یعنی برای پرستش و بیان پیغام خدا. ولی همه برای این هستند که باعث تقویت و بنای کلیسا گردند (اول قرنتیان ۲۶:۱۴). سایر عطایا که کمتر به چشم می‌آیند، به همان ضرورت عطایای دیگر هستند: خدمت، تعلیم، اعانات، سازماندهی و سخاوت (رومیان ۶:۱۲–۸).

«همانطور که در یک بدن اعضای مختلف هست و تمام اعضا یک وظیفه ندارند، ما نیز اگر چه بسیاریم در اتحاد با مسیح همهٔ ما یک بدن را تشکیل می‌دهیم و فرداً فرد نسبت به هم اعضای یکدیگریم» (رومیان ۴:۱۲–۵).

«بنابراین، ما باید عطایای مختلفی را که خدا بر طبق فیض خود به ما داده است بکار ببریم. اگر عطیه ما اعلام کلام

خداست، باید آن را به فراخور ایمانی که داریم، انجام دهیم» (رومیان ۶:۱۲).

به‌عنوان ناظرینی که هدایایی از خدا دریافت داشته‌اند، باید سه کار انجام دهیم: اول باید دعا کنیم و از برادران بزرگتر در ایمان بخواهیم که به ما کمک کنند تا عطایایی را که خدا به ما داده است، تشخیص دهیم. دوم باید آنها را بکار ببریم و خواهان دیگر عطایا باشیم که آنها را در محبت بکار ببریم (اول قرنتیان ۳۱:۱۲). و سوم باید دیگر مسیحیان را تشویق کنیم تا چنین کنند و ناظرینی امین بر هدایای خدا باشند، همانگونه که برنابا پولس را کمک کرد تا پولس عطای تعلیم خود را بکار گیرد (اعمال ۲۵:۱۱–۲۶).

به‌یاد داشته باشید که این خود عیسی مسیح است که به ما این استعدادها را می‌بخشد، چه استعدادهای طبیعی و چه استعدادهای روحانی و همانطور که افسسیان ۷:۴–۱۶ می‌گوید او این هدایا را برای خدمت کردن بهتر به او و بنای کلیسا به ما می‌دهد: «به ارادهٔ او همهٔ اعضای مختلف بدن به‌وسیله مفاصلی که برای آنها فراهم شده، مربوط و پیوند می‌شوند پس وقتی هر یک از اعضای بدن به‌طور جداگانه مرتب کار کند تمام بدن رشد می‌کند و خود را در محبت بنا می‌کند» (افسسیان ۱۶:۴).

۴- عبارت صحیح را که نظارت خوب مسیحی را در کلیسا نشان می‌دهد را مشخص کنید:

a) خواندن سرودی که خداوند به شما داده

b) دعوت از مسیحیان به خانهٔ خود

c) آماده بودن برای اینکه خدا شما را برای خدمت به کلیسا بکار گیرد

d) سعی کنید تنها شخصی باشید که در کلیسا دعا می‌کند و یا به زبان‌ها صحبت می‌کند

e) با دعا و پشتیبانی همه‌جانبه، خدمات دیگران را یاری دهید

f) به دیگران اجازه دهید تا آنچه را که از کلام خدا درک کرده‌اند، بیان کنند

۵- در تنهایی و یا با یک مسیحی بالغ دعا کنید تا عطای خود را که خدا به شما بخشیده، بفهمید. در دفتر خود حداقل یک عطا را که دارید، بنویسید و راه‌هایی را پیدا کنید که از طریق بکارگیری آن عطا بتوانید باعث برکت کلیسا شوید. می‌توانید از شبان‌تان بخواهید که شما را راهنمایی کند چگونه عطای خود را بهتر بکار گیرید.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۳- جواب خودتان

۱- کلماتی که باید دور آنها دایره کشید: مهربانی، احساس مهر و شفقت، توافق فکری، محبت دوجانبه و هدف مشترک، فروتنی، دیگران را بهتر از خود دانستن، به نفع دیگران فکر کردن

کلماتی که باید زیر آنها خط کشید خودخواهی، هم‌چشمی و یا حسادت، در فکر خود بودن

۴- a، b، c، e، f

۲- b، c، d، f

۵- جواب خودتان

درس هشتم

خدا شما را می‌فرستد تا به جهان خدمت کنید

اگر از دوست‌تان پولی قرض کنید که قادر به پرداخت آن نباشید، چه خواهید کرد؟ وقتی که ما در آفریقا زندگی می‌کردیم، برای دادن قرض، راه حل ساده‌ای وجود داشت. یک کیسه نمک در ازای قرضی که داشتیم کافی بود چون در آن زمان پیدا کردن نمک مشکل بود و مردم به آن بسیار نیاز داشتند، از این رو آن را در قبال طلب خود با شادمانی قبول می‌کردند.

نمک در زندگی ما نقش مهمی دارد؛ نمک مانع فاسد شدن غذا می‌شود. حتی برای درمان بیماری‌هایی مثل گلودرد بکار می‌رود. گاه برای شستشوی زخم‌ها از آن استفاده می‌شود که البته استفاده از آن توأم با درد است. نمک در ضمن چاشنی غذاست و مزهٔ غذا را بهتر می‌کند. عیسی فرمود که نمک نیکوست (لوقا ۳۴:۱۴). او همچنین به کسانی که به او ایمان آوردند گفت: «شما نمک جهانید» (متی ۱۳:۵). و به شاگردانش هشدار داد که خاصیت نمک بودن خود را از دست ندهند.

ولی براستی این تمثیل چه معنایی دارد؟ منظور عیسی این بود که شاگردانش در وهلهٔ اول باید متفاوت از دیگران باشند.

همانطور که هر شخص نمک را با مزه کردن تشخیص می‌دهد، مسیحیان نیز باید با زندگی خاص و متفاوت خود شناخته شوند. از جهت دیگر عیسی می‌خواست مأموریت مسیحیان را به آنها بگوید تا مثل نمک که غذا را از آلودگی دور نگه می‌دارد، مسیحیان نیز باعث پاکی و حفظ سلامت جامعهٔ خود باشند. دنیا به نور ما، نمک ما و پیام ما احتیاج دارد. ما باید همان باشیم که خدا به ما گفته است. باید زندگی ما نشان‌دهنده فیض و عدالت خدا باشد تا جهان خداوند را شناخته و نجات یابد.

آنچه در این درس مطالعه خواهید کرد

– نمک حفظ می‌کند: نشان دادن محبت خدا
– نمک پاک می‌کند: نشان دادن عدالت خدا
– نمک طعم می‌بخشد: انتشار پیغام خدا

این درس به شما کمک خواهد کرد تا:

- تأثیر زندگی مسیحی خود را بر محیط پیرامون‌تان درک کنید
- خدماتی را که می‌توانید برای جامعهٔ خود انجام دهید، کشف کنید

نمک حفظ می‌کند: نشان دادن محبت خدا

«ای عزیزان، ما باید یکدیگر را دوست بداریم زیرا دوستی و محبت از جانب خداست. هر که محبت دارد فرزند خداست و

خدا را می‌شناسد. اما آن که محبت ندارد از خدا کاملاً بی‌خبر است زیرا خدا محبت است» (اول یوحنا ۴:۷–۸). شکی نیست که اولین عدالت یک فرزند خدا محبت اوست. در درس قبلی اهمیت محبت به برادران را درک کردیم که سبب اتحاد، بنای کلیسا و منشأ کارهای خوب می‌باشد. محبت یک مسیحی فقط در حرف نخواهد بود بلکه در عمل اجرا خواهد شد (اول یوحنا ۳:۱۸). و چنین محبتی، تأثیری وسیع خواهد داشت. عیسی مسیح این مطلب را می‌دانست وقتی به شاگردانش گفت که «یکدیگر را دوست بدارید چنانکه من شما را دوست داشتم».

«اگر نسبت به یکدیگر محبت داشته باشید، همه خواهند فهمید که شاگردان من هستید» (یوحنا ۱۳:۳۵). می‌دانیم که محبت برای ادامهٔ حیات لازم است و دنیای امروز ما فاقد محبت واقعی است. وقتی مردم اشخاصی را ببینند که خالصانه و صادقانه یکدیگر را دوست دارند و برای همدیگر فکر می‌کنند، تعجب خواهند کرد. یکی از رهبران کلیسا می‌گوید: «اگر امروز مسیحیان واقعاً یکدیگر را مطابق آنچه کتاب‌مقدس می‌گوید، دوست داشته باشند، مردم به کلیساها سرازیر می‌شوند». یکی از نویسندگان مسیحی می‌گوید: «کلیسا باید طوری عمل کند که کمبود محبت جهان در آن رفع گردد». عیسی نیز گفت جهان وقتی ببیند که مسیحیان در محبت به یکدیگر یکدل شده‌اند، ایمان خواهد آورد: «تا همه آنان یکی باشند آنچنانکه تو ای پدر در من هستی و من در تو و آنان نیز

در ما یکی باشند تا جهان ایمان بیاورد که تو مرا فرستادی» (یوحنا ۲۱:۱۷).

محبتی که خدا در دل‌های ما قرار داده، فقط برای مسیحیان نیست. خدا جهان را دوست دارد، ما نیز باید مردم را دوست داشته باشیم. محبت ما نمکی برای آنهاست. پولس ایمانداران را تشویق می‌کند در این محبت رشد کنند: «و خداوند عطا فرماید که طبق میزان محبتی که ما برای شما داریم محبت شما برای یکدیگر و همهٔ مردم افزایش و گسترش یابد» (اول تسالونیکیان ۱۲:۳).

فرامین بزرگ خدا این است که در وهلهٔ اول خداوند را دوست داشته باشیم و بعد همسایه‌مان را مثل خودمان محبت کنیم. وقتی یکی از معلمان شریعت از عیسی پرسید همسایه من کیست، عیسی داستان سامری نیکو را به او گفت. این داستان بیان می‌کند که همسایه ما هر کسی است که ما می‌بینیم. در ضمن محبت ما به او باید واقعی باشد. چگونه می‌توانیم همسایه‌مان را محبت کنیم؟ باید همان محبتی را که به مسیحیان داریم به آنها نیز داشته باشیم. نباید خودمان را از آنها جدا کنیم. باید مشکلات آنها را درک کنیم و به فکر آنها باشیم. کلام خدا می‌گوید: «او ما را در تمام سختی‌ها و زحمت‌های ما آسودگی بخشید تا ما بتوانیم با استفاده از همان آسایشی که خدا به ما عطا فرمود کسانی را که به انواع سختی‌ها گرفتار هستند آسودگی بخشیم» (دوم قرنتیان ۴:۱).

عیسی می‌توانست درک کند درد یک گرسنه چیست. وقتی یک جماعت گرسنه را دید، دلش برای آنها سوخت و آنها را غذا داد (متی ۳۲:۱۵-۳۸). ما نیز باید گرسنگان را غذا دهیم و به آنها یاد دهیم کار کنند تا محتاج غذا نباشند. چون خدا ما را بخشیده، نباید فکر کنیم از دیگران برتر هستیم و خود را مقدس‌تر از دیگران بدانیم. عیسی خود را دوست گناهکاران می‌نامید. وقتی او زکی باجگیر را دید او را محکوم نکرد و همین محبت عیسی باعث دگرگونی زکی شد چون عیسی خود را از او جدا نکرد.

«زیرا خدا پسر خود را به جهان نفرستاد که جهانیان را محکوم نماید بلکه تا آنان را نجات بخشد» (یوحنا ۱۷:۳).

به‌عنوان یک مسیحی، شما نیز به جهان فرستاده می‌شوید تا به فقرا کمک کنید، به محتاجان وقت دهید، دلشکستگان را تسلی دهید، به مریضان کمک کنید، گمشده را بجویید و نجات بخشید (یوحنا ۱۸:۱۷).

۱- اول تسالونیکیان ۱۲:۳ را نوشته و حفظ کنید و آن را جزو دعای روزانه خود کنید.

۲- بعد از دعای بالا به محیط پیرامون خود فکر کنید. آیا شخصی را می‌شناسید که درگیر مشکلی باشد؟ آیا کسی را می‌شناسید که لباس ندارد، غذا ندارد، دوستی ندارد یا نیاز دیگری دارد؟ لیستی از این اشخاص تهیه کنید و فکر کنید چه کاری برای آنها می‌توانید انجام دهید؟

نمک پاک می‌کند: نشان دادن عدالت خدا

جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم دنیای پر از بی‌عدالتی و ظلم است. نتیجتاً مردم از عدالت خدا بی‌خبر هستند. فرزندان خدا، کار خدا را در جهان مثل عیسی ادامه می‌دهند. یکی دیگر از ابعاد شخصیت خدا علاوه بر محبت، عدالت می‌باشد به این معنا که جامعه از بی‌عدالتی پاک شود، درست مثل تأثیر نمک که مانع فساد غذا می‌گردد. طرز فکر و انگیزه‌های مردم ناشی از خودخواهی، غرور، تنبلی و پول‌دوستی است. ما نیز قبلاً چنان بودیم، ولی حالا انگیزه‌ها و طرز فکر ما پاک شده و مقاصد جدیدی را در زندگی دنبال می‌کنیم.

«دزد از دزدی دست بردارد و به عوض آن با دست‌های خود، با آبرومندی کار کند تا چیزی داشته باشد که به نیازمندان بدهد. یک کلمهٔ زشت از دهانتان خارج نشود بلکه گفتار شما به موقع، خوب و سودمند باشد تا در نتیجه آن به شنوندگان فیض برسد» (افسسیان ۲۸:۴–۲۹).

ما در زندگی‌مان باید ثمرات روح را نشان دهیم (غلاطیان ۲۲:۵). رفتار ما باید با رفتار مردم دیگر فرق کلی داشته باشد (اول پطرس ۱۲:۲). ما باید صادق، فعال و درستکار باشیم و همینطور مشتاق باشیم همین صفات را در جامعهٔ خود نیز مشاهده کنیم. وقتی عیسی در معبد تاجران را دید که به خرید و فروش اشتغال دارند، همهٔ آنها را بیرون راند (متی ۱۲:۲۱–۱۳).

عیسی مشتاق عدالت و راستی بود و از ریاکاری و دروغ متنفر بود و به همین دلیل با ریاکاری مذهبی فریسیان به شدت مخالفت می‌کرد و آنها را مقبره‌های سفیدشده می‌نامید که ظاهری زیبا دارند اما داخل آنها پر از استخوان‌های مردگان و انواع کثافات است. آنها واقعاً مردگانی ریاکار و پر از شرارت بودند (متی ۲۳:۲۷–۲۸). خداوند مخالف دروغ و ریاست. او نیرنگ حنانیا و سفیره را نبخشید (اعمال ۵:۱–۱۱). آنها سعی کردند دربارهٔ پول تقدیمی به خدا دروغ بگویند، اما روح خدا پطرس را از این فریب آگاه کرد و خداوند هر دوی آنها را از بین برد. دروغ، تمسخر کردن خداست و باعث شرم کلیسا می‌باشد. خداوند ناراستی را تنبیه می‌کند؛ او در داوری خود نسبت به دشمنان مسیح قاطع است. آیا ماجرای آن جادوگر علیما نام را در کتاب اعمال رسولان به‌یاد دارید که با پولس و برنابا مخالفت می‌کرد؟ (اعمال ۱۳:۶–۱۲). او سعی می‌کرد جلوی بشارت انجیل را بگیرد ولی خداوند او را تنبیه کرد و تا مدتی کور شد. خداوند همیشه آنچنان مستقیم عمل نمی‌کند اما از ما انتظار دارد که در اصلاح جامعهٔ خود کوشا باشیم.

خداوند قدوس از بی‌عدالتی نفرت دارد. در عهدعتیق خداوند بارها قومش را به‌خاطر عدم توجه به حقوق فقیران سرزنش کرد. «نیکوکاری را بیاموزید و انصاف را بطلبید، مظلومان را رهایی دهید، یتیمان را دادرسی کنید و بیوه‌زنان را حمایت کنید» (اشعیا ۱:۱۷). او مرتباً قومش را تعلیم می‌داد که چگونه زندگی کنند.

«و این است کارهایی که باید بکنید: با یکدیگر راست گویید و در دروازه‌های خود انصاف و داوری سلامتی را اجرا دارید و در دل‌های خود برای یکدیگر بدی میندیشید و قسم دروغ را دوست مدارید زیرا خداوند می‌گوید از همهٔ این کارها نفرت دارم» (زکریا ۸:۱۶–۱۷).

یک مسیحی، مسئول زندگی خود است تا نمونهٔ خوبی برای دیگران باشد. او باید همانطور که در درس دوم گفته شد، مقدس باشد زیرا پدر او قدوس است و تا آنجایی که برایش امکان دارد باید در جامعه خود نشان‌دهنده راستی و عدالت باشد. و اگر بیشتر مایلید وظایف یک مسیحی را در قبال جامعه‌اش بدانید درسی مجزا به همین نام وجود دارد که می‌تواند برای شما مفید باشد.

۳– عباراتی را که نشان‌دهنده عمل درست یک مسیحی است مشخص کنید:

a) وقتی مغازه‌داری بقیه پول شما را بیش از حد به شما می‌دهد آن را به او برگردانید

b) وقتی بیش از اندازه‌ای که کار کردید پول دریافت کردید به رئیس‌تان حقیقت امر را بگویید

c) منکر اشتباهی شدید که آن را مرتکب شده بودید

d) کارهای خوب را برای خودنمایی انجام دهید

e) به شخصی که دیگران او را دوست ندارند، محبت کنید

۴- لیستی از راه‌هایی تعیین کنید که توسط آنها بتوانید دوستان خود را محبت کنید

نمک طعم می‌بخشد: انتشار پیغام خدا

حیرت‌آور است وقتی فکر می‌کنیم که خداوند به ما احتیاج دارد. نقشهٔ او این است که مردم خبر خوش نجات در عیسی مسیح را از طریق ما بشنوند! ما که فرزندان خدا هستیم نمک جهانیم و به‌یاد داشته باشید که نمک نه تنها مانع از فساد می‌شود و پاک می‌کند بلکه به غذا طعم می‌بخشد. آنچه که تحت تأثیر نمک قرار می‌گیرد مزهٔ آن را به خود می‌گیرد. ارادهٔ خدا نیز این است که مردم در برخورد با مسیحیان نمکین شوند و همان تأثیر را داشته باشند. پولس رسول از یک استعارهٔ دیگر استفاده می‌کند و آن عطر است. عطر از گل‌های خوش‌بو ساخته می‌شود و بوی آن سریعاً به جاهای دیگر منتشر می‌شود. وقتی کسی وارد آن محیط می‌شود سریعاً متوجه رایحه تازه‌ای می‌گردد. ممکن است از آن خوشش بیاید یا نیاید ولی مهم این است که می‌فهمد آنجا بوی تازه‌ای وجود دارد. پولس در ارتباط با مسیحیان نیز چنین می‌گوید: «اما خدایی را که ما را به‌وسیله اتحاد با مسیح در صف پیروزمندان قرار داده و هدایت‌مان می‌کند شکر می‌کنیم. مثل عطر خوش‌بوی در همه جا پخش می‌شویم تا بوی خوش معرفت الهی را به همه برسانیم زیرا ما مانند بخور خوش‌بویی هستیم که مسیح به خدا تقدیم می‌کند و

بوی خوش آن هم بین آنانی که نجات می‌یابند و هم چنین آنانی که هلاک می‌گردند پخش می‌گردد» (دوم قرنتیان ۱۴:۲–۱۵).

درس‌های بسیاری می‌توانیم از این آیات یاد بگیریم. توجه کنید این نقشه خداست که جهان اینگونه نجات یابد نه نقشه ما، مثل خادمین خدا (گرچه فرزندان هم هستیم) وظیفه داریم دستورات او را اطاعت کنیم و با دیگران درباره عیسی صحبت کنیم.

آنچه را که مسیح قبل از صعودش گفت، بیاد آورید: «پس بروید و همهٔ ملت‌ها را شاگرد من بسازید و آنها را به نام پدر و پسر و روح‌القدس تعمید دهید و تعلیم دهید که همهٔ چیزهایی را که به شما گفتم انجام دهند و بدانید که من هر روزه تا انقضای عالم با شما هستم» (متی ۱۹:۲۸–۲۰).

دستور رفتن و شاگرد ساختن، تعلیم دربارهٔ مسیح و اخلاق مسیحی با وعده‌ای عالی همراه است: « من هر روزه تا انقضای عالم با شما هستم». و این ثابت می‌کند که خداوند از ما استفاده می‌کند و ما تنها نیستیم. لازم نیست بر توانایی و یا حکمت خود متکی باشیم. ما دوست وفاداری داریم به‌نام روح‌القدس که به ما کمک می‌کند. خداوند وعدهٔ دیگری نیز به شاگردانش داد: «اما وقتی روح‌القدس بر شما نازل شود قدرت خواهید یافت و در اورشلیم و تمام یهودیه و سامره و تا دورافتاده‌ترین نقاط عالم شاهدان من خواهید بود» (اعمال رسولان ۸:۱). و هر چه بیشتر از روح خدا پر شویم، نسبت به هدایت‌های او حساس‌تر خواهیم بود. او به ما در هنگام صحبت

با مردم کمک می‌کند و به ما حکمت می‌بخشد تا بفهمیم چه روشی بهترین طریق برای صحبت کردن است تا نیاز اشخاص رفع گردد. لزومی ندارد که ما عصبی و مضطرب باشیم، این کار روح خداست نه ما که دیگران را متقاعد سازد که عیسی راه نجات است (یوحنا ۱۶:۸–۱۱).

پس کار ما چیست؟ این است که اجازه دهیم خدا از ما استفاده کند یعنی شاهد باشیم. شاهد کسی است که مطلبی را شخصاً تجربه کرده و آن را به دیگران می‌گوید. شاگردان مسیح شاهد بودند که عیسی از مرگ قیام کرده است (اعمال ۱۵:۳). هر جا می‌رفتند می‌گفتند که شخصاً عیسی را قیام کرده دیده‌اند و سپس معنای قیام مسیح را شرح می‌دادند و می‌گفتند او واقعاً پسر خداست که برای گناهان بشر مرد و اگر کسی به او ایمان آورد، گناهانش بخشیده می‌شود و فرزند خدا می‌گردد. زندگی و کارهای با محبت و صادقانه شما شهادتی به دنیای ماست. اما اینها به تنهایی کافی نیست. اینها شهادتی خاموش است. نمک برای حفاظت و پاکی بکار می‌رود ولی اگر مزه نداشته باشد، واقعاً نمک نیست. عیسی گفت اگر نمک مزهٔ خود را از دست بدهد بی‌ارزش می‌شود (متی ۱۳:۵). حتی زندگی خوب ما کافی نیست، اگر مردم ندانند چگونه می‌توانند خوب شوند. ما باید با مردم دربارهٔ مسیح صحبت کنیم. پطرس و یوحنا مرد لنگی را در جلوی در بزرگ معبد که به دروازهٔ زیبا معروف بود، شفا دادند (باب سوم اعمال رسولان). وقتی مردم این واقعه را دیدند،

بسیار تعجب کردند. اما پطرس آنها را بی‌خبر نگذاشت و به آنها توضیح داد: «قدرت نام عیسی این شخص را که می‌بینید و می‌شناسید نیرو بخشیده است» (اعمال رسولان ۱۶:۳).

خود پطرس ایمانداران دیگر را نصیحت می‌کند تا رفتاری شایسته داشته باشند: «اما ترس مسیح در دل‌های شما باشد و او را خداوند خود بدانید و اگر کسی علت امید شما را می‌پرسد، همیشه آماده جواب باشید البته با ملایمت و احترام» (اول پطرس ۱۵:۳-۱۶).

توجه داشته باشید که شهادت ما باید حکیمانه باشد و با ملایمت همراه باشد، نه با محکوم کردن دیگران، بلکه توأم با احترام بدون برتربینی.

و در نهایت پس از بشارت کلام، منتظر نتیجه آن خواهیم بود. پولس می‌گوید که عطر ما هم بین ناجیان و هم بین هالکان منتشر می‌گردد (دوم قرنتیان ۱۵:۲). و این مطلب به ما اطمینان می‌بخشد که ما مسئول مسیحی کردن مردم نیستیم. شما نمی‌توانید آنها را به زور وارد ملکوت خدا کنید. شما تنها می‌توانید مثل سفیر خدا عمل کنید. می‌توانید دیگران را ترغیب کرده به آنها نشان دهید که خدا چقدر نیکوست. اما هر شخص می‌تواند انتخاب کند که پیام مصالحه با خدا را بپذیرد یا رد کند.

«پس ما سفیرانی از جانب مسیح هستیم و گویی خدا به‌وسیله ما شما را می‌خواند. پس ما به‌عنوان سفیران مسیح از شما التماس می‌کنیم با خدا مصالحه کنید. مسیح کاملاً بی‌گناه

بود ولی خدا به‌خاطر ما او را بی‌گناه نشناخت تا ما به‌وسیله اتحاد با او مانند خود خدا کاملاً نیک شویم» (دوم قرنتیان ۵:۲۰-۲۱).

خدا را شکر. شما دوست خدا هستید. خدا را شکر که شما در عدالت خدا سهیم شده‌اید. خدا را شکر که خداوند از شما استفاده می‌کند تا کلامش را بشارت دهید. و خدا را شکر که زندگی تازهٔ شما در مسیح در عمل در طرز فکر و اعمال شما دیده می‌شود.

۵- عباراتی را که نشان‌دهنده یک شاهد خوب است، مشخص کنید:

a) من به دیگران چیزی دربارهٔ عیسی نخواهم گفت آنها از اعمالم خواهند فهمید که من مسیحی هستم

b) من در هنگام شهادت به کمک روح خدا احتیاج دارم

c) من آنقدر با یک شخص دربارهٔ مسیح صحبت می‌کنم تا سرانجام تسلیم شود

d) من می‌توانم به دیگران بگویم عیسی برای من چه کارهایی کرده و همینطور در زندگی دیگران چه تغییراتی ایجاد کرده است

e) صحبت کردن دربارهٔ زندگی عیسی مسیح و همینطور روش زندگی یک مسیحی با هم در تضاد نیستند

۶- دعا کنید تا روح خدا شما را هدایت کند با شخصی دربارهٔ عیسی مسیح صحبت کنید و از او بخواهید به شما کمک کند تا بهتر دربارهٔ عیسی شهادت دهید. برای این شخص قبل از آنکه با او صحبت کنید چند روز دعا کنید و وقتی عیسی را به‌عنوان نجات‌دهنده پذیرفت از او بخواهید کلام خدا را بخواند و کتاب‌های مفید را در اختیار او قرار دهید.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۳- a، b، e

۱- جواب خودتان

۴- جواب‌های شما ممکن است متفاوت باشد اما چند راه را می‌توان ذکر کرد:

دوست همسایه‌تان باشید

به شخص محتاج و درمانده کمک کنید

به مردم محبت و احترام خود را نشان دهید

۲- جواب خودتان

۵- b، d، e

خاتمه

این کتاب توسط اشخاصی که شما را دوست دارند و در مورد شما فکر می‌کنند، نوشته شده است. آنها اشخاص خوشبختی هستند که برای بسیاری از مسائل و مشکلاتی که امروز دنیای ما را گرفتار خود کرده، جواب پیدا کرده‌اند. و می‌خواهند در پاسخگویی به سؤالات زندگی خودمان، به ما کمک کنند.

این کتاب برای دادن اطلاعات بیشتر به شما، تهیه شده و بر پایه حقایق زیر نوشته شده است:

۱) شما به نجات‌دهنده احتیاج دارید (رومیان ۲۳:۳ و حزقیال ۲۰:۱۸ را بخوانید).

۲) شما نمی‌توانید خودتان را نجات دهید (اول تیموتائوس ۵:۲ و یوحنا ۶:۱۴ را بخوانید).

۳) آرزوی خداوند نجات جهان است (یوحنا ۱۶:۳–۱۷ را بخوانید).

۴) خدا پسرش عیسی مسیح را فرستاد تا با فدا کردن جان خود، همهٔ اشخاصی را که به او ایمان آورند، نجات بخشد (غلاطیان ۴:۴–۵ و اول پطرس ۱۸:۳ را بخوانید).

۵) کلام خدا راه نجات را به ما نشان می‌دهد و به ما می‌گوید چگونه در زندگی مسیحی رشد کنیم (یوحنا ۵:۱۵ و ۱۰:۱۰ و دوم پطرس ۱۸:۳ را بخوانید).

۶) تصمیم شما تعیین‌کنندهٔ سرنوشت ابدی شماست (لوقا ۱۳:۱-۵ ؛ متی ۳۲:۱۰-۳۳ و یوحنا ۳۵:۳-۳۶ را بخوانید).

این کتاب به شما کمک می‌کند تا در مورد آینده‌تان تصمیم بگیرید. پس با جدیت تصمیم خود را گرفته، به خدا آن را اعلام نمایید. خدا شما را برکت دهد.

اخلاقیات کتاب‌مقدس

آزمون نهایی

دستورالعمل‌ها

سؤالات آزمون نهایی در دو بخش تهیه شده است؛ سؤالات بخش اول مربوط به درس‌های ۱ تا ۴ و سؤالات بخش دوم مربوط به درس‌های ۵ تا ۸ می‌شود.

پس از جواب دادن به سؤالات پاسخنامه را برای ما ارسال دارید تا آن را اصلاح کرده، به شما عودت دهیم.

برای‌تان آرزوی موفقیت می‌کنیم

بخش اول

سؤالات دروس ۱-۴

در تمامی سؤالات دقت کنید که شماره پاسخ با شماره سؤال یکی باشد.

سؤالات صحیح یا غلط

جملات زیر یا صحیح هستند و یا غلط. اگر جمله صحیح است، حرف a) و اگر جمله غلط است حرف b) را سیاه کنید.

۱- خداوند شما را همانطور که هستید آفریده است

۲- شخص باید به عیسی مسیح ایمان آورد و او را در قلب خود بپذیرد تا فرزند خدا گردد

۳- وقتی شما مسیحی می‌شوید احساس تنهایی خواهید کرد

۴- آنچه انجام می‌دهید، نتیجه آن چیزیست که هستید

۵- طرز فکر ما نسبت به مردم قابل تغییر نیست

۶- به‌عنوان یک مسیحی ما حق داریم به دیگران به‌خاطر روش زندگی غلط‌شان اعتراض کنیم

۷- کتاب‌مقدس شامل تعالیمی برای زندگی صحیح است

سؤالات چند جوابی

هر یک از سؤالات زیر تنها یک پاسخ صحیح دارند. پاسخی را که به نظرتان صحیح می‌رسد، انتخاب کنید و در برگ پاسخ به سؤالات، حرفی را که مربوط به همان سؤال است، سیاه کنید.

۸- زندگی با اعمال نیکو یعنی ......

a) تنها کمک کردن به بی‌کسان

b) نیکویی کردن در همه چیز

c) به استعدادهای خود فخر کردن

۹- یک تعریف از اخلاق این است که ....

a) از آنچه پدر زمینی شما انجام می‌دهد تقلید کنید

b) تنها حفظ ظاهر کنید

c) طرز فکر درست و اعمال صحیح را در زندگیتان دنبال کنید

۱۰- سفیر مسیح کیست؟

a) شخصی که نماینده ملکوت خدا در زمین است

b) شخص ثروتمندی که مسیح را نمی‌شناسد اما فرد خوبی است

۱۱- خدا شخصیتش را از طریق زیر آشکار می‌کند:

a) افکارش را به انسان دیکته می‌کند

b) منتظر می‌ماند تا کسی درباره او صحبت کند

c) پسرش، عیسی مسیح را فرستاد تا بین مردم زندگی کند

۱۲- منعکس کردن جلال خدا یعنی چه؟

a) دیدن درخشش خورشید بر یک دریاچه

b) نشان دادن طرز فکری مشابه خدا و اعمالی مشابه او به دیگران

c) دقت کنیم تا خدا را در شخصی، بیابیم

۱۳- وجدان ما خوب است زیرا......

a) ما را کامل می‌کند

b) به ما کمک می‌کند تا آنچه خدا می‌خواهد، انجام دهیم

c) کمک می‌کند تعادل خود را روی دوچرخه حفظ کنیم

۱۴- اساس زندگی تازه در عیسی از طریق چیست؟

a) انجام دادن کارهای خوب

b) استفاده از تعالیم کلام خدا

c) دیدن اعمال دیگران

۱۵- منظور پولس چه بود وقتی گفت به من اقتدا کنید همانطور که من به مسیح اقتدا می‌کنم؟

a) منظورش این بود که دیگران بهتر است به اعمال او توجه کنند و طرز فکر او را سرمشق قرار دهند تا در نهایت کامل شوند

b) منظورش این بود که طرز فکر و اعمال او می‌توانند نمونه‌ای برای دیگران باشد چون نمونهٔ خودش مسیح بود

۱۶- خدا آرزو دارد که مردم اینطور زندگی کنند:

a) در صلح و هماهنگی با یکدیگر و با احترام به قوانین

b) تنها بر اساس قوانین زیرا قوانین سبب ایجاد اخلاق نیکوست

۱۷- با قوت خود هیچ کس قادر به انجام شریعت خدا نیست بنابراین ما احتیاج داریم که.............

a) تنها از بعضی از قوانین پیروی کنیم زیرا دارای طبیعت انسان ضعیفی هستیم

b) به مسیح اعتماد کنیم که به ما کمک کند مطیع باشیم

۱۸- شریعت مسیح به این نام شناخته شده:

a) شریعت محبت

b) ده فرمان

c) داوری نزدیک است

۱۹- منظور عیسی چه بود وقتی گفت همسایه خود را چون نفس خود محبت کن؟

a) بهترین را برای زندگی دیگران خواستن همانگونه که برای خود خواهانیم

b) شما باید ببینید که همسایه‌تان همانقدر دارایی دارد که شما دارید

بخش دوم

سؤالات دروس ۵-۸

در تمامی سؤالات دقت کنید که شمارهٔ پاسخ با شمارهٔ سؤال یکی باشد.

سؤالات صحیح یا غلط

جملات زیر یا صحیح هستند یا غلط. اگر جمله صحیح است مورد a) و اگر جمله غلط است مورد b) را سیاه کنید.

۱- در هنگام روبرو شدن با مشکلات، کلام خدا نمی‌تواند هیچ کمکی به ما بکند.

۲- اگر چیزی مرا خوشحال کند و احساس خوبی به من دهد، بهتر است آن را انجام دهم.

۳- عیسی انسانی بود سالم، کامل و مقدس.

۴- رشد کردن در فیض و لطف خدا از طریق این دعاست که خواست و ارادهٔ خدا انجام شود نه خواست ما.

۵- اعضای خانوادهٔ خدا باید اهمیت زیادی برای اصل محبت قائل باشند.

۶- همیشه خودت را بهتر از دیگران ببین.

۷- زندگی شما در مسیح باید در طرز فکر و اعمال شما، دیده شود.

سؤالات چند جوابی

هریک از سؤالات زیر یک پاسخ صحیح دارند. آن جوابی را که به‌نظرتان صحیح می‌رسد انتخاب کنید. در برگ پاسخنامه به سؤالات، آن شماره‌ای را که مربوط به همان سؤال است، سیاه کنید.

۸- داستان سه خادم در کلام خدا (متی ۲۵) چه اصلی را به ما نشان می‌دهد؟

a) بعضی از مردم بیشتر از دیگران مشکلات دارند

b) آنچه را که خداوند به ما داده است، باید در راه درست بکار برد

c) داستان‌های کلام خدا جالب هستند

۹- هنگامی که عیسی طبیعت غلام را گرفت، او.........

a) انسانی شد تا به انسان‌ها خدمت کند، نه اینکه مثل یک پادشاه قدرتمند بر آنها فرمانروایی کند

b) در ساختن جهان به خدا کمک کرد

۱۰- شریعت و فرمان محبت دارای مظاهر مختلفی است از قبیل...........

a) خودخواهی، غرور و تنفر

b) تنبلی، ناراحتی و نزاع

c) بخشش، صلح و شادی

۱۱- احترام به بدن‌مان به‌عنوان هیکل خدا توسط یکی از ثمرات روح نشان داده می‌شود آن چیست؟

a) غرور

b) پرهیزکاری

c) خودخواهی

۱۲- یکی از راه‌هایی که خداوند از طریق آن اراده‌اش را بر ما آشکار می‌کند............

a) فرستادن روح‌القدس است تا ما را هدایت کند

b) خودش پیش ما می‌آید و به ما می‌گوید چه باید بکنیم

c) منتظر می‌شود تا خودمان راه صحیح را انتخاب کنیم

۱۳- اگر ما می‌خواهیم در لطف و فیض خدا ترقی کنیم باید.......

a) به دقت به آنچه دیگران به ما می‌گویند گوش دهیم

b) آیات کلام خدا را خوانده و در مراسم خاصی دعا کنیم

c) به تعلیم صحیح کلام خدا خوب توجه کنیم و همینطور هر روز کلام خدا را بخوانیم

۱۴- یکی از علل عدم اتحاد در کلیسا چیست؟

a) تبعیض

b) محبت

c) سهیم کردن دیگران در آنچه داریم

۱۵- یکی از راه‌های خدمت در بدن مسیح چیست؟

a) مشکلات اعضا را بازگو کردن

b) به اشخاصی که تازه به کلیسا آمده‌اند اشتباهاتشان را بگوییم

c) شخصی را که تنهاست به خانواده خود دعوت کنیم

۱۶- هدف از دادن تمام عطایای خدا..........

a) بنای کلیساست

b) پروردن فرزندان خداست

c) شکرگزاری است

۱۷- محبت واقعی شخص مسیحی چگونه مثل نمک است؟

a) آن محبت در موارد خاص بکار می‌رود

b) برای حفظ و بقای زندگی لازم است

۱۸- ما می‌توانیم توسط چه چیزی پاک زندگی کنیم؟

a) درخواست کمک از دوستان

b) تغییر اعمال

c) سرمشق قرار دادن عیسی

۱۹- کار مهمی که باید برای خدا انجام دهیم چیست؟

a) شاهدی از اعمال او باشیم

b) منتظر باشیم تا به ما بگوید چه باید انجام دهیم

c) به دیگران کارهای خوب خود را نشان دهیم